



تجدید فلسفه غفران ظهور از آیه نور احسان نبی محمد



۱۷۲

ماهنامه مسجد / ماهنامه فرهنگی آموزشی و تربیتی / دفتر مطالعات و پژوهش های مرکز رسیدگی به امور مساجد / شماره ۱۷۲ / اردیبهشت ماه ۱۳۹۳

صاحب امتیاز: مرکز رسیدگی به امور مساجد • مدیر مسئول: حمید مشهدی آقایی • دبیر تحریریه: حسن علی آبادی / **ادبیران سرویس** • سرویس منور: یاسر شریعتی • سرویس رواق: سعید آقایی • سرویس محراب: علی بانوشی • سرویس شبستان: مهدی اخلاقی • کارشناسان تحریریه: حجت الاسلام دکتر مروج طبعی، حجت الاسلام دکتر طباطبائی، حجت الاسلام سیدمرضا موسوی، دانیال نعمی • گروه مؤلفین: حجج الاسلام صمد نظری و حمیدرضا مظاهری و هادی توکلی، سید محمد مهدی هاشمی، حسین هر مرز، حمیدرضا گودرز، علی طالبی، رضا خوی، حسن فروغی، محسن گلپایگانی، احسان جندق، حبیبه امیری، مهدی مویدی، محمد غلام، سید مهدی موسوی، علی سعیدی، مرزویه عبیونی • طراحی و گرافیک: کارگاه طراحی و گرافیک کمان • اینفوگرافی: حسین علی آبادی • ویراستار: محمدباقر حقانی فضل • شمارگان: ۳۰۰۰



### منبر



تبلیغ چهره به چهره شیوه پیامبران و امامان بود / ۴ نمونه فیش / ۶ بحث پیامبر به روایت امام هادی (علیه السلام) / ۱۳ ابوالطال در اعلا مراتب ایمان / ۱۴ سیری در حال و هوای رجب / ۱۶ مولود کعبه از دیدگاه اهل سنت / ۱۷ بانوی عقل و صبر / ۱۹ مسجد پایگاه اصلی جهاد فکری سیاسی / ۲۰ ماه بلوغ / ۲۱

### رواق



جذب جذاب اما پوچ / ۲۴ سکولار ریسیم مبنای معنویت کاذب / ۲۷ رسیدن به آرامش با انجام تکلیف؟ / ۲۸ افسانه شخصی از واقعیت تا افسانه / ۲۹ خدا از دیدگاه پاتولو کویلو / ۳۱ واقعیت ادعای در مان / ۳۲ نقش خدا در قانون جذب / ۳۴ بشارت به یک شهر وند هزاره سوم / ۳۶

### محراب



مسجد احرار / ۳۸ پهنازه حضور / ۴۰ گوهر اعتکاف / ۴۲ اینفوگرافی رجب / ۴۴ پله پله تا خدا / ۴۶ قلب انقلاب / ۴۸ روزهای سپید / ۵۰ ساینتهای مسجدی / ۵۱

### شبستان



انقلابی که هنوز نشده... / ۵۴ مبانی فکری نظام / ۵۶ جریان شناسی / ۵۸ و مشاور هم / ۵۸ ابتدا و انتهای یک خط / ۵۹ حزیی که توده نشد / ۶۱ تاریخچه فراماسونری / ۶۳ ح ترا م / ۶۴ رادیو از آغاز تا کنون / ۶۵ مثبت در منفی = مثبت / ۶۶ میراث ما / ۶۷ منتقد شاعر اشعار حکیمانه / ۶۸ قندانی با یک جبه قند / ۷۰ معرفی کتاب / ۷۲

♦ در ویرایش و کوتاه کردن مطالب آزاد است  
♦ آثار مندرج در نشریه بیانگر نظرات نویسندگان است نقل و اقتباس از مطالب نشریه فقط با ذکر ماخذ مجاز است  
♦ مطالب خود را ترجیحا تایپ شده به رایانامه نشریه ارسال کنید.  
♦ مطالب ارسال شده به تحریریه ♦ بازرگرا ندانه نمی شود  
♦ باتشکر از تمام عزیزانی که مارا در تهیه ♦ یاری رساندند.

آدرس: قم، بلوار شهید صدوقی، ۲۰ متری حضرت ابوالفضل (ع) / پلاک ۱۰۳  
دفتر مطالعات و پژوهش های مرکز رسیدگی به امور مساجد  
تلفن: ۰۲۵۲۲۹۲۳۸۲۵-۶ • نمایر: ۰۲۵۲۲۹۲۳۸۲۷ • سامانه پیام کوتاه: ۰۲۵۲۲۹۲۳۸۲۵-۱۵۱۵۴۲  
نشانی اینترنتی: <http://www.masjed.ir> • بیست الکترونیک: [n.masjed@chmail.ir](mailto:n.masjed@chmail.ir)



عکس: بهمن ستولیان/اژدر

## چیزی شبیه حج

برخی از موضوعات اجتماعی برای اینکه به یک هنجار تبدیل شوند، باید مورد آرازیایی حسی و میدانی قرار گیرند و اگر نه نوع تعامل با آن موضوع مشخص نتواند باشد. همان طوری که نگاه فریب‌های وحشی برای نهادهای در چارچوب استنباطی احکام شرعی علم آور نیست، در مسائل اجتماعی نیز نمی‌توان به عنوان تکیه‌گاهی مطمئن برای نهادینه‌سازی یک الگوی معنوی، اخلاقی و فرهنگی از آن استفاده کرد. مسئله مدیریت اجتماعات دینی‌ای مانند نماز جماعت، اعتکاف ایام البیض رجب و شب‌های ماه رمضان نیز چنین است و با روش میدانی و حسی و روشمند و قاعده‌مند می‌شود.

ایجادگاه این گونه تظاهرات و اجتماعات معنویت محور، هنگامی مشخص می‌شود که در تقابل با فرهنگ معارض مقایسه شوند. غرب‌مندان هنگامی که با خال شدید معنویت مواجهه دست به کار تولید و حمایت از معنویت بدون دین و بدون اعتقاد به مبتدا و معاد زد؛ زیرا فطرت اجتماعی نوع بشر همچون فطرت فردی طالب و تشنه معنویت است و هیچ ابزار و امکانی نمی‌تواند جایگزین و بدل مناسبی برای این عطش دائمی باشد. بروز تکرات آن ناپیوستگی، عرفان‌های نوظهور، گرایش به بوداییسم و... همگی حکایت از همین نکته دارد.

برعکس، در دوره‌ای از انقلاب اسلامی، معنویت‌های غربی به خصوص در عرصه رسانه‌ای به عرصه فرهنگی وارد شد که سر به فراوانی رابه هنجارهای معنویت دین محور وارد کرد اما با گذشت دو دهه مردم به اجتماعاتی از این دست، تولید اعیان دوباره فرهنگ عمیق دینی را در خود داشتند. با توجه به این نکته باید ادعا کرد که استمرار قدرت تمدنی نوع هنجارهای معنوی را باید در فهم دقیق و عمیق ایجاد این عمل دینی دریافت. اعتکاف چنان که در آیات شریفه نیز وجود دارد نوع خاص خلوت‌گرایی آن هم در خانه خدا، یعنی مسجد است که این نکته، اول الکلیم این فریاد انسان ساز معنوی است.

بنابر فرمایش روایات شریفه چنان که محاسبه و مراقبه نفس در هر شانه و زویری هر مؤمنی ضرورت دارد. اجتماع اعتکاف نیز این خصوصیت را دارد که جمعیت مؤمنین با خلوت گزینی جمعی که شباهت فراوانی با اعمال حج دارد، شروع به محاسبه و مراقبه و تقوی و ششمنی و جمعی خودمانندنگته‌ای که شباهت کمتر در این گونه اجتماعات مورد اعتماد و توجه است.

فرست سه روز اعتکاف، هر چند که در مجموع زمان قابل توجهی نیست اما فرصت مناسبی برای زمینه‌سازی فرهنگ دینی است. مشروط بر آن که مدیریت این مراسم اصول اساسی اعتکاف را رعایت کند؛ از جمله آنکه بنابر فرمایش مقام معظم رهبری نباید برنامه‌های جمعی مانع برنامه فردی معتکفان گردد که ضربه زیان آوری در اعتکاف است.

اولیاء حقیقی خداوند تبارک و تعالی یعنی ائمه معصومین علیهم‌السلام در صفتی برای الگوسازی میدانی اجتماعات یافتند و بشری هم که در امروز هم هر چه تلاش می‌کند مانند ترفیق در مرداب است، با وجود این با دینوری به تجاری آورد که مبتنی بر روایات اهل بیت علیهم‌السلام است تا از این رهگذر، فواید و منافع بیشتری برای اهالی دین و مذهب فراهم شود. طرح مباحثی اخلاقی با استفاده از اسنادی طراز اول اخلاق در هر راجحه باعث بهره‌مندی بیشتر معتکفان خواهد شد. همچنین تجربه نشان داده است که تبلیغ چهره به چهره آثار پررنگ‌تری نسبت به بقیه روش‌های تبلیغی دارد؛ لذا چنان که تاکنون مرسوم بوده است، این نوع تبلیغ با قدرت و قوت بیشتر و البته باز زمینه‌سازی بهتر مورد نیاز است و توجه قرار بگیرد.

### پی‌نوشت‌ها:

۱. تألیف: تنظیم می‌آشتی‌خانیفر، ۱۳۸۰.

۲. هم چنین بهمن ستولیان مربوط از این امر اعتکاف با تبلیغ فارسی تکمیل اگر چه که اجتماع هزاران نفر در جاهای مختلف، یک فرصت خوبی است و شبیه به بعضی از مسولین مسجد؛ در این فرست‌ها برنامه‌های جمعی می‌گذارد، بلکه متلافراد بیشتر اعتکاف کنند. لکن من می‌خواهم عرض کنم این برنامه‌های جمعی مرکز اعتکاف، جوری باشد که با خلوت هر کدام از معتکفین مناسبت داشته باشد.



## رجب ماه آمدگی

«موتوا قبل أن تموتوا»؛ یعنی حرکت در زمان ممکن نشدنی است کسی قبل از مرگ بمیرد و پیش از رفتن برود، چنان که شیفته وصل شد در قالب بدن بندگی شود. به قول امیر بیان علیه‌السلام: «لولا لآل آل الذی کتبت الله علیهم لم یتسخر از روحهم فی اجسادهم». پیش از آنکه به پیشش بریند در فردوس متوقف است و قبل از آنکه به دوزخش در افکنند در آتش معذب؛ «فیه و الجنة کمن قدر آهافهم فیها متعمون، و هم و اللآئک من قدر آهافهم فیها متعمون»؛ اینجا به فرمایش امیر مؤمنان علیه‌السلام صفات پرهیز کاران است. همان‌ها که جلو جلازی می‌دوند.

در ماه رجب المرجب نفس می‌کشیم؛ ماهی که سرشار از راحه و لایات است. سه گانه «رجب، شیمان و رمضان» هر یک تجلی یک مفهوم والا هستند؛ رجب جلوه‌های امیر المؤمنین علیه‌السلام، شعیان تجلی رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ماه رمضان جلوه‌گر ذات اقدس اله است. امیر مؤمنان فرمود: «شهر رمضان شهر الله و شعیان شهر رسول الله و رجب شهری»؛ یک سیر و سلوک منسجم که از امامت آغاز و به رسالت منتقل و به توحید ختم می‌شود. باب ورود به مدینه النبوی امیر المؤمنین علیه‌السلام است. هر کس که قصد ورود به شهر رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را دارد باید از در آن وارد شود.

سیر معکوس این سلوک نیز منتج خواهد بود همان گونه که در دعای شریف می‌خوانیم: «اللهم عرفنی نفسک فانک ان لم تعرفنی نفسک لم اعرف نیکک اللهم عرفنی نیکک فانک ان لم تعرفنی نیکک لم اعرف حیجتک».

پایه‌اند در آستانه رجب المرجب، آن‌دین‌دخول به درگاه ماه شعیان است تا با مدد گرفتن از ولی و رسول خدا از هم‌کنون خویشتن را در زیافت سخاوتمندانه خلوند تصور کنیم و دل و جان را برای میهمانی کریم رحیم آماده ما بیه.

### پی‌نوشت:

۱. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۵۹.
۲. نهج البلاغه، سید رضی، مجلسی، مطبوعه.
۳. همان.
۴. شیخ زحاری، وسائل الشیعه، ج ۷۲، ص ۲۶۶.

انبیاء الهی و ائمه اطهار علیهم السلام تبلیغ چهره به چهره فوقی بین اشخاص قائل نمی شدند. امام علی علیه السلام با فردی مثل همام ، که کاملاً تشنه فرنگ ناب اسلام و معارف نورانی است و عبدالرحمن بن ملجم مرادی قاتل خودش که شقی ترین افراد است) باید روش برخورد می کند.



### حجتا اسلام و المسلمین نظری

## تبلیغ چهره به چهره شیوه پیامبر و امامان بود

به کوشش یاسر دهقان

❶ تبلیغ چهره به چهره را تعریف کنید و درباره سابقه و جایگاه آن توضیحاتی بفرمایید.  
می توان گفت تبلیغ چهره به چهره یعنی سخن گفتن یک نفر با اشخاص دیگر در یک مکان، به صورت رودررو و به جهت تأثیر گذاری مطلوب دینی بر احساس، اندیشه یا رفتار او.

سابقه تبلیغ چهره به چهره در اسلام به اوایل بعثت رسول خدا صلی الله علیه و آله بر می گردد که منبر، کلاس و تبلیغ به صورت رسمی نبوده است. وجود نازنین پیامبر عظیم الشان اسلام صلی الله علیه و آله به صورت مخفیانه در های مختلف با افرادی که اندک کم زمینه ای داشتند به طرق مختلف ارتباط می گرفتند و دین الهی را به آنان می رساندند مانند دلال جیشی عبدالله بن مسعود و ابوذر و خاندان باس.

دراهمیت و جایگاه تبلیغ چهره به چهره همین بس که یکی از دلایلی ممنوع شدن شب حضرت علی علیه السلام توسط عمر بن عبدالعزیز، تبلیغ چهره به چهره استادن یعنی عبدالله بوده است. باین شرح که عمر بن عبدالعزیز در زمان طفولیت روزی مشغول بازی با بچه های دیگر بود، بزرگه طبق معمول به هر پهلانی همراه با بچه های دیگر، امام علی علیه السلام را لعن می کرده است. اتفاقاً استادن می شنوند و هنگام درس او ارتباطی نمی گیرند مشغول نماز خواندن می شود. عمر بن عبدالعزیز متوجه ناراحتی استادن می شود. استادن پس از نماز نگاه خشم آلودی به او افکنده و می گویند از کجا می دانی که خداوند پس از آنکه از اهل بدر و بیعت رضوان راضی شده بود، بر آنها غضب کرد و آنها مستحق لعن شدند!

او جواب می دهد: در این باره چیزی نمی دانم. استادن دوباره می پرسد: پس به چه علت علی علیه السلام را لعن می کنی؟

عمر بن عبدالعزیز از



عمل خصلت عزیز خواهی و توبه می کند و قبول می دهد، دیگران عمل را تکرار نکنند. در نتیجه در زمان خلافتش، جلوی ست امام علی علیه السلام می گیرد.

❷ با توجه به سیره پیامبران و ائمه اطهار علیهم السلام کاتالی کاربردی درباره تبلیغ چهره به چهره بفرمایید.

انبیاء الهی و ائمه اطهار علیهم السلام تبلیغ چهره به چهره فرقی بین اشخاص قائل نمی شنیدند. امام علی علیه السلام با فردی مثل همام، که کاملاً تشنه فرنگ ناب اسلام و معارف نورانی آن است و عبدالرحمن بن ملجم مرادی قاتل خودش که شقی ترین افراد است) با یک روش برخورد می کند. امام حسن علیه السلام در برخورد با فرد ناشمی می ادب که شروع به دشنام دادن حضرت می نماید و یا امام حسن علیه السلام در برخورد با شخصی که دوست دارد نگاه کند و از امام سولای می پرسد نیز با تبلیغ چهره به چهره طرف مقابل خود را تحت تأثیر قرار دادند. یکی از نکات کاربردی در این خصوص این است که مبلغ در همه جا و در هر حال و با هر مخاطبی که اندک زمینه ای برای تأثیر پذیری دارد باید تبلیغ چهره به چهره داشته باشد؛ چه مخاطبش کاملاً مذهبی و هیتی باشد چه ظاهر ادور از مذهب و هیت.

❸ لازمه تبلیغ همگامی با شرایط روز است. امروزه تبلیغ چهره به چهره به چه شیوه هایی انجام می شود.

مهم ترین نکته در این نوع تبلیغ فرا گرفتن راهها و روش های ارتباطی با اقبال مختلف است؛ یعنی مبلغ بتواند خوب ارتباط بگیرد. اینکه این ارتباط گیری چگونه است، بسیار مفصل است اما اجماً لا مبلغ باید دست کم بیست داستان، بیست خاطره، ده معجزه، چيستجان، لطیفه و... که بسیار جالب، جذاب، تأثیر گذار و قابل طرح است را آماده داشته باشد.

❹ لطفاً درباره ویژگی های مبلغ چهره به چهره، موقعیت های مناسب برای این تبلیغ و ویژگی های این توضیحاتی بفرمایید.

❶ شرایط ویژه **ویژگی های مبلغ چهره به چهره:**  
۱. هر زمان و هر مکانی را تبلیغی بدانند؛ اینکه تبلیغ را فقط مختص ایام تبلیغی ماه مبارک رمضان و محرم و... بدانند.  
۲. موقعیت شناس باشند؛ یعنی بدانند چه زمانی مناسب است که با چه شخصی ارتباط بگیرد.  
۳. در گرفتن ارتباط اولیه با مخاطبان مختلف تناسبی را رعایت نمایند؛ یعنی بدانند با مخاطب دانشجوی پزشکی اینتا یک مسئله پزشکی مطرح نمایند و با دانشجوی رشته مهندسی از مسائل متناسب با او سخن به میان آرد.  
۴. در تبلیغ چهره به چهره حرف اول را حسن خلق و چهره گشاده و شاد می زند. ه تواضع و فروتنی یکی دیگر از ویژگی های مهم است.  
۵. در ارتباطی بحث باید یک مطلب کوتاه متن علمی و جالب مطرح نمایند تا مقبول واقع شود.  
۶. خوب به حرف طرف مقابل گوش دهد و برای او ارزش و ویژه ای قائل شود.  
۷. حرف های قابل قبول مخاطب را تأیید کند و همان اول حرف های طرف مقابل را رد نکند.

❺ مزیت های تبلیغ چهره به چهره بر سایر شیوه های تبلیغی را بیان بفرمایید.  
مقام معظم رهبری فرمودند: «خدای متعال یک رازی در مواجهه و رویه رو

مبلغ باید دست کم بیست داستان، بیست خاطره، ده معجزه، چيستجان، لطیفه و... که بسیار جالب، جذاب، تأثیر گذار و قابل طرح است را آماده داشته باشد



شدن دو انسان با یکدیگر قرار داده که نمی دانم چیست؟ ما هستم و اینکه که مرئی با مخاطب خود در یک جلسه می نشیند و با او حرف می زند که این صورت او را می بیند و صدای او را می واسطه می شنود و او به مخاطب خود روی می رسد و با او حرف می زند. این یک انستری دارد که در هیچ ابزار هنری دیگری نیست. این یک راز است که این هم از خصوصیات انسان است.»

در تبلیغ از طریق منبر، ارتباط یک طرفه است. در تبلیغ از طریق تدریس و کلاس داری، با اینکه ارتباط دو طرفه است، ولی مبلغ نمی تواند با یک تک افراد کلاس ارتباط بگیرد و تأثیر گذاری را بالا ببرد. در حالی که در تبلیغ چهره به چهره این ارتباط و تأثیر گذاری بسیار زیاد است.

❻ لطفاً درباره شرایط، نکات و شگردهای تبلیغ چهره به چهره در ایام اعتکاف در مسجدنکاتی را بفرمایید.

در مراسم اعتکاف، به خصوص در شهرهای کوچک و جاهایی که هنوز اعتکاف جایگاه اصلی خودش را پیدا نکرده، گاهی جوان و نوجوان از وقتش خوب استفاده نمی کنند! اما ایمان عزیز می تواند این بارها بر روی صحیح و جالب همپوشان نامهای جمعی معرفت افزایی مانند کتله حلقه های معرفت، جسات پرستی و پاسخ، سخنرانی، برپایی کلاس یا تابلو یا پلور پوینت و هم برنامه های فردی داشته باشند. در مدت سه روز اعتکاف سعی کنند با تمام افراد حاضر در مراسم به نحوی و با پهلانی ای ارتباط بگیرند و چهره به چهره تبلیغ نمایند.

برای این کار باید به موارد زیر توجه داشته باشند:

- ۱. در سخنرانی خود مطالبی را بگنجانید که مخاطب را بعد از سخنرانی و اذار نماید تا به سراغ شما بیاید.
- ۲. در سخنرانی خود سؤال یا سؤالی طرح کنید تا مخاطب به دنبال جواش بیاید.
- ۳. ادرس بعضی مطالب را به بعد از سخنرانی ارجاع دهید.
- ۴. مسائلی که بر گزار کنید و سؤال طرح نماید تا به پهلانه جواب دادن با شما ارتباط بگیرند.
- ۵. قبل از اعتکاف، آمار شرکت کنندگان را بگیرد و ببینید بیشتر مخاطبان چه کسانی هستند. چه نیازهایی دارند و چه مشکلاتی دارند تا از طریق طرح نیاز و مشکل توانی اید ارتباط بگیرد.



## اوصاف شیعه از دیدگاه امام باقر علیه السلام

سیّد محمد مهدی ماشینی (مطلبه سطح عالی حوزه علمیه)

۱۰

### متن و محتوا

قال مولانا امام باقر علیه السلام:  
لختیمة لسا دخل علیه  
لیودعه ابلغ موالینا  
السلام عتقا و اوصهم  
بنقوی الله العظیم واعلمهم باخیمة ابا انثنی  
عنهم من الله شیئا الا عمل ولن ینالوا لایتالا  
بورع  
امام باقر علیه السلام به خیمه که برای خداحافظی  
خدمت حضرت آمده بود، فرمودند: از طرف ما به  
دوستان ما سلام برسان و آنان را به پروا داشتن  
از خدای بزرگ سفارش کن و ای خیمه به آنان  
اعلام کن که ما در پیشگاه خلودن برای آنان هیچ  
کاری نمی‌توانیم انجام دهیم؛ مگر اینکه عمل  
کنند. و به ولایت و دوستی ما نمی‌رسند مگر با  
پارسیایی.

یکی از صفات بار شیعیان اورع است. اورع در لغت به  
معنای ترس همراه ضعف است؛ که در هر یک  
از آنها استعمال می‌شود. اورع در اصطلاح شرع  
خودداری از شتاب کردن به جمع متاع دنیوی قرار  
است. یعنی کسی که متصرف به این خصوصیت  
باشد، در مقابل دنیا و زینت آن خاضع نیست و از آن  
دوری می‌کند. دنیا پرستی و دوستی دنیا باعث از  
بین رفتن دین و ایمان انسان می‌شود. به شخصی  
که ورع داشته باشد، پارسا گفته می‌شود. رسول  
گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمودند: «کل شیء آسن و  
اسن الا ایمان الورع، برای هر چیزی پایه و اساسی  
است و پایه ایمان پارسایی است.»  
پارسایی از مهم ترین خصوصیات شیعیان است.  
در حدیثی نورانی از امام باقر علیه السلام آمده است: «قال  
الله عزوجل یابن آدم اجتب ما حرمت علیک  
تکلی من اروع الناس»؛  
چهارمین اورع چیست؟ چگونه یک شیعه می‌تواند  
آن را رعایت کند؟ خدا می‌گوید: «فرمودند: «الورع  
اجتناب» و در حدیث دیگری اشاره کردند:  
«اصل الورع تجنب الامام و التزیه عن الحرام»؛  
یعنی ورع و پارسایی دوری کردن از بدی‌ها،

زشتی‌ها و گناهان است و شخصی پارسا است که  
دوری کند از محارم الهی و هنگامی که به شبهات  
برخورد توقف کند و آنها را مرتکب نشود.  
ورع سه گونه است:  
۱. واجبه: خودداری از چیزهای حرام این قسم  
برای تمامی مردم است.  
۲. راجحه: توقف در تحصیل اموال شبهه‌ناک. این  
نوع برای برخی از مردم است.  
۳. فضیله: خودداری از بسیاری از مباحات  
و اختصار بر حداقل ضروریات. این نوع برای  
پیغمبران، صدیقان و صالحان است.  
ورع در واقع والا ترین درجه جهاد در راه خداست.  
امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «شیئا اهل الورع و  
الاجتهاد». در اینجا معنای عام از کلمه ورع قصد  
شده است که شامل سه چیز می‌شود: ۱. جهاد  
ابتدایی و مبارزه و پیکار. ۲. جهاد با نفس. ۳. جهاد  
و تلاش در راه کار و کسب علم دین.  
خالد بن دره آیه ۶۹ سوره عبوت می‌فرماید:  
«الذین جاهدوا فینا لنهدینهم سیلا و ان الله  
مع المحسنین»؛ کسانی را که در راه ما جهاد کنند  
آنها را به راه خودمان هدایت می‌کنیم و خدا همراه  
محسنین است.» بالاترین جهادها در حدیث  
نوی جهاد با نفس است که فرمودند: «فضل  
الجهاد من جاهد نفسه التی بین جنبیه»؛ یعنی  
انسان از هوی نفس بگریزد و خود را از نفس اماره  
نجات بخشد.  
وصفت پارسایی و اجتهاد هم چندی ندارند؛  
یعنی اگر اجتهاد همراه با پارسایی نباشد، سودی  
ندارد؛ چرا که احتمال قرار گرفتن در شهوات و  
محرمات وجود دارد. همان‌طور که پارسایی و  
ورع بدون اجتهاد فایده‌ای ندارد؛ یعنی کسی که  
اهل پارسایی است، نباید اهل جهاد باشد؛ حال ما  
در میدان جنگ و یاد جهاد و تلاش در راه کسب  
و کار و پایه دست آوردن علم، پارسایی تنبل و  
عزت‌نشین جزء شیعیان محسوب نمی‌شود.  
امیر المومنین علی علیه السلام می‌فرماید: «لا یفیع  
الاجتهاد و لا ورع فیه جهاد و لا تلاش داشتن  
فایده‌ای ندارد، اگر همراه با پارسایی نباشد.»

۱۱

### رفتار سازی

حضرت آیت الله  
العظمی شیخ مرتضی  
انصاری در تقوای و  
پارسایی و تلاش در  
راه دین زبان زد عام و  
مقلدین شیخ انصاری که  
تاجر بود یک عیای  
زستانی گران بهایه  
شیخ هدیه کرد و فریادی  
آن روز در نماز جماعت  
شربت کرد و پلی دید  
همان عیای ساده پوش  
معتز زرق و پارسایی  
معتز زرق و پارسایی  
شما هدیه کردم کجاست؟  
گفت: آن را فروخته و با  
پول آن دوازده عیای  
زستانی ساده خریداری  
کردم و به افرادی که  
در این زمستان عیای  
نداشتند دادم. تاجر عرض  
کرد: آقا جان عیای مال  
شما بود و برای شخص  
شما خریداری کردم تا  
شما آن را بپوشیدند  
اینکه آن را بفروشید  
شیخ در پاسخ گفت: آن  
ضمیر لایق لکن و چه  
چندین عیای بی‌پوش  
نداشتی که عده‌ای به  
عیای ساده‌ساز می‌توانی  
مندی باشد.

۱۲

### تحریک احسنی

نمونه‌های بسیاری  
از ورع و پارسایی را  
می‌توان در میان  
اهل بیعت و  
طهارت مشاهده کرد  
بسیار برای مثال از  
کوهانه صدیقیه کسری  
پارسایی راهی‌طور عینی  
می‌توان دید.  
این چیزی که از علمای  
بزرگ خنبلی است  
نقل کرده است که  
پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله  
چیز به حضرت زهرا  
فرمود و ایشان شب  
عروسی آن را پوشید  
در این راه اسباب از  
او درخواست لباسی کرد  
حضرت لباس خود را  
به او داد و خود پیراهن  
کهنه را پوشید.

### پی‌نوشت:

۱. مصباح اشعاری، داستان دستان، ص ۱۶.  
۲. عیالین جعفری، نورالاسلام، ص ۱۶.  
۳. کنز العمال.  
۴. نهج البلاغه، کاتبی، ص ۲۷.  
۵. میزان الحکمه، ص ۱۳۳.  
۶. همان، ص ۱۳۲.  
۷. محمدی اشعاری، داستان دستان، ص ۳.  
۸. شهید دستغیب، زندگی‌نامه طاهر صدیقیه کسری علیه السلام.



## نزوم حساسیت و حفظ

# هویت دینک

حسین مرزا (طالبه سطوح عالی حوزه علمیه)

### افق اندیشه به روش تحلیل چرایی

میه دل امام رضا علیه السلام در این کلام تأمل برانگیز به بیان لزوم حساسیت در اتخاذ مواضع دینی می‌پردازد تا تأمل تک‌خاصی بر حفظ هویت دینی دارند. ایشان در این حدیث به جایگاه نیت و قصد پرداخته‌اند و آثار آن را تا حدی دانسته‌اند که اگر چه شخص مشغول به عمل نباشد، اما اگر دلش همراه با آن باشد یا رضایت به عمل به آن نداشته باشد، در نواب و عقاب آن فعل شریک است. برای مثال وقتی ما از عرق و چود نسبت به عمل باران امام حسین علیه السلام در کربلا رضایت داریم و می‌گوییم «ایالتا کنا معک» یا توجه به این فرمایش امام بهیم، در نواب باران حضرت شریک خواهیم بود. همچنین اگر قصد نیت می‌اریم امام زمان علیه السلام در زمان ظهور ایشان است و می‌گوییم «اللهم اجعلنی من انصاره و اوتوائه». به طور محض در فضیلت یاری حضرت شریک خواهیم بود اما اگر بر انجام معصیتی رضایت داشته‌ایم یا سکوت کردیم، سکوتی که تأیید گنهاران آن است بدون شک در عقاب آنان سبیم هستیم.

حضرت باقر علیه السلام در این باره می‌فرمایند: «خداوند متعال به شعیب وحی کرد که من صد هزار نفر از قوم تو را عذاب می‌کنم. چهل هزار نفر از انصار را و شصت هزار نفر از اخیار آنان. شعیب گفت: یار خدایا! نیکان را چرا عذاب می‌کنی؟ فرمود: برای اینکه با بدان معاشرت کردی و در برابر گناه آنان سکوت کردی». بسیار جای تفکر دارد از صد هزار نفر عذاب شوندگان، شصت هزار نفر خوبان! نند یعنی شصت درصد به سبب سکوت در برابر گناه، عذاب می‌شوند!

امیرالمؤمنین در کلامی گهربار می‌فرمایند: «هنّ اسخّسنّ فی کبّانّ شریکاً فیها». هر فردی کار زشتی را نیکو شمارد در آن عمل دیگر، این عده را چنین منمّت می‌کند. «هر کس منکری را همچین ایستادگی می‌فکارت! نندار! تا آنچه به یاد تو باشد، به یکنه بخشی» از معرفت اهل بیت علیهم السلام تفکر در سخنان ایشان است. در این بحث درباره این حدیث بیشتر تأمل خواهیم کرد.

### ایجاد انگیزه به روش سؤالی

حضرت جواد علیه السلام در حدیسی تأمل برانگیز می‌فرمایند: «هنّ شهید اشرّ افکره هکّان کینّ غایب غمّه و من غایب عنّ امرّ فریضیه کائن کفنّ شهیده». هر فردی که برای حاضر باشد و آن امر و وظیفه باشد، در همچون غایب است و اگر شخص از کار غایب باشد، ولی بدان کار رضی باشد، چون فردی است که در آن مجال حضور داشته است.<sup>۱</sup>

معنا و مقصود سخن حضرت چیست؟ چگونه فردی که در انجام کاری حاضر است، همانند فردی که غایب است؟ چگونه فردی که در انجام کاری شرکت نداشته، همانند شخصی است که در آن کار حضور داشته است؟ آیا این با عدل و انصاف الهی می‌فکارت! نندار! تا آنچه به یاد تو باشد، به یکنه بخشی» از معرفت اهل بیت علیهم السلام تفکر در سخنان ایشان است. در این بحث درباره این حدیث بیشتر تأمل خواهیم کرد.

### آثار سکوت در مصیبت

در چهار اسباب و علل، کردار ناشایست انسان‌های آگاه، به طور طبیعی و تکنونی بر سرنوشت جامعه موثر است. شخص گناهکار، سه‌تهاز زندگی خود آریامه می‌کند، بلکه جامعه را در سراسر آسیمی انحطاط و سقوط قرار می‌دهد. قرآن کریم می‌فرماید: «وَأَتَتْهُمْ قَارُونَ لَأَنْصِبَنَّ لَكَ يَوْمَ كَيْدِكَ ذِكْرًا تَتَذَكَّرُ بِهِ نَبَأَ لِمُتَكِبِّينَ ۗ تَلَمَّؤًا مِنْكُمْ خِشْيَةً أَوْ رِيبًا ۗ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالْجَاهِلِيَّةِ الْآخِرَةِ وَأَلْبَسُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمُ الْكُفْرَ ۗ إِنَّ الْكُفْرَ أَشَدُّ بِرِيبٍ ۗ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ۗ»<sup>۱</sup>

«فتنه» در قرآن مجید در موارد متعددی به کار رفته است. گاهی به معنای آزمایش و امتحان و گاهی به معنای بلا و مصیبت و عذاب آمده است. این کلمه در اصل به معنای داخل کردن طلا در کوره است تا خوبی و بدی آن آشکار شود. سپس به معنای آزمایش‌ها که نشان‌دهنده چگونگی صفات باطنی انسان‌ها است، به کار رفته است. همچنین در مورد بلاها و مجازات‌ها استفاده شده که باعث تصفیه روح انسان یا تخفیف گناه او است. در آیه مورد بحث، فتنه به معنای بلاها و مصیبت‌های اجتماعی است که دامن همه را می‌گیرد و بدون اصطلاح خشک و تر در آن می‌سوزند. در حقیقت خاصیت حوادث اجتماعی چنین است. هنگامی که جامعه در آدای رسالت خود کوتاهی کند، بر اثر آن قانون شکنی‌ها و هر چه و مرج‌ها و نامتی‌ها و مانند آن به بار آید، نیکان و بدان در آتش آن می‌سوزند و این خطاری است که خداوند در آیه به همه جوامع اسلامی می‌دهد و مفهوم آن این است: افراد جامعه نه تنها موظفند وظایف خود را انجام دهند، بلکه موظفند دیگران را هم به انجام وظیفه و ادا نندازی از اختلاف و برکت‌نگی و نااهم‌گن در مسائل اجتماعی، موجب شکست بر نامعه خواهد شد و خود آن به چشم همه می‌رود. نمی‌توانیم بگوییم چون وظیفه خود را انجام دادیم از آثار شوم و وظیفه‌شناسی‌های دیگران بر کنار خواهیم ماند، چه اینکه آثار مسائلی اجتماعی فردی و شخصی نیست.

این درست است آن می‌ماند که برای جلوگیری از هجوم دشمنی، صد هزار نفر سرباز نیرومند لازم باشد. اگر عده‌ای مظلوم یا بیچاره از نفر وظیفه خود را انجام دهند، مسلماً کافی نخواهد بود. نتایج تواج شوم شکست، هم وظیفه‌شناسان را می‌گیرد و هم وظیفه‌شناسان را و همان‌طور که تکتمی خاصیت مسائل جمعی و گروهی همین است. این حقیقت را به بیان دیگری می‌توان روشن ساخت و آن اینکه نیکان جامعه وظیفه دارند در برابر بدان سکوت نکنند. اگر سکوت اختیار کنند، در سرنوشت آنان نود خاندان سسهم و شریک خواهند بود. چنان‌که در حدیث معروفی پیامبر نقل شده است که فرمودند: «لن اذعرو لجل با عذب الامله بعمل الخایسه حتی یروا المکبر بنی ظهیر انهم و هم قادرین علی ان ینکروه فاقابلوا ذلك عبد الله الخایسه و العالمة الخاندون عروجل هرگز عومور با عیب عمل گروهی خاص مجازات نمی‌کند، مگر آن زمان که متکبران در میان آنان آشکار شود و توانی بر انکار آن داشته باشند. در عین حال سکوت کنند. در این هنگام خداوند آن گروه خاص و همه توده اجتماع را مجازات خواهد کرد.»<sup>۲</sup>

از آنچه گفتیم روشن می‌شود این حکم در زمینه مجازات‌های الهی در دنیا و آخرت صادق است و هم در زمینه نتایج و آثار اعمال گروهی و دسته‌جمعی.<sup>۳</sup>

### رفترسانی

فردی از امام رضایتی پرسید: به چه علت خداوند دنیا را با تمامی مردم عزیز آتانی که با حضرت نوح بودند! غرق کرد یا اینکه در میان ایشان اطفال و مردمان بی گناه بودند؟ حضرت فرمودند: در میان آنان اطفال بودند تا فرخاندون سلب‌های مردان و ارجام زینت ایشان را چهل سال (فصل) عقیم و نازا کرد و بدهد و نشانش قطع شده بود و غرق شدند در حالی که طفلی در میان ایشان نبود، و خداوند اهلک نمی‌کند کسی را که گناه نداشته باشد. و اعاده آنان به جهت تکذیب بنعمت خدا حضرت نوح غرق شدند و باقی آنان به سبب آنکه رضی به این تکذیب بودند، غرق شدند چون سکوت کردند و اعتراضی نکردند. زیرا هر که غایب باشد از امری و رضی باشد به آن امر، مانند کسی است که حاضر باشد و از امر آن انجام داده باشد.<sup>۴</sup>

مادر برادر کاهلی نماز دیگران را باید جنبایی عده‌ای چه عکس‌العملی نشان می‌دهیم؟ امسال که قسمتی از سال شمار، فر هنگ است، در برابر فرهنگ‌های غربی غیر اسلامی که هر روز در جامعه و محجا پرمیونی در حال گسترش است، چه چرکی انجام دادیم؟ ما برای مقابله با آنها چه شیخون و تانوی فر هنگی چه‌قمی برداشته‌ایم؟ ما برای احیای سنت‌های فراموش شده اسلامی چه کردیم؟ آیا قعی برداشته‌ایم؟ ما برای شقوق، ترویج و تحکیم ازدواج جوانان چه نقشی ایفا کردیم؟

### پی‌نوشت:

۱- حرّی ابن‌شمه: تفسیر المصوب، ص ۲۴۶.  
۲- حرّی: ابواب، ص ۲۵.  
۳- علامه مجلسی: بحار الانوار، ج ۱۸، ص ۸۱.  
۴- حرّی: ابواب، ص ۲۵.  
۵- شیخ صدوق: علل الترویج، ترجمه سحرچی، ص ۷۵.  
۶- قبیل ۶، ص ۲۵.  
۷- مکرم‌مزرزی: ناصر، ترجمه نویسه، ج ۷، ص ۱۲۰.





# السلام عليك يا ابا عبد الله عاقبة نبي هاشم

## حضرت زینب کبری (علیها السلام)

حمید رضا گری (دبیر استاسطر علی حوزه علمیه قم)

داعی که زینب را در پا آورده گرجه جسم شد چهل منزل کودتاژ تازانه ماند بر اندام مجروح کعبنی نشانه داغ روی داغ دیدم خون ز چشمم شد روانه دهن کردم در دل ویرانه جسم زاندا نه قائل زینب علیها السلام کعب نی و تازیانه نبود، غم از دست دادن فرزند و تحمل شهادت آنها و غم زخم زبانی و سنگساز بالای بام نبود؛ آنچه که زینب را بعد از یک سال به برادرش ملحق کرد، غم از دست دادن برادر بود: قائم داغ حسینم شده نه بیدار مانده چون نیم یک حسینم کردم آخر نظاره تو را کشنده اگر با تیر و تیغ و نی برادر جان نگاه ندان نامرد مردم، می کشد ما را آفتدار این خواهی بود برادر به هم علاقه داشتند که وقتی به یاد آمد چشمم به روی کسی باز نکرد تا اینکه دیدن قماش را دادند به امام حسین علیها السلام در عوض یک جام بالای نی وقتی سسر بریده همه اسرارای کرد رسید به حضرت زینب علیها السلام چشم روی هم گذاشت؛ یعنی زینب منموتیم یعنی دلم اینجا به زینب کبری بیشتر سخت گذشت یا وقتی آمد میان خودی قتلگاه لب گذاشت به رگهای بریدم.

تو لب نشسته شدی کشته و من زینب اسیر دیگران این قوم چه خواهند جان من و تو جانی من بوده به ویرانه، تو در کنج تنور دوش در کوفه چه خوش بودم کان من و تو

السلام عليك يا بنت رسول الله. السلام عليك يا بنت فاطمة و خديجة، السلام عليك يا بنت امير المؤمنين روز وفات ام المصائب عقیله نبی هاشم، زینب کبری علیها السلام است. از اینجا چشم سر ببند و چشم دل باز کن، برویم حرم باصفای عمه سادات؛ همان بابوی که در کربلا دشمن دوش را گرفت و حالا هم دشمن دور حرمش را گرفته است. زینب ای اینکه هرا نما ای ز تو بیضا علی سر تا به پا ای مصیبت را نشدند در عزا وی و لا را کرده معنا یا بالا تو صدق بودی جیا یک چادرت پرده عصمت نخعی از چادرت گر نبودی تو نید اسلام باب بودم، گمراه بلند انقلاب بس که سراسر بایزیدی کرده ای در اسیری هم امیری کرده ای؟

چقدر داغ دید این بی بی؟ داغ خدش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و مادر گرامی اش صدیق طاهره علیها السلام داغ پدرش علی مرتضی علیها السلام و برادرش امام مجتبی علیها السلام و مصائب عظامی کربلا، همه را مثل یک کوه تحمل کرد.

دل زینب کجا و این جبارت هاجه جنایت ها خدا صبری دهد چون صبر او ما را و زهارا اما آن مصیبتی که حضرت زینب را زمین گیر کرد آن چه که قامتش را خم کرد آن

### پی نوشت:

۱. شرح ناس فی مناقب الجنان دعای توسل
۲. شرح نهج البلاغه فی مناقب امیرالمؤمنین
۳. کوفی، بیاد حضرت زینب کبری ز ولادت تا شهادت، ص ۷۰-۷۲
۴. دیوان نعل و سینه، ص ۳۳-۳۴

## شهادت حضرت امام هادی النقی (علیه السلام)

حمید رضا گری (دبیر استاسطر علی حوزه علمیه قم)

گرم ایشان را پیاده به دنبال خود می برد. گاهی شبانه به منزل حضرت می ریختند و حضرت را قتیبتش می کردند و وضع نامناسبی ایشان را احضار می کردند شاید بیزبان حال حضرت این باشد

یارب از زهر خفا سوختن ز یا تا به سرم شعله امه را آید همه دم از جگرم جز تو ای خالق دادرس کسی نیست گواه که چه آورده جنتی متوکل به سرم بمیرم؟ نسبی هم حضرت را به بزم شراب دعوت کرد. یا صاحب الزمان من را ببخش آقا آن شبی را که مرغان سووی بزم شراب آماز شدت غم مرگ عیان در نظرم آخاست تا بر من مظلوم دهد جام شراب شرم نمود در آن لحظه ز جدو بند فرمودم شراب هرگز داخل گوشت و خون من نشده است. نمی دانم در این مجلس چقدر به حجت خدا ساخت گذشت؛ اگر چه خاطر تلخی از شب رفتن میان بزم شراب عبود به سر دارم اما شمایان؛

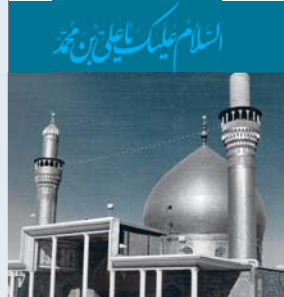
به یاد بزم شراب بریدن بزم بزم شراب و چوب و لب و لب حسین کنار نشست ملائکه بیشتر دارم مگر چه گذشت به عمه سادات، زینب کبری در آن مجلس بگویی با الهات برود کربلا.

بزم شراب و چوب و لب و لب حسین یارب از این مشاهده چرا چه می کنی؟ فریاد زینب سکینه و گفتا که عمه جان بنگر بزیاد با سر پایا چه می کنی؟ هر که فن تار است بگوید مظلوم حسین

السلام عليك يا علي بن محمد آنها الهادی النقی یابن رسول الله یا حجة الله علی خلقه یا سیدنا و مولانا تو ای خونا و توسلنا و استشفنا یا ک عبد الله و قدّمنا لیسین یدی جاجاتا یا وجهاً عند الله انشع لنا عند الله. دل هر شیعه می سوزد برای حضرت هادی خدا قسمت کند صحن و سرای حضرت هادی به شهر سامره تبعید شد آن مظهر تقوی مدینه نشود دیگر صدای حضرت هادی سر پاکش به همان پسر در وقت جان دادن چگر سوزده به وجه دل برای حضرت هادی امروز با امام عسکری علیه السلام که در تشیع بین مظهر پدر گریبان چاک و سسر برهنه آمد هم ناله بشویم.

روز شهادت امام هادی علیه السلام دل ها را روانه سامرا کنیم، درست است که امام هادی علیه السلام را در زمان معتز ملعون با زهر سموم کردند اما بیشترین مصیبت و آزار در زمان پانده سال خلافت متوکل بر امام وارد شد، همان متوکی که در اخبار غیبیه مولایمان امیرالمؤمنین علیه السلام به عنوان «گفرتنی عباس» کافر ترین فرد بنی عباس «معرفی شده است که در حق آل علی علیه السلام و تخریب فیور سالار شهیدان از هیچ جانی دریغ نکرد.

امام هادی علیه السلام را به سامرا تبعید کرد و با نهایت بی احترامی حضرت را در «خان الصعالمیک» کاروانسرای گدایان جای داد و حضرت را در حبس خانگی قرار داد. اگر بس سوار می شد و بسرای بی احترامی و خوار کردن امام، در هوای



### پی نوشت:

۱. شرح ناس فی مناقب الجنان دعای توسل
۲. شرح نهج البلاغه فی مناقب امیرالمؤمنین
۳. کوفی، بیاد حضرت زینب کبری ز ولادت تا شهادت، ص ۷۰-۷۲
۴. دیوان نعل و سینه، ص ۳۳-۳۴
۵. همان ص ۸۰
۶. شرح ناس فی مناقب امیرالمؤمنین، ص ۱۱۵-۱۱۶
۷. شعر از سید ساموئیل



## شهادت امام موسی کاظم علیه السلام

حمیدرضا گوردی (استادسطوح عالی حوزه علمیه قم)

الیهِم صلّ علی موسی بن جعفر المعبّد فی قبر الشّحون وطمّ المطامیر فی الشّاق المرصوص بحلق القبود والبخانة الماندا علیہ ذیل الاستخفاف.  
سلام ما به آن امام مظلومی که در قبر زندان‌ها و تاریکی سپاه‌چال‌ها شک‌جهش کردند. سلام ما به آن امامی که سساق‌بها پیش را با حلقه‌های زنجیر خرد کرد و جنازش را با دلت آوردند. حالا هر که گرفتار است، آقا پیش از خدا بزند که باب‌الحوایج است. باب‌الحوایج، یا موسی بن جعفر.

سلام ما به امامی که صید زندان شد میان چوایا که صبور و ایمان شد سلام ما به نمازی که حلقه زنجیر به جای دانه تسبیح مونس آن شد سلام ما به نوایی که همه‌راه علی میان قهر سه‌چال خصم پنهان شد سلام ما به آقایی که دادما و از این زندان به آن زندانی می‌پرداختن منتقل من سجنی ای سجن. به سپاه‌چال و زندان چه خوش است شوره و چالم که گندش با تو بار شب و روز ماه و سالام چه غم از فرار یاران گندم به روزگار آن که محض جسد دشمن شده محفل وصالم در اوایل، مناجاتش با خدا این گونه بود. آیا امام جای برای عبادت یافته بود، نمی‌دانم. در آخرین زندان، سندی بن شاهک ملوم چه بر سر آقا امام کاظم علیه السلام آورد که لحن مناجاتش عوض شد و فرمود: «ما ملخص الشجر من بین زمل

بسم الله الرحمن الرحيم  
جاء ابنه زین العابدین  
موسی بن جعفر

پی‌نوشت:  
۱- محمدی تنهاردی، محمد، سرگذشت آل محمد (صلوات الله علیهم) (ص ۱۰۱-۱۰۲)، شیخ عباس موسوی، امل، ۲۵ ص.

## بعثت پیامبر اعظم بهر وایت امام هادی علیه السلام

م. بیوسفی



پیش از بعثت هدای یهودی، عده ای مسیحی و عموم مردم بت پرست بودند. جنایی از اخلاق انسانی، خو گرفتن با خلق و خسوی دردنگی و صفات حیوانی که ظهور و بروز آن در زنده به گور کردن دختران بود، گوشه‌های از دوران تیره و تاریک بعثت بود که با مشیت و حکمت الهی و بعثت پیامبر اعظم، به دوران امید و روشنایی مبدل گشت و این اسبابی اساسی برای پیامبر اعظم، جایگزین آداب و رسوم خرافی و ضد انسانی جاهلیت شد. متأسفانه این رخداد یگانه و بی نظیر در منابع اولیه تاریخی نه تنها درست نقل نشده، بلکه به اصل فلسفه بعثت لطمه وارد کرده است.

**درنگی در احادیث بیعت در منابع اهل سنت**  
به موجب آنچه در تفاسیر قرآنی و احادیث اسلامی و تواریخ اولیه از جمله سیره ابن هشام و تاریخ طبرقی آمده است، عایشه همسر پیامبر، خواهر زاریگان و عبداللّه زبیر و عروه و زبیر، عمره بن شبر حلیل و ابومیسره غلام بنیمبر گفتمند: جریریل بن پیغمبر نازل شد و پیغمبر می‌گفت: بخوان که نام خدایت: «قرا باسم ربک الی خلق» و پیغمبر فرمود: نمی‌توانم بخوانم؛ «ما انا بقاری» یا من خواننده نیستم؛ «لست بقاری». جریریل سه بار پیغمبر را گرفت

و فشار داد تا سر سوم تواست بخواند. یکی از مهم‌ترین ایرادها بر این گزارش این است که راویان اصلی این جریان از نظر شیعه قابل اعتماد نیستند. عایشه همسر پیغمبر که شیعه و سنی ماجرای بعثت را در کلیه منابع تفسیر و حدیث و تاریخ اسلامی بیشتر از وی نقل کرده‌اند، پنج سال بعد از بعثت متولد شده است و از کسی هم نقل نمی‌کند. حدیث وی به اصطلاح مرسل است که قابل اعتماد نیست.

**بعثت پیامبر به روایت امام هادی علیه السلام**  
در سیره بعثت مستحسان بسیاری از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در هیچ البلاغه نقل شده است؛ ولی متأسفانه سخن حضرت هادی علیه السلام در باره بعثت مورد غفلت قرار گرفته است. آن حضرت با اشاره به تجارت پیامبر اعظم در نوجوانی، اتفاق اموال به دست آمده از تجارت و ترک تجارت و روی آوردن به عبادت خدا می‌فرماید: «هنگامی که حضرت محمد صلی الله علیه و آله تجارت شام را ترک کرد و آنچه خدا از آن راه به وی عنایت کرده بود را به مستندان بخشید، هر روز به کوه رفعت، از فراز آن به آثار رحمت پروردگار می‌نگریست و شگفتی‌های رحمت و بدایع حکمت الهی را مورد مطالعه قرار می‌داد، به اطراف آسمان نظر می‌دوخت و کرانه‌های دریاها، درها، دشت‌ها

و بیابان‌ها را از نظر می‌گذرانید و از مشاهده آن همه آثار قدرت و رحمت الهی، درس عبرت می‌موخت.»  
امام هادی علیه السلام با بیان زمینه‌سازی قلب پیامبر برای دریافت وحی و نبوت چنین می‌فرماید: «از آنجمله می‌دیده‌ام که بعد از عظمت پروردگار می‌افتاد، آن گاه با روشن بینی خاصی به عبادت خداوند اشتغال می‌ورزید. چوب به ستن چهل سالگی رسید خداوند نظر به قلب وی نمود، دل او را بهترین و روشن‌ترین و نرم‌ترین دل‌ها یافت. در آن لحظه خداوند فرمان داد درهای آسمان‌ها گشوده گردد. حضرت محمد از آنجا به آسمان‌ها می‌نگریست، سپس خدا به فرشتگان امر کرد فرود آیند و اینها نیز فرود آمدند و پیامبر اکرم آنها را می‌دید. خداوند رحمت و توجه مخصوص خود را از اعناق آسمان‌ها به سر محمد صلی الله علیه و آله و چهره او مصطفی دلالت.»  
پی‌نوشت:  
۱- امام علیه السلام لحظه نزول وحی و جریریل را این گونه توصیف می‌فرماید: «در آن لحظه پیامبر به جریریل که در حاله‌ای از نور قرار داشت نظر دوخت. جریریل به سوی او آمد و بازوی او را گرفت و سرخسخت تکان داد و گفت: ای محمد! بخوان. گفت به بخوانم؟ جریریل گفت: نام خدایت را بخوان که جهان و جهانیان را آفرید. خدایی که انسان را از ماده پست آفرید.

بخوان که خدایت بزرگ است. خدایی که با کلمه دانش او مocht و به انسان چیزهایی یاد داد که نمی دانست.»

اصنام دهم **سپاس** توصیف یکی از زیباترین صحنه‌های ابعث نبوی، اوج و عظمت پیامبر اعظم را بیان کرده‌اند: «سپاس دریافت وحی، حضرت محمد ﷺ از این که مبادا قریش و مردم مکه نبوت او را تکذیب کنند و به جنون و تماس با شیطان نسبت دهند، هراسان و مضطرب بود. در این حال با اراده خدایوند کوهها و صخره‌ها و سنگلاخ‌ها به سخن آمده، خطاب به پیامبر می گفتند: السلام علیک یا حبیب الله الیامد علیک یا ولی الله السلام علیک یا رسول الله.»

در پایان امام علی علیه السلام جانشینی علی ﷺ می فرماید: «سپاس از آن نیز بیروانت به وسیله جانشین تو علی بن ابیطالب از نعمت دین اسلام بهره‌مند خواهی شد. دانش‌های تو به وسیله روازه شهر حکمت و دانشت علی بن ابیطالب در میان ندانگان و مشاهیرها کشور، منتشر می گردد. به زودی دیدگانت به وجود دخترت فاطمه **علی** روشن می شود و از وی و همسرش علی، حسن و حسین که سروران پیششان خواهند بود، دید می یابی. دستان تو بر ادرت علی پادشاه بزرگی خواهند یافت. برای خود مدارا به دست تو می فهمی و تو آن را به برادر علی می سپاری. برچی که در سراسر اندک دیده همه معیبران و صدیقان و شهیدان ترز بر آن گرم می آیند و علی تا درون پشت پرده نیست، فرماده آنها خواهند بود. حضرت محمد **علی** پرسیدند: «خدایا یا علی بن ابیطالب که او را به من وعده می دهی کیست؟ آیا او پسر عمر من است؟ ندا رسدای محمد از وی: علی بن ابیطالب برگزیده من است که به وسیله او این دین را بایستد. می گردم و برآمد و تو بر همه پیروانت برتری خواهی داشت.»

از این حدیث نبوی، امام هادی **علی** بسیاری از زوایای قرآن، معانی و یکایک پیامبر اعظم را بیان فرموده است. بر خلاف سایر منابعی که جریان بعثت پیامبر از این گونه نقل می کنند که به آوردن آب شوری و جز توهمین و حسرات به ساحت پیامبر اعظم نیست، جای شگفتی است که مسفران سوره از این حدیث می‌فرستند و نقل آن در قریب مسوره سلف غافل می‌دانند یا اینکه این حدیث کتابت جانب و تازایی از تاریخ حیات پیغمبر یا با گو می کند، که باید مسلمانان از آن مطلع شوند.



منبر | معارف



# ابوطالب در اعلام مراتب ایمان

محمد محسن مرعوی طبسی استاد پژوهشگر تاریخ و کلام تطبیقی

بدون شک یکی از عوامل مهم در موفقیت پیامبر اعظم و رشد و تثبیت اسلام در جزیره العربی که غوطه در لجن برای فساد اخلاقی و اعتقادی بود، حضور بزرگ مردی به نام ابوطالب است که ستم و حین خصیصی در برابر پادشاه گویا و توطنه‌های مشرکان آن دوران بود. متأسفانه گروهی که اطلاع با معروض حضرت ابوطالب را مورد بی مهری و توهمین قرار داده‌اند، به گونه‌ای که آن حضرت را کافر و چشمنی معرفی کرده‌اند؛ در حالی که در بازنوای مختلف منابع فریقین، حضرت ابوطالب نه تنها شخصیتی با عظمت و با کرامت و مؤمن و مسلمان معرفی شده، بلکه اعتقادی و توحید، نبوت و امامت نیز کاملاً مشهود است که این نشان دهنده اعلا مراتب ایمان است.

## حضرت ابوطالب در مراتب ایمان

ایمان و اسلام حضرت ابوطالب در ترات شیمی اجماع است و جای هیچ‌گونه شک و شبهه و تنبیه‌های در آن نیست. شیخ طوسی در این باره می نویسد: از امام صادق و امام باقر **علی** نقل شده است که ابوطالب مسلمان بود، است. شیعیان بر این مطلب اجماع دارند و در آن اختلافی ندارند. آنان دلایل قطعی بر این مطلب دارند که سبب یقین بر ایمان ابوطالب می شود.

علامه مجلسی در این باره می فرماید: «شیعیان بر ایمان ابوطالب و اینکه او در ابتدای امر رسالت رسول خدا، با او ایمان آورد هرگز تردید نداشتند، اما در آن اوصیای حضرت تارابعیم بود. این مطلب به اندازهای زند شیعه مشهور است. حتی دشمنان شیعه نیز این اعتقاد را به شیعه نسبت می دهند و روایات متواتر از طرق

خاصه و عامه، بر ایمان او وارد شده و بسیاری از دانشمندان و محدثان ما درباره ایمان ابوطالب کتاب مستقل تألیف کرده‌اند، به گونه‌ای که این مطلب بر کسی که کافرهای رجالی تحقیق می کند، پوشیده نیست.»<sup>۱</sup> اما پیشوایان و هایت، همانند ابن تیمیه، محمد بن عبدالوهاب و همکاران علی، به دلیل کینه و دشمنی با امیر مومنان علیه **اصرار** بر کافر دانستن جناب ابوطالب و مطرح کردن آن در شرایط مختلف دارند و در این قضیه دچار بی انصافی و غرض‌ورزی شده‌اند که به برخی از سخنان اشاره می شود:

ابن تیمیه می گوید: شیعیان به عباس عموی رسول خدا ایراد می زنند: در حالی که ایمان او به صورت متواتر نقل شده است. ابوطالب را متشایب می کنند: در حالی که با اتفاق علم، کافر مرده است؛ چنان که احادیث صحیح بر این مطلب دلالت می کند.

همسو در جای دیگر با دیگر با وارد کردن شیعه بر خدمات و زحمات ابوطالب به اسلام و پیامبر می نویسد: «ابوطالب، رسول خدا **را** به سبب خوشاوندی و پیوند نسلی که سبب یقین برای خداوند و تقرب به او.»<sup>۲</sup>

همچنین محمد بن عبدالوهاب می نویسد: «دلیل تریس از آنست که علی غم اصرار رسول خدا به دلیل تریس از آنست که ایمان نیارود.»<sup>۳</sup> این در حالی است که آنده فراوانی برای اثبات ایمان حضرت ابوطالب بلکه اعلا مراتب ایمان او وجود دارد که بهترین آنها سخنان و ایمان حضرت ابوطالب در ترات اهل سنت است. آنها

همگی گویای باره‌های الوالی اعتقادی وی است.

## اصات اعلا درجات ایمان حضرت ابوطالب

الف) این اسحاق می گوید: بعد از نزول آیه «بیت یسایا لیس» و همپیام شدن قریش علیه پیامبر، ابوطالب گفت:

الم تعلموا ان ابی محمد علی بن ابی طالب کافر دانستن جناب ابوطالب و مطرح کردن آن در شرایط مختلف دارند و در این قضیه دچار بی انصافی و غرض‌ورزی شده‌اند که به برخی از سخنان اشاره می شود:

ابن تیمیه می گوید: شیعیان به عباس عموی رسول خدا ایراد می زنند: در حالی که ایمان او به صورت متواتر نقل شده است. ابوطالب را متشایب می کنند: در حالی که با اتفاق علم، کافر مرده است؛ چنان که احادیث صحیح بر این مطلب دلالت می کند.

همسو در جای دیگر با دیگر با وارد کردن شیعه بر خدمات و زحمات ابوطالب به اسلام و پیامبر می نویسد: «ابوطالب، رسول خدا **را** به سبب خوشاوندی و پیوند نسلی که سبب یقین برای خداوند و تقرب به او.»<sup>۲</sup>

همچنین محمد بن عبدالوهاب می نویسد: «دلیل تریس از آنست که علی غم اصرار رسول خدا به دلیل تریس از آنست که ایمان نیارود.»<sup>۳</sup> این در حالی است که آنده فراوانی برای اثبات ایمان حضرت ابوطالب بلکه اعلا مراتب ایمان او وجود دارد که بهترین آنها سخنان و ایمان حضرت ابوطالب در ترات اهل سنت است. آنها

همچنین محمد بن عبدالوهاب می نویسد: «دلیل تریس از آنست که علی غم اصرار رسول خدا به دلیل تریس از آنست که ایمان نیارود.»<sup>۳</sup> این در حالی است که آنده فراوانی برای اثبات ایمان حضرت ابوطالب بلکه اعلا مراتب ایمان او وجود دارد که بهترین آنها سخنان و ایمان حضرت ابوطالب در ترات اهل سنت است. آنها

محمد بن اسماعیل بخاری نیز همین شعر را

زمانی که کفار قریش، لات و عزری را وسیله طلب باران قرار داده بودند، ابوطالب فرزند برادرش را پیش خداوند وسیله قرار می دهد و به برکت او از خداوند طلب باران می کند و همان طور که از زبان ابن التین نقل شد، این روایت نشان می دهد ابوطالب قبل از نبوت رسول خدا **پیامبر** به این اعتقاد قطعی رسیده بود که حضرت در آینده به مقام پیامبری خواهد رسید.

و تعلم بان اولادك زبنة  
وأفعل خير كلها بانك لا رب

و می دانیم که تو چنان خوب و کریم هستی که از طرف تو به کسی که نزد تو است، ستم نمی شود و می دانیم که خدا قدرت تو را زیاد کرده است و همه اسباب نیک و خوب را تو عین است.<sup>۴</sup>

حاکم با سند خود از ابن اسحاق نقل می کند: بلکه نشانگر در جات عالی ایمان را نشان می دهد، راه به نیکی با باهندگان و دفاع از آنان دعوت کرده بود:

لیعلم خیر الناس ان محمدا  
وزیر لعمری و المسیح ابن مریم  
انانا نهدی مثل ما تیها

فکل بامر الله یهدی و یصم  
باید بدانند که بهترین مرد، حضرت محمد **علی** است و او وزیر موسی و حضرت مسیح است. برای ما هدایتی بود، مثل هدایتی که آن آوردند. سر به هر که از آنان به فرمان خود، هدایت می کند و حقیقی می شود.

د) توسل ابوطالب به پیامبر برای بارش باران: طبق این روایت، زمانی که کفار قریش، لات و عزری را وسیله طلب باران قرار داده بودند، ابوطالب فرزند برادرش را پیش خداوند وسیله قرار می دهد و به برکت او از خداوند طلب باران می کند و همان طور که از زبان ابن التین نقل شد، این روایت نشان می دهد ابوطالب قبل از نبوت رسول خدا **پیامبر** به این اعتقاد قطعی رسیده بود که حضرت در آینده به مقام پیامبری خواهد رسید.

محمد بن اسماعیل بخاری نیز همین شعر را

محمد بن اسماعیل بخاری نیز همین شعر را

زمانی که کفار قریش، لات و عزری را وسیله طلب باران قرار داده بودند، ابوطالب فرزند برادرش را پیش خداوند وسیله قرار می دهد و به برکت او از خداوند طلب باران می کند و همان طور که از زبان ابن التین نقل شد، این روایت نشان می دهد ابوطالب قبل از نبوت رسول خدا **پیامبر** به این اعتقاد قطعی رسیده بود که حضرت در آینده به مقام پیامبری خواهد رسید.

از زبان عبدالله بن عمر نقل کرده و تصریح می کند سرانده این شعر جناب ابوطالب است:

و آئینش بیستسقی العظام بوجه  
ثم ال التانی عظمة لارا ایل  
توسل حضرت ابوطالب به پیامبر اعظم برای بارش باران، یکی از گزارش‌های متواتر تاریخی است که نه تنها ایمان حضرت ابوطالب را نشان می دهد، بلکه نشانگر در جات عالی ایمان حضرت ابوطالب به ساحت تعالی و پیامبر اعظم است.

و) ابوطالب و حدیث پیامبر: جریان پیام باقر در مکه توسط خویشان و اهل بیت بود، توحید، نبوت و امامت بود و بعد از این جریان، قریش به ابوطالب طعنه می زدند. این طعنه‌ها تنها نشان دهنده ایمان راست حضرت ابوطالب بود، بلکه نشانگر در جات عالی ایمان حضرت، به دلیل اعتقاد و ولایت و امامت است.

برای آگاهی بیشتر از مستندات و دلایل ایمان حضرت ابوطالب به کتب کبریا می‌توانید به کتاب «شیخ محمدرضا طوسی» مراجعه کنید.

شیخ محمدرضا طوسی

۱. شیخ طوسی: التین: برقیس القرآن، ج ۱، ص ۱۶۴.  
۲. زاد المعاد، ج ۱، ص ۳۵۳.  
۳. ابن تیمیه: معارج العقبه، ج ۲، ص ۳۵۳.  
۴. همان، ج ۲، ص ۳۵۳.  
۵. محمد بن عبدالوهاب: مجموعة الوصای، ج ۳، ص ۶۳۲.  
۶. ابن اسحاق: سیر ابن اسحاق، ج ۱، ص ۱۷۸. ابن‌شامه: السیرة النبویه، ج ۲، ص ۱۷۷. ابن کثیر: المغنی، ج ۲، ص ۸۷.  
۷. ابن اسحاق: سیر ابن اسحاق، ج ۱، ص ۱۷۷. ابن کثیر: المغنی، ج ۲، ص ۸۸.  
۸. کلام: شامی: المستدرک علی الصحیح، ج ۲، ص ۶۸.  
۹. بخاری: محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، ج ۱، ص ۳۲۲.  
۱۰. ج ۱، ص ۱۶۴.



آنگاه که قیامت برپا شود، نیادی  
الهی فریاد زندی: «این الرجیون؟»  
کجايند آنان که ماه رجب را گرامي  
داشتند و از آن، بهره‌ها بردند؟ از آن  
آنوه جمعيت، گروهی برخوردارند که  
نور جلالشان محشر را روشن می‌کند.

منبر ۱ معارف

## سیری در حال و هوای رجب

علی طالبی

گرچه هم‌زمان  
ما مخلوق خلقت،  
برخی از آنها از شرافت  
و ویژگی خاصی برخوردار  
است. همه ماه‌های سال،  
بر تویی از قدرت جهان آفرین  
است؛ اما سه ماه رجب و شعبان  
و رمضان، لطیفی دیگر دارند.

رازى که هر خلق نیتهم و تکفیم  
بادوست بگویم که او محرم است از  
در کعبه کوی توهر آن کس که در آید  
از قبیله لیبوی تو در عین نماز است  
ای مجلسیان سوز دل حافظ مسکین  
از شمع برسد که در سوز و گداز است

هفتمین ماه از سال هجری قمری رجب  
نام دارد که نایب فضیلت آن را ندیده گشت؛  
زیرا در میان ماه‌های دوازده‌گانه از حرمت و  
قدساتی خاصی برخوردار است. در واقع در  
قرآن کریم از چهار ماه با تعبیر «حرم» یعنی  
حرمت یاد شده است که یکی از آنها رجب است.  
نام دارد در آن قتال و کشتار حرام است.

پیامبر اکرم ﷺ در عظمت ماه رجب  
می‌فرماید: «رجب، شهر الله  
الاحم» بدین دلیل آن را «حکم»  
نامیده‌اند که هیچ ماهی به درجه  
عظمت آن نمی‌رسد. هر که در  
یک روز از رجب را روزه بدارد،

مکتوبان رضوان الهی است.  
و روزاوش غضب الهی  
را خاصوش می‌کند  
و خداوند از وی  
در ایام چشم  
را بر او

می‌داند.<sup>۱</sup>  
در حدیثی دیگر ایشان می‌فرمایند:  
ماه رجب ماه بزرگ خداست که هیچ ماهی  
از نظر حرمت و فضیلت مثل آن نیست.  
حضرت در ادامه می‌فرماید: «هَلْ رَجَبٌ  
شَهْرٌ لِلَّهِ وَ شِعْبَانٌ شَهْرٌ لِرِجَالِهِ وَ رَمَضَانٌ شَهْرٌ  
أُمَّتِي وَ رَجَبٌ مَخَالِئُ السَّمَاءِ وَ شِعْبَانٌ مَخَالِئُ  
أَسْتِ وَ رَمَضَانٌ مَخَالِئُ مَاهِمْ»<sup>۲</sup>

روایت مشهوری در مورد عظمت و  
اهمیت ماه رجب از پیامبر اکرم ﷺ در  
کتاب‌های روایی خاصی از جمله کتاب  
اقبال سیدین طاووس از افعال ماه رجب  
یا کتاب المواقف مرحوم ابی‌الله ملکی  
تبریزی (از نقل شده است این حدیث به  
حدیث فرشته «ناعی» مشهور است:

رُؤَى عَنِ النَّبِيِّ ﷺ: «هَلْ لِلَّهِ تَمَالِي نَصَبٌ  
فِي السَّمَاءِ السَّابِعَةِ مَلَكًا يُقَالُ لَهُ الْعَالِي؛  
خداوند فرشته‌ای در آسمان هفتم دارد که  
اسمش اعلی است»؛ چراگاه این فرشته  
آسمان هفتم است؟ چون آسمان هفتم

مقام حقیقت محمدی ﷺ است؛ یعنی این  
روایت بر مقام پیامبر آخر زمان ﷺ منطبق  
است. بعد حضرت ﷺ فرمودند: «فَأَدَّخَلَ  
شَهْرٌ رَجَبٌ، يُبَادِي ذَٰلِكَ الْمَلَكُ لِيُبَيِّنَهُ  
إِلَى السَّمَاءِ؛ وقتی ماه رجب فر می‌رسد،  
این فرشته هر سه بار از سر تا صبح ندا  
می‌دهد. آری، خداوند آن فرشته را مأمور  
کرده است که در این ماه بزرگ با دل جان  
انسان خردهای بزند.

ماه رجب را از اسلام نیز مورد توجه  
بوده است. حضرت نوح ﷺ در ماه رجب  
کشیشی را رحمت کرد تا حتی الهی مکه  
است؛ یا رسول خدا ﷺ در قبرستان بقیع  
حضرت ایستاد و گشت و دوباره ایستاد.  
عرض کردم: یا رسول الله چه را این گونه  
رفتار می‌کنید؟ آن حضرت گریه شدیدی  
کرد، ماه رجب گریه کردیم، آن‌گاه فرمود: ای  
قائل بوندن موسم رجب است و آن را تعظیم  
می‌کنند و طغی آن از جنگ و خونریزی  
اجتناب می‌کنند»

در همین زمینه امام کاظم ﷺ می‌فرماید:  
رجب نام ماهی است که در آن قبرستان  
سقیفند و از غسل شریفین تر است. بنابراین  
هر کس یک روز از ماه رجب را روزه بدارد،

خداوند از آن نهر به او خواهد نوشتند.<sup>۳</sup>  
همچنین آن حضرت در روایت دیگری  
می‌فرماید: رجب ماه عظیمی است که  
خداوند اعمال نیک را در آن چند برابر و  
گناهان را در آن محو می‌کند. پس هر کس  
یک روز از ماه رجب را روزه بگیرد، پند انزاه  
مسیر یک سال از چشم دو و هر کس سه  
روز از آن ماه را روزه بدارد، بهشت بر او واجب  
می‌شود.<sup>۴</sup>

حضرت امام صادق ﷺ نیز می‌فرماید:  
آن‌گاه که قیامت برپا شود، نیادی الهی  
فریاد زندی: «أَيْنَ الرَّجِيُونَ؟» کجايند  
آنان که ماه رجب را گرامي داشتند و از آن،  
بهره‌ها بردند؟ از آن آنوه جمعيت، گروهی  
برخیزند که نور جلالشان محشر را روشن  
می‌کند. بر سر آنان تاج‌های شاهی از در  
و یاقوت فرار دارد و در ظرف راست هر  
نفر از آنان هزار فرشته، در سمت چپ نیز  
هزار فرشته به او کرامت و تعظیم الهی  
را تریب و گونند. از جانب الهی ندا آید:  
پندگان و کنیزان! به عزت و جلال موسوند،

شما را جای و مقام کرامی و عطایای  
فرزوان هم و شما را در جای جای دم  
که زیر آن نرها جاری است و شما در  
آن جاوید خواهید بود؛ زیرا شما دل‌طلبانه  
برای من در ماهی که من بزرگش داشته،  
روزه گرفتید، سپس خطاب به فرشتگان  
می‌فرماید: فرشتگان این بندگان و کنیزان  
را به بهشت داخل کنید. در اینجا حضرت  
صادق ﷺ فرمودند: این بادش برای کسی  
است که هر چه یک روز از اول و وسطا و آخر

ماه رجب را روزه بدارد.  
در حکایتی دل‌نشین از پیامبر گرامی اسلام  
آز زبان شخصی به نام یونان این چنین است  
است؛ یا رسول خدا ﷺ در قبرستان بقیع  
حضرت ایستاد و گشت و دوباره ایستاد.  
عرض کردم: یا رسول الله چه را این گونه  
رفتار می‌کنید؟ آن حضرت گریه شدیدی  
کرد، ماه رجب گریه کردیم، آن‌گاه فرمود: ای  
قائل بوندن موسم رجب است و آن را تعظیم  
می‌کنند و طغی آن از جنگ و خونریزی  
اجتناب می‌کنند»

عذاب آنان را تخفیف داد. سپس فرمود:  
ای یونان! اگر کسی از اهل این قبرستان  
کشد در عذاب‌اند، یک روز از ماه رجب را  
روزه گرفته بودند و یک شب را صبح قیام



## مولود کعبه از دیدگاه اهل سنت

م. غری

- ۱. بی‌توجهی
- ۲. بی‌توجهی فضیلت انبیاء السلام ص ۳۴
- ۳. سیدین طاووس افعال الاحمال ص ۲۱
- ۴. ص ۱۸
- ۵. فضیلت مناجات ص ۱۴، ش ۱۶، ص ۲۲
- ۶. سیدین طاووس افعال الاحمال، ص ۲۲
- ۷. شعبان ص ۴۳
- ۸. غم‌ها ص ۴۰
- ۹. ماهنامه علمی اجتماعی رجب ص ۹۷
- ۱۰. فضیلت پیغمبر ص ۱۶
- ۱۱. فضیلت پیغمبر ص ۱۶
- ۱۲. فضیلت پیغمبر ص ۱۶

فصل در لغت ضد نقص و به معنای کامل است. در اصطلاح به کسی که دارای کمالات و سجاای  
اخلاقی، اجتماعی، علمی و از این قبیل باشد، صاحب فضل و فضیلت می‌گویند مانند کسی که  
شجاعت یا سخاوت دارد اما اختصاص به معنای خصیلت و ویژگی منحصر به فرد است که افراد دیگر  
از آن ویژگی تمییز ندارند. حضرت امیرالمؤمنین به اعتراف همگان، جامع فضایل و خصایص است.  
فضایل حضرت امیرالمؤمنین آن قدر بنسبت است که احمد بن حنبل، پیشوا فکری حنبله، درباره  
فضایل آن حضرت می‌گوید: «مالا حدمن الصحابه من الفضائل با استناد ایضاً الصحاح مثل ما لعلی  
رضی الله عنه فضایل که با بسندهای صحیح برای حضرت علی ﷺ ثابت شده است، برای او هیچ  
احدی از صحابه ثابت نشده است».<sup>۱</sup>

مردوخ شیخ مفید(ره) در کتاب‌های متعدد خود آورده است؛ «قبل وبعد از حشرت علی ﷺ؛ احدی در درون بیت الله الحرام چشم به جهان نگشود و این عبادتی بود از خدایند بر آید امیرالمؤمنین ﷺ».

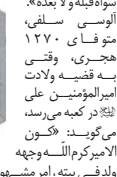
این عساکر شافعی و سیوطی شافعی به نقل از ابن عباس می‌گویند: «تعلق‌فی علی ثلاثاً ماۃ آید» در حق‌ی علی سیصد آیه قرآن نازل شده است.<sup>۱</sup>  
 واین وصف آن حضرت دارای خصایص و ویژگی‌هایی است که احدی در آن حظ و نصیبی ندارد. از جمله خصایص آن حضرت، ولادت در کعبه است که این جمله مسائل متواتر تاریخی بین فریقین است؛ اما مسأله فاطمه امروزی پیروان نبی‌نامه سعی در تشکیک و شبهه‌افکنی در این باره دارند.  
 مرحوم شیخ مفید(ره) در کتاب‌های متعدد خود آورده است: «قبل وبعد از حشرت علی ﷺ احدی در درون بیت الله الحرام چشم به جهان نگشود و این عبادتی بود از خدایند بر آید امیرالمؤمنین ﷺ».

**ولادت امیرالمؤمنین در کعبه از دیدگاه اهل سنت**  
 در طول تاریخ، علمای بزرگ اهل سنت از مذاهب فقهی و کلامی گوناگونی بر ولادت حضرت امیرالمؤمنین در کعبه اذعان کرده‌اند که مهم‌ترین آنها ائمه اربعه می‌کنیم. حاکم نیشابوری شافعی متوفای ۴۰۵ هجری می‌گوید: «قد تواترت الاخبار بان فاطمة بنت‌أسد ولدت امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب تزویج‌الله ووجهه فی جوف الکعبة» روایت متواتری هست که فاطمه بنت‌اسد، حشرت علی ﷺ در درون کعبه به دنیا آورده است.<sup>۲</sup>

زمانی که جیاکب علمای حاکم نیشابوری نزد اهل سنت آهسته آهسته همین ادعای حاکم نیشابوری درباره ولادت حضرت امیرالمؤمنین نیز تواتر خواهد شد. ذهبی سفلی از حاکم نیشابوری با عنوان «یشیوای حدثان» یاد می‌کند: «ابوالمعتمد مذهب‌فی می‌گوید: «حاکم نیشابوری، یشیوای اهل حدیث در عصر خود شوم بوده است.»

حافظ گنجی شافعی متوفای ۶۵۸ هجری می‌گوید: «ولدت امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب بمکه فی بیت الله الحرام علیه الجملة عشر لثمة ة لیلہ خلت من رجب سنة ثلثین من عام اقبل و لم یولد قبله و ابعد مولود فی بیت الله الحرام سواء ارنا له بئذک واجلالا لامحله فی التعظیم؛ علی بن ابی‌طالب

در رجب جمعه سیزدهم رجب در درون بیت الحرام به دنیا آمد. جلی نه قبل از او و نه بعد از او، تا به حال در تاریخ کسی در درون کعبه به دنیا نیامده است.»  
 درباره جایگاه حافظ گنجی باید گفت حاجی خلیفه حنفی مذهب از گنجی شافعی به «شیخ الحافظ» تعبیر می‌کند.<sup>۳</sup>  
 شاه ولی‌الله دهلوی سلفی متوفای ۱۱۷۶ هجری، قضیه ولادت امیرالمؤمنین علی ﷺ در درون کعبه را امری قطعی و مسلم می‌داند و می‌نویسد: «تواترت الاخبار بان فاطمة بنت‌أسد ولدت امیرالمؤمنین علیا فی جوف الکعبة فانه ولدت فی یوم الجمعة ثالث عشر من شهر رجب بعد عام الفیل بثلثین سنة فی الکعبة و لم یولد فیها احد سوا قبله و ابعد».<sup>۴</sup>  
 اوسی سفلی، متوفای ۱۲۲۰ هجری، وقتی به قضیه ولادت حضرت امیرالمؤمنین علی می‌رسد، می‌گوید: «کون الامیر کمز الله وچه و لدی یبته، امر مشهور فی الدنیا و ذکر فی کتب فریقین السنة و الشیعة... و لم یشتره وضع غیره کون الله وچه کمز الله وضمه لم یلق تکلم الکلمة علیه؛ اینکه امیرالمؤمنین ﷺ در درون کعبه به دنیا آمده است، شهرت جهانی دارد و در کتاب‌های شیعی و سنی آمده است. غیر از امیرالمؤمنین ﷺ، برای کسی همچون اتفاق نظری نیست که در درون کعبه به دنیا آمده باشد.»



**شبهه شیعه‌سازی**

با وجود سخنان صریح علمای اهل سنت که در این باره بیان کرده‌اند و نیز مواضعی که در کتب معتدب سنی آمده، شیعه‌پراکنی، سعی در مخوش کردن این خصیصه و ویژگی‌های مهم‌ترین تشیخه آنان در این زمینه این است که شخصی به نام «حکیم بن حزام» در کعبه به دنیا آمده است. این شبهه اشکالات فراوانی دارد از جمله: اولاً این مشکلات با تواتر تاریخی فریقین و

سخنان صریح علمای فریقین در تضاد آشکار است.  
**ثانیاً** وی پسر عموی زینب است و تلاش دودمان بنی‌امیه و آل زبیر در فضیلت‌تراستی برای وی بوده است.  
**ثالثاً**، یک روایت و گزارش مستند نیز در این باره وجود ندارد.  
 گفتنی است علامه بزرگوار سیدجعفر مرتضی عاملی(ره) در کتاب الصیخ من سیره النبی الاعظم و الصیخ من سیره الامام علی به تفصیل این مسئله را نقد بررسی کرده است. دشمنی‌های پیروان بنی‌امیه در حال حاضر با اهل بیت ﷺ، به‌ویژه فضایل و خصایص آن حضرت، همدم جمیل و ماندگار خلیل بن‌حمد فراهمی در برابر مظلومی‌تابه حضرت امیرالمؤمنین راه می‌آورد: «هاذا قول خاص فی رجل اخفت اولیائه فضله خفوا، اخفوا، عدواؤه فضلتها خست، وشاع له بین ذین ما سلا الخفافین ان چه بگویم در حق مردی که دوستانتش از ترس دشمن، فضایل او را پنهان کرده‌اند و جز نت بازگو کردن فضایل او را نماندند و دشمنانش هم از روی حسد، فضایل او را مخفی کردند. یا این همه، به قدری خفت‌افز و منتشر شد که شرق و غرب را فرا گرفت».<sup>۱۱</sup>



**بانی عیون و صبر**

**بانی عیون و صبر**

بانی عیون و صبر

هر چند کودک است؛ اما «دو» نمی‌گوید و چرای پدر را پاسخ می‌دهد که «زبانی که به یک کشتود شد به دو زبان می‌شود، پدر خرسند از این پاسخ، او را در آغوش گرفته، می‌بوسد.»

از این پاسخ، او را در آغوش گرفته، می‌بوسد.  
 در فرآیند دیگر از زندگی و در حدود شش سالگی، همواره در صحنه‌ای دیگر خرسند و پرگی از عظمت روحی و حریمات او، ولایت و امامت را اوست؛ خلیفه، عقیق و آتشین مادر، در سرها موقت، تجربه‌ناخود و در سه‌شنبه‌خوش ضبط نمودن این امامت و میراث گران‌بهرای نسل‌های آینده یادگار گذاشت که امروزه تک‌گران سنگ‌تشیخ این خطبه را از ایشان به یادگار دارد».

**زینب: معلم قرآن**

یکسال پس از استقرار امیرمؤمنان ﷺ در کوفه زنان و دختران مشتاق دانش، به آن حضرت پیام فرستادند گفتند: ما شنیدیم که دختر حضرت زینب همانند مادرش زهرا، منبع سرشار دانش و دلای علوم و کمالات است. اگر اجازه دهید در صبح یکی از روزهای عید به محضرش حاضر شده، از آن شرحه‌مذاتش بهره‌مند شویم.  
 امیرالمؤمنین ﷺ اجازه داد تا دختر علمالش، بانوان مسلمان کوفه را آموزش دهد مشکلات علمی و دینی آنان را حل نماید زینب اقدام خود را اعلام نمود و بعد از دیدارهای مقدماتی، جلسه تفسیر قرآن برای آنان تشکیل داده پرسش‌ها و شبهات آنان پاسخ گفت.

**وارث بی‌بی‌ها**

بانوی صبر و دانش نودان کردی را در آغوش پر مهر رسالت و امامت سپری کرد، در مسند عصمت و طهارت باید و به صفات‌الاولی انسانی و فضایل و کمالات معنوی و ملکوتی آراسته و ممتاز گردید.  
 زینب ﷺ که در چنین فضای معرفتی رشد و پرورش یافته است از چنان عظمتی برخوردار می‌گردد که قابل قیاس با زبان برگزیده و پهنش نیست حضرت آسیه، با وجود آنکه یکی از چهار بانوی پربرکت است و در قرآن صدق‌افراد ایام عبرت معرفی گردیده است. آن هنگام که با سخن‌ها و مشقات دینیتر مواجه گردید، آن‌ها نتایج باز گردید و خواست زینب را پسندیدند و عرض داشت: «رت یخنی و این لی بیتنا عندک فی الجنة»<sup>۱۲</sup> در حالی که زینب با این همه مصیبت و غم، شمار «هارات لا حیمیا»<sup>۱۳</sup> سر می‌دهد و چنان‌ها از ولایت و ایمان آن دفاع می‌نماید.

**بهر هم مویذ**

بهر هم مویذ

**پی‌نوشت:**  
 ۱. خلاصه جلد ۱، ص ۳۲، ص ۳۱.  
 ۲. از سینه، قرن اول، المصنف الفی الفی، ص ۱۵۲، ص ۲۱۵، ص ۲۱۵، ص ۲۱۵، ص ۲۱۵.  
 ۳. همان‌جا، ص ۳۱، ص ۳۱، ص ۳۱.  
 ۴. همان‌جا، ص ۳۱، ص ۳۱، ص ۳۱.  
 ۵. همان‌جا، ص ۳۱، ص ۳۱، ص ۳۱.  
 ۶. همان‌جا، ص ۳۱، ص ۳۱، ص ۳۱.  
 ۷. همان‌جا، ص ۳۱، ص ۳۱، ص ۳۱.  
 ۸. همان‌جا، ص ۳۱، ص ۳۱، ص ۳۱.  
 ۹. همان‌جا، ص ۳۱، ص ۳۱، ص ۳۱.  
 ۱۰. همان‌جا، ص ۳۱، ص ۳۱، ص ۳۱.  
 ۱۱. همان‌جا، ص ۳۱، ص ۳۱، ص ۳۱.  
 ۱۲. همان‌جا، ص ۳۱، ص ۳۱، ص ۳۱.  
 ۱۳. همان‌جا، ص ۳۱، ص ۳۱، ص ۳۱.

**رشد اخوی (طی بسطوح عالی حوزه علمیه)**

بانوی صبر حضرت زینب، ملقب به لقب‌هایی است که ژرف‌نگری در آنها نشان‌دهنده زبیر و متفاوتی به همراه خواهد داشت؛ عقیده، عقیده بی‌غمان، عقیده الطالین، عقیده النساء، عقیده فریش، عالمه غیر معلمه و در جمله القاب مستند که از های پنهانی از عظمت ایشان رازگو کنند.

**سیرت شامی**

به‌سانگی که از سبک زندگی علمی، تربیتی و عظمت روحی و معنوی ایشان استراره می‌کنیم که بر سراسر در یافت القاب مورد اشاره و نمایانگر تربیت ناب و علوی و فاطمی است؛ تربیتی عینی و عملی که از همان دوران خردسالی، شفقه‌های دریایی از آن پدید می‌آید. روزی امیرالمؤمنین ﷺ زینب را گفت: دختر زینب ای پسر بدو آواز خود شناده و آوازش کرد گفت: بگو «بک» و زینب «لحن کسیرین بگو که کانه تکرام می‌کند «بک». پدر می‌گوید بگو «دو» و زینب گفت که از جویم هر خدای با معرفت خود شنیده است؛ زینب گفت: به‌ر چه سینه زلال وحی متصل است؛ زینب گفت: که در مان خدایشان فاطمه زینب شد؛ زینب کرد است، «گو» همان است؛ اما «دو» نمی‌گوید و چرای پدر را پاسخ می‌دهد که «بانی که به یک کشتود شد به دو زبان می‌شود» پدر خرسند

۱- ابن‌جوزی، مناقب الامام‌المحدین جنبل، ۱: ۱۶۳، ج ۱.  
 ۲- نیشابوری، معجده المستدرک فی الصحیحین، ۳: ۱۱۰، ج ۱.  
 ۳- ابن‌کثیر، المبتدای فی الصحیحین، ۱: ۱۶۱، ج ۱.  
 ۴- ابن‌سبکی، تاریخ دمشق، ۳: ۴۴، ص ۴۳، ص ۴۳، ج ۱.  
 ۵- جلال‌الدین، تاریخ الخلفاء، ۱: ۱۷۱، ص ۱۷۱، ص ۱۷۱، ج ۱.  
 ۶- الصواعق المحرقة، ص ۱۶۶.  
 ۷- سید محمد باقر سقا، فتاوی شریف، ۱: ۱۴۴، ص ۱۴۴، ص ۱۴۴، ج ۱.  
 ۸- فیروزی، مشیقات، ۳: ۱۴۴، ص ۱۴۴، ص ۱۴۴، ج ۱.  
 ۹- حاکم نیشابوری، صحیح، ۱: ۴۸۲، ص ۴۸۲، ص ۴۸۲، ج ۱.  
 ۱۰- عیون، ۱: ۴۸۲، ص ۴۸۲، ص ۴۸۲، ج ۱.  
 ۱۱- فاطمة، الفی الفی، ص ۱۵۲، ص ۱۵۲، ص ۱۵۲، ج ۱.  
 ۱۲- گنجی سفلی، معجم مصدق، ۱: ۴۸۲، ص ۴۸۲، ص ۴۸۲، ج ۱.  
 ۱۳- حاکم، ۱: ۴۸۲، ص ۴۸۲، ص ۴۸۲، ج ۱.  
 ۱۴- اوسی سفلی، ۱: ۴۸۲، ص ۴۸۲، ص ۴۸۲، ج ۱.  
 ۱۵- اوسی سفلی، ۱: ۴۸۲، ص ۴۸۲، ص ۴۸۲، ج ۱.  
 ۱۶- اوسی سفلی، ۱: ۴۸۲، ص ۴۸۲، ص ۴۸۲، ج ۱.  
 ۱۷- اوسی سفلی، ۱: ۴۸۲، ص ۴۸۲، ص ۴۸۲، ج ۱.  
 ۱۸- اوسی سفلی، ۱: ۴۸۲، ص ۴۸۲، ص ۴۸۲، ج ۱.  
 ۱۹- اوسی سفلی، ۱: ۴۸۲، ص ۴۸۲، ص ۴۸۲، ج ۱.  
 ۲۰- اوسی سفلی، ۱: ۴۸۲، ص ۴۸۲، ص ۴۸۲، ج ۱.



# مسجد پایگاه اصلی جهاد فکری سیاسی

نکته ای به مجاهدت های ماندگار علامه شهید مطهری در مسجد الجوادان تهران

حمید شهیدی



علامه شهید مرتضی مطهری، یک الگوی  
افتخار آمیز برای روحانیت شیعه است. عالم  
فروغ خیزه ای که جامع علوم عقلی و نقلی بود و  
علم و عمل را که از جان پاک او اندیشه تابناک و  
برخاسته بود در زندگی توراتش متجلی ساخته  
بود. علاوه بر اینها خاندان متعال موهبت های  
فراوان دیگری هم به وی اعطا کرده بود که قلم  
روان و بیان رسای از جمله این عطایای الهی  
بود. چه بسا یارند عالمان بزرگ و اندیشمندان  
سترگی که درهای علم و معارف دادند اما به دلیل  
عدم پهرمندی از قلم و بیان رسا، اندیشه های  
آنها با مرگشان مدفون شده است.  
شهید مطهری از آن قبیل دانشمندی است  
که در نویسندگی، گویندگی، تدریس، تربیت  
شاکرد، تبلیغ معارف دینی و منبر، آئینی بنیادین  
و کم نظیر است. از این روست که در تهران و  
شهرستانها هر جا مسجدی پویا و فعال را  
یابید، رد حضور او سخنرانی های عالمانه و  
روشنگرانه ایشان چشمش را روشن می کند.  
شهید مطهری به خوبی به اهمیت نقش

مسجد، منبر و محراب واقف بود و قدر و منزلت  
آن را می دانست؛ به همین جهت است که در  
کتاب مناصب و مسئولیت های علمی و حکمی  
و فلسفی اش، مطهری را می توان «ملنی  
برجسته» و «اعظمی شهید» و «امام جماعتی»  
الگو دانست. ایشان در دهه چهل و پنجاه بهترین  
پرده ها را از منبر و محراب برای اهداف والای  
فرهنگی، اجتماعی و سیاسی خود برد و عملاً  
مساجد را پایگاه روشنگری خویش ساخت. تا  
آنجا که رژیم طاغوت توانست این شرایط را  
تحمل کند و او را ممنوع المعتبر ساخت. شهید  
مطهری علاوه بر جمع فعال در مساجد تهران  
و شهرستان ها، در کار حضور علمی در دانشگاه  
و حوزه، مسجد الجواد را پایگاه مبارزات فرهنگی  
اجتماعی خود کرد و در مدتی کوتاه از آن  
الگوی موفق برای مساجد دیگر ساخت.

■ **مسجد الجواد پایگاه تربیت و سیاست**  
در ضلع شرقی میدان هفتم تیر تهران مسجدی  
با معماری مدرن به چشم می خورد که سابقه  
تاسیس و بنای آن به سال ۱۳۴۱ م بر می گردد.  
مسجد الجواد اولین مسجد مدرن ایران است که  
با یکپارچه سازی و ستان های اجتماعات



به وجود آمدند و از همان ابتدا مورد توجه قرار  
گرفت. چند سال بعد در سال ۱۳۴۸ استاد  
مطهری پس از تحمل ناملایمات و بی مهری ها  
در حسینیه از شاد به مسجد الجواد آمد و به عنوان  
امام جماعت این مسجد مشغول خدمات دینی،  
فرهنگی و اجتماعی شد.  
نام شهید مطهری کافی بود تا مسجد الجواد به  
کانون حضور فعال دانشجویان و فرهیختگان  
انقلابی و عالمان برجسته تبدیل شود. با  
حضور شهید مطهری در مسجد الجواد، پایگاه  
مسئولیتی برای آموزش های دینی، تبلیغ  
معارف اسلامی و تربیت نیروهای انقلابی به  
وجود آمد.

حضور استاد مطهری در مسجد الجواد موجب  
شد تا این پایگاه دینی، به کانون فعالیت های  
فرهنگی - تبلیغی و حرکت های مردمی و  
اجتماعی تبدیل شود. علاوه بر سخنرانی های  
روشنگر ایشان در این مسجد، و اعطاء انقلابی  
دیگری چون آیت الله نوری همدانی، آیت الله  
ذخلی، آیت الله شهید باهنر، آیت الله شهید  
مفتح، آیت الله امامی کاشانی، آیت الله شهید  
محللاتی، مرحوم جغت الاسلام و المسلمین  
فائز، و استاد علی دوانی به عنوان سخنرانان  
ثابت، در مناسبت های مختلف، به روشنگری  
و آگاه سازی مردم به ویژه نسل جوان -  
می پرداختند. سخنرانی های طوفانده و روشنگر  
علامه شهید مطهری باعث شد، ناصر مقدم،  
رئیس ساواک، دستور دهد فعالیت های ایشان را  
تحت نظر بگیرد و لحظه به لحظه فعالیت های  
تبلیغی وی را گزارش نمایند.

استاد مطهری علاوه بر اقامه جماعت و  
برنامه ها و سخنرانی های معمول در این مسجد  
کلاس های درس تفسیر قرآن را به یاد داشت و  
سیاری از مباحث گران سنگ خویش را در این  
مسجد مطرح نمود.

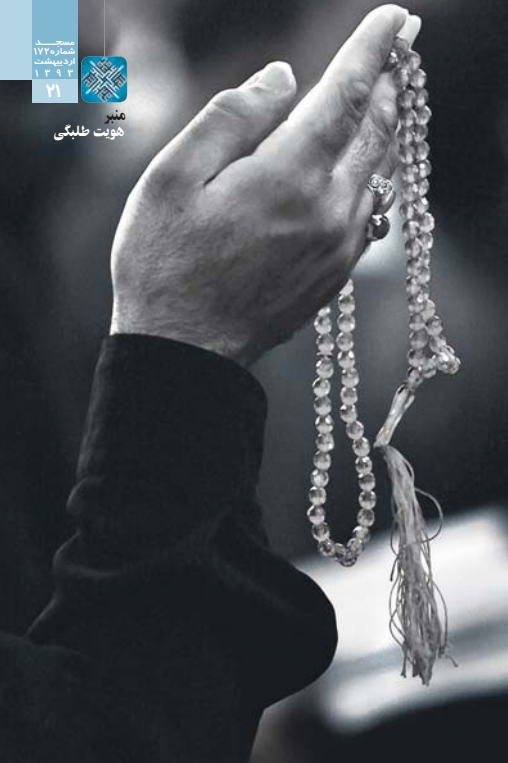
برخی شواهد حاکی از آن است که فعالیت های  
این مسجد باعث شد رژیم به فکر دخالت

مستقیم در مساجد از طریق اوقاف - بقیعت تا  
تواند با نصب مستقیم امامان جماعت بر روند  
فعالیت های موجود نامیابند. مسجد الجواد  
یکی از مساجدی بود که رژیم طاغوت روی آن  
دست گذاشت و با مقاومت و اعتراض شهید  
مطهری روبرو گردید. ساواک ناچار مسجد  
الجواد را تعطیل کرد تا بتواند از حضور یک امام  
جماعت دانشمند و فعال و پویا جلوگیری نماید.

■ **از سنگر مسجد الجواد تا سنگر های دیگر**  
با بسته شدن مسجد الجواد مطهری از  
تلاش باز نایستاد و مجالس سخنرانی و محافل  
درس و بحث خود را به مساجد دیگر انتقال داد.  
مسجد جاوید که آن روزها با امامت آیت الله  
شهید مفتح یکی از کانون های اصلی مبارزه بود،  
تبدیل به پایگاه فعالیت های این علامه بزرگوار  
شد. ردهای مجاهدت این عصاره و فضایل امام  
را در مساجدی چون ارگ، قبا، هدایت، جلیلی،  
لرژاده و مساجد دیگر شهرستان های کشور  
می توان یافت. استاد برجای مانده از ساواک  
گواه روشن این ادعاست.

تلاش ها و مجاهدت های پررنگی چون علامه  
شهید مطهری بود که باعث شد شبکه تیرهای  
انقلابی که آن روزها مورد تهدید تفرکات  
مار کستی از یک سو و رژیم زد از سوی دیگر  
بودند، شکل بگیرد و نسل پاک و سالم و انقلابی  
در آن رشد یابد. شهید مطهری هر چند از سطح  
فکری، معرفتی و سیاسی بود که باعث شد طرح  
شدن برای محدود کردن کارکرد های مسجد  
و کلیسای کردن آن به شکست پیانجامد. کار  
سترگ شهید مطهری و عالمان مجاهد دیگر  
در تهران و شهرستانها باعث شد «مسجد»  
به عنوان پایگاه اصلی تربیت نیروهای مسلمان  
و انقلابی طراوت و سرزندگی خود را حفظ کند  
و تبدیل به اصلی ترین کانون مبارزه مردمی با  
رژیم طاغوت گردد.

توضیح:  
۱- سید ابوالحسن اشعری شهید مطهری، مرکز بررسی اسناد  
تاریخی، ص ۲۰۲-۲۰۳.  
۲- جواد، «احسان، تکلیفی به مسجد در مقصد مبارزات سیاسی  
استاد شهید مطهری».



## ما بولوغ

سیر هیزرکان در رجب العزیم  
حسین فرعی (طایفه سطوح عالی حوزه علمیه)

«بدان ماههایی که ذکر آنها در این کتاب آمده و پیرامون عبادت های نیکی های آن گفت و گو شده است.  
مانند مراحل و منازل سیر دنیوی انسان است. از زمانی که مادر متولد می شود تا وقتی که در خانه خاک آرام  
می گیرد. پس بعد هر کدام از این منازل باید به اندازه تکالیفی که مولا برایش قرار داده و واسطه این  
تکالیف او آتش فرو بری و نوره سیمی در جمع آوری توشه برای سفر آخرت خود داشته باشد. پس بعد هر  
اندازه که در توان دارد باید برای جمع آوری این گنج ها و جواهرات گران قیمت تلاش کند. باید نامزد  
است: زیر انگشتری که سفر دور و دراز پس از مرگ شروع کند دیگر توفیق خدمت به مولا را برای همیشه



امام خمینی (ره) در این باره می فرماید: «این سه ماه جوب و شعبان و ماه مبارک رمضان، برکات بسیار نصیب انسان [می کند] البته میدا همه سعادت و دنیا و آخرت تمام جهانی که هست.»

ماهنامه  
آموزشی  
دانشگانه  
توسعه  
۲۲

شماره  
شماره ۱۲۲  
اردیبهشت  
۱۳۹۲

سرویس رواق



از دست خواهد داد»<sup>۱</sup>. اگر این سخن سیدالمرقاebین، سیدان طالوس در تمثیل ماههای سال به دوران های زندگی انسان را به عنوان ملاک و معیار بپذیریم، باید ماه رجب را مقارن با بلوغ انسان بدانیم. ماهی که علاوه بر مقدمه بودن نسبت به شعبان و رمضان و شرافت تیمی اش به واسطه ارتباط تام و مامش با مقوله همت و ولایت، برای اولیاء خدای شرافت و مکاتبت اصلی و نفسی بر خوردار است. بنابراین انقلاب که خود سالک و اصل بود درباره ضرورت زمینه سازی برای ماه رمضان می فرماید: «ماه شعبان مقدمه است برای ماه مبارک رمضان که مردم مهیا میشوند برای ورود در ماه مبارک رمضان و ورود در ضیافه الله شهماوقتی که می خواهید به کیمانی یورید خوب خودتان را در دست می کنید، ایبسی تغییر می دهید و یکطور دیگری وارد می شوید. خودتان را مهیای کنید و سر و ظاهرتان را سر و صورتتان را یک قدری فرق می گذارید یا آن وقتی که در خانه هستید.»

ناگفته بیادست که این سخن اگر چه در خصوص ماه شعبان بیان شده است، اما در حقیقت در خصوص اهمیت و ضرورت زمینه سازی قبل از حلول ماه رمضان است که این ویژگی در ماه رجب نیز وجود دارد. شاید دلیل توجه مردم نسبت به این ماه رجب تا این اندازه همین بوده است.

سید مطهری در این باره می فرماید: «رژ منزل خود ما عن از هفت و هشت سالگی کاملاً یاد هست. اصلاً اینکه ماه رجب دارد می آید مشخص بود؛ می گفتند یک هفته به ماه رجب مانده، پنج روز مانده، سه روز مانده، مشب احتمالاً اول ماه رجب است، برویم برای استعمال؛ می رفتند برای استعمال، ماه را ببینند، شب اول ماه رجب است! اعمال ماه رجب را به جای بیاورند تا مسجد که جمع می شدند، همه صحبت آمدن ماه رجب بود. ماه مبارک رجب و ماه مبارک شعبان پیش از آن آمده ای ماه مبارک رمضان هستند. من از بچگی همیشه با آن می دیدم.»

همه فضیلت ماه رجب را نباید به دلیل مقدمه بودن آن نسبت به ماه مبارک رمضان دانست بلکه ماه رجب به واسطه وجود مناسبت هایی چون میلاد امیرالمؤمنین و میمنت، خود از شرافت و فضیلت ویژه بر خوردار است. امام خمینی (ره) در این باره می فرماید: «این سه ماه رجب و شعبان و ماه مبارک رمضان، برکات بسیار نصیب انسان [می کند] البته میدا همه سعادت و دنیا و آخرت تمام جهانی که هست.»

شوهه سیر و سلوک در این ماه مبارک را در کتاب شریف «المرقات»<sup>۲</sup> قول علامه طباطبائی (ره) در بابی بر در و گوهر و جمعه ای از طرافت ها و

پارک بینی های اهل ولایت الهی است، می یابیم، بر حوم میرزا جواد ملکی تبریزی، مرقبت های این ماه را در ضمن مطالبی گوناگون بیان می کند که در اینجا به طور اختصار بیان می کنیم:

۱. **شاخصت حق شب و روز این ماه:** انسان زمانی می تواند از فضائل و حقایق چیزی از زمین بهره مند شود که آن را بشناسد و نسبت به آن معرفت پیدا کند. از نظر صاحب المرقعات علاوه بر روایات موجود در فیهما قبل ما رجب بیان ثواب های دنیوی و اخروی اعمال و اذکار ماه رجب نیز به طور برجسته مستقیم ارزش و جایگاه آن ماه را نشان می دهد.

۲. **توجه به معانی ادعیه و اذکار و دوری از قسری گری و ظاهر گرایی:** عبور از حجاب های ظاهری و به تعبیر بهتر گذر از پوسته اعمال و رسیدن به مغز و فهم آموزه های موجود در ادعیه و اذکار این ماه، انسان را نسبت به درخواست ها و طلب هایش از درگاه خداوند متعال متوجه کرده، نگاه او را به دانسته ها و نیاز هایش بینا می کند.

۳. **تقدم تزکیه و توبه بر انجام عبادات و انجام مستحبات:** نگاه اولیای خدا تا خانه ای از اعیان خالی نشده باشد، جایگاه دوست نخواهد شد. به عبارت دیگر میان عبد و خدا جز خود کامگی و تاریکی های رفتار چیز دیگری مانع نیست. با برداشتن شدن این موانع، قابلیت قایل و استعداد برای پذیرفتن فیوضات مهیا می شود. مرحوم میرزا ازباره در ضرورت توبه در این ماه می فرماید: «سبب در خواست توبه، واجب فوری است و ترک آن حرام و لاقبل آنکه توبه نفس از بار اخلاقی واجب عینی است و ترک توبه به اشتغال به عبادات مستحبه نیز حرام می باشد.»

۴. **ایجاد حالات ساختگی برای درک حالات حقیقی و واقعی:** مؤذبات این حقیقت که افراد تشبیه به هم، یک گروه و جمعی می آیند در سیره مستمره عرف و همچنین مآثورات اولیاء، دین به خوبی قایل مشاهده است. از رسول خدا نقل شده است که فرمودند: «هر کس خود را به گروهی تشبیه کند از آنها شمرده می شود.» یکی از راه های اینکه مکلف از جیبون و حساب آید و شایسته مخاطبت نباشد «این الرجیون» قرار بگیرد آن است که خود را در دنی و شمایل بر گردگان این ماه قرار دهد و با اشتغال به اعمال و عبادات این ماه سعی در تقرب و تزکیه به درجات مقربین داشته باشد.

<sup>۱</sup> فی الوشت: ۱. الاذکار الاصل الحسنه، ج ۲، ص ۶۳.  
<sup>۲</sup> اشهد مطهری، مجموعه آثار، ج ۱۷، ص ۵۴.  
<sup>۳</sup> عوالم، ج ۱، ص ۱۶۸.



www.rouaq.com

شاید بتوان بزرگ ترین رنج انسان عصر حاضر در خود محوری او خلاصه کرد، درد مشترکی که بیشترین فشار را بر ساکنان این دوره وارد ساخته است. او مانیسم چنان عرصه را بر انسان هانگ کرده که اسلامی نتواند جایگاهی را برای حقیقتی بزرگ تر از خود تصور کند. رنسانس اتفاقی بود که در سال های نه چندان دور در فکر مغرب زمین روی داد اما دامنه عواقب آن چنان زد که معنویت را از جامع زدود. زدود اتفاقی که به تدریج به گیر رنگ شدن خدا و انفعال و منجر شد تا آنکه صریحاً مرگ او اعلام گردید.

با مرگ خدا انسان خود را بر اینکه قدرت می دید و تلاش کرد جای خالی آن موجود بزرگ را با تفکرات خود پر کند. از همین زمان بود که معنویت های خود ساخته و نو ساخته یا به عرصه وجود نهانند هر کس برای دیگری استخای می پیچید و هر گاه هم مشکلی ایجاد می شد، خدایی علیل و ذلیل و ظالم را دوباره زنده می کردند تا نوک تیز تمامی انتقادات به سوی او باشد. مهم ترین نقدی که به عرفان های نوظهور وارد است، مسئله جایگاه خداوند و کار کرد اوست که در این شماره مورد بررسی قرار گرفته است.



میلمان علم جذب هوار با تأکید بر فیزیک کوانتوم ادعای علمی بودن این میبخت را دارد و در قیله «راز» که یکی از مهم‌ترین تبلیغات رسانه‌ای قانون جذب است، دقیقاً این مباحث فیزیکی را بیان کرده‌اند. این نظریه از طریق علم فیزیک نه تنها قابل اثبات نیست، بلکه به سادگی می‌رود می‌شود.



### ۱۲. اضمین تعریف قانون جذب جایگاه و روش‌های اثبات آن در عرفان‌های نوظهور را بیان کنید؟

قانون جذب یکی از اصول ثابتی است که بسیاری از میلمان عرفان‌های نوظهور آن استفاده می‌کنند و سعی می‌کنند که در وهله اول این مطلب را کاملاً علمی جلوه دهند. آنان طوری وانمود می‌کنند که علم فیزیک و روانشناسی کاملاً مؤید این مطلب است. در علم فیزیک اثبات این مسئله هم‌راهِ این چنین بیان می‌کنند که ماده از انرژی ایجاد می‌شود و انرژی صورتی از ماده است. تصورات انسان در کائنات اثری می‌گذارد و باعث تولید انرژی می‌شود و آن شیء تصور شده به وجود می‌آید و این در زندگی انسان می‌شود. به لحاظ فیزیکی به سادگی می‌توان کذب بودن این ادعای را اثبات کرد چرا که هم میزان انرژی ذهن انسان و هم میزان انرژی موزع مورد نظر قابل اندازه‌گیری است. در واقع نمی‌توان مثلا تصور کرد یک آپارتمان آن را به وجود آورد چرا که هیچ پاسخ علمی‌ای برای اثبات آن وجود ندارد. ذهن بشر حتی توان به وجود آوردن یک هزارم انرژی مولد آپارتمان را ندارد.

همچنین ذهن انسان زمانی که به یک خانه کوچک و زمانی دیگر که به یک قصر بزرگ می‌اندیشد، تقریباً به یک اندازه انرژی تولید می‌کند. میلمان علم جذب هوار با تأکید بر فیزیک کوانتوم ادعای علمی بودن این میبخت را دارد و در فیلم «راز» که یکی از مهم‌ترین تبلیغات رسانه‌ای قانون جذب است، دقیقاً این مباحث فیزیکی را بیان کرده‌اند. این نظریه از طریق علم فیزیک نه تنها قابل اثبات نیست، بلکه به سادگی می‌رود هم می‌شود. زویو دیگری که میلمان قانون جذب برای تأیید این ادعا آن را بیان می‌کنند، روانشناسی است. این میبخت به این صورت است که انسان به هر چیزی فکر کند، به آن می‌رسد. این مسئله در حوزه احساسات انسان قابل صدق است؛ چرا که در هر حال ذهن انسان برای هر چیزی حالت جسمی و روحی به جسم و حالات روحی فرمان می‌دهد که این مسئله هیچ ربطی به قانون جذب ندارد؛ زیرا این رویه به سازمان فیزیولوژی بدن است که کاملاً تحت فرمان مغز است، در مورد احساسات و روحيات انسان نیز همین طور است؛ انسان به هر چیز غمگینی فکر کند، اندوهگین می‌شود و به هر موضوع شادی فکر کند، شاد می‌شود؛ اما در این مقدمه هیچ وجه نمی‌توان نتیجه گرفت که ما کمال انسان به یک ماشین فکر کننده، به آن خواهر رسیدن این یک مغالطه و فریب است که به نظر روان‌شناسی انسان می‌تواند روی کائنات تأثیر بگذارد.

### ۱۳. آیا می‌توان خواستگاه قانون جذب را نوعی اهر قهر فشار روانی برای انجام امور دانست؟

این صورت که به تشخص می‌کنند، تشنه است و اصلاً توان هر کت به بسوی یوان است. این اندازه، با فکر کردن مستمراً به تشنگی انگیزه و توان را به دست می‌آورد؟ خواستگاه قانون جذب کاملاً بر خلاف این نکته است. در حقیقت قانون جذب نه تنها مولد کت نیست، بلکه کاملاً از هر کت جلوگیری می‌کند و در این مثال مخاطب را قوی‌تر می‌کند که عدم تشنگی را به خود تلقین کند. این مسئله در نظریه روان‌شناسی فرایند تفکر اولیه که برای آرزای امیال و هوس‌های خیالی مناسب است، بیان می‌کند. در نظریه فروید این امیال به «هپاد» تعبیر شده است که با همان آرزای تفکری و تحلیلی تعریف می‌شود.

در حقیقت انسان با تفکر و تحلیل بی حرکت می‌شود و گاهی این آرزای توهمی می‌شود و گاهی این آرزای توهمی از تجسمی به دلیل خلوص و شفافیت بیشتر از دنیای حقیقی جذاب‌تر می‌شود. لذا فروید برای رسیدن انسان به این نقطه مصرف کوکائین و مواد توهم‌زا را توصیه می‌کند.

در حقیقت انسان با تفکر و تحلی بی حرکت می‌شود و گاهی این آرزای توهمی از تجسمی به دلیل خلوص و شفافیت بیشتر از دنیای حقیقی جذاب‌تر می‌شود؛ لذا فروید برای رسیدن انسان به این نقطه مصرف کوکائین و مواد توهم‌زا را توصیه می‌کند.

این در حالی است که روند طبیعی رسیدن به اهداف در زندگی ابتدا تعریف هدف است. سپس تشخیص نسبت خود با هدف و اندازه‌گیری ی فاصله بین آن است. برای مثال بند برای رسیدن به مزرک ده کتری ده قدم باید طی کند. در همین نقطه موانع باید برسی شود و به دنبال آن ظرفیت‌ها و فرصت‌ها سنجیده شود تا با تمیز عالی توان به هدف رسید. اما در قانون جذب هدف را نقطه دور آینده طلقی نمی‌شود و باید اشخاص هدفشان را دست‌یافته تصور کنند و به هیچ وجه به موانع فکر نکنند؛ زیرا تصور موانع باعث جذب آنها می‌شود.

### ۱۴. با معنوتی که این جریان‌ها مدعی آن هستند با معنوتی که در اسلام می‌بینیم، وجه مشترک می‌تواند چیست؟

تعریفی که عرفان‌های نوظهور از معنوت می‌دهند، کاملاً متفاوت از تعریف آن در اسلام است. در اسلام معنوت را ارتباط واقعی با خالق هستی تعریف می‌کنند؛ اما در عرفان‌های نوظهور معنوت در شاد بودن، امید داشتن و احساس خوب داشتن خلاصه می‌شود. حس خوب در معنوت حقیقی وجود دارد و وقتی انسان با خالق خود هر گونه رابطه برقرار می‌کند حس بسیار خوبی پیدا می‌کند؛ البته هدف از ارتباط با خالق در اسلام دستیابی به این حس نیست؛ بلکه هدف طبر مسیر معنوتی و معرفت است. اما در معنوت‌های کاذب نوظهور حس خوب اصل و اساس معنوت است. در همین راستا خلدوند نزد جریان‌های موافق قانون جذب رکن مهمی شمه‌دهنی می‌شود. در این جریان‌ها رسیدن به حس ایندیل خواب‌آس است؛ لذا زمانی که «لا اله الا الله» در مورد جایگاه و مقبولیت خلدوند سؤال شد وی تصریح کرد که برای ما مقبولیت پروردگار فرقی ندارد؛ بلکه هدف اصلی به ارمان رسیدن شادی و لذت است، چه از خلدوند و چه بدون خلدوند. به همین دلیل استفاده از مواد توهم‌زا نه تنها برای ششان رایج است، بلکه به آن نیز توصیه هم می‌کنند. کار کرد اصلی قانون جذب در ادیان نوظهور ایجاد حس خوب و امید زندگی است؛ به خصوص برای کسانی که به اهداف و آرزوهایشان نرسیده‌اند.

### ۱۵. چسه عرفان‌های بیشتر از قانون جذب استفاده می‌کنند و چه فعالیت‌هایی در این دارند؟

یکی از عمده‌ترین جریان‌های عرفان جذب را ایجاد کرد و رسماً به اسم عرفان هم فعالیت کرد «کتکولونی فکر» است. در اعتقاد آنها خلدوند جایگاهی ندارد. از همین رو در عرب نیز سز متدینان مسیحیت به این جریان اعتراض کردند. با توجه به اعتراض شدید متدینان ادیان



## جذب جاذب امایوج!

کران شکر (مرتضی نامی)

نوشته‌های پیش رو گفت‌وگویی است با جناب حجت الاسلام حمیدرضا مظفری، استاد در ارتباط با مسائل مربوط به قانون جذب و جریان‌های مولد این موضوع. علمیه مق‌وارد شد و نامقطع خارج فقه تحصیل کرد. گرایش پژوهشی و تخصصی ایشان ایمنامی مباحث اخلاق و عرفان است از جمله فعالیت علمی و فرهنگی حجت الاسلام مظفری می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود: مؤسس و رئیس انجمن فرهنگ معنویت‌یونین بنیانگذار و رئیس مؤسسه علمی پژوهشی «په‌اندیشه معنویت» (پلهاموریت اسپت‌شناسی جنبش‌های معنوی یونین)، عضو شورای سیاست‌گذاری فرق و ادیان و معاونت تبلیغ مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه، طراح بنیادین المللی پیام محمدتبیخ، عضو کارگروه راهبردی دفتر برنامه‌ریزی دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، ایشان پیش از چهارده کتاب از جمله کتاب‌های «جریان‌شناسی انتقادی عرفان‌های نوظهور» و «کارگزاران فرشتگان» را به رشته تحریر در آورده‌اند و در زمینه‌های اخلاق، عرفان، ادیان و جامعه‌شناسی مقالات متعددی نگاشته‌اند.

در حقیقت بزرگترین خدشای  
که قانون جذب وارد کرده است،  
ضدیت یا توخید ربوبی است؛  
توخید ربوبی یعنی خداوند قدرت و  
اراده مطلق است و تمام اتفاقات به  
اراده او به انجام می شود.



خداحوری چون مسیحیت و اسلام مبنی بر اینکه رسیدن به موفقیت بدون حضور خداوند ممکن نیست، آنها در توجیه این مسئله غده شده که این قدرت را (قدرت جذب) خداوند به عنوان عطا کرده است؛ با وجود خداوند ضدیت ندارد. در حقیقت بزرگترین خدشهای که قانون جذب وارد کرده است، ضدیت با توخید ربوبی است؛ توخید ربوبی یعنی خداوند قدرت و اراده مطلق است و تمام اتفاقات به اراده او به انجام می شود، به طوری که اگر وی اراده کند آنش نمی سوزاند بلکه کلماتش نمی شود. این نگاه به هیچ وجه در مورد وجود خداوند خدای مطلق نیست، بسته است ایجاد کرداند که با توخید ربوبی کنار گذاشت و وجودی دارد.

**۵. قانون جذب چگونه وارد این دنیا شد و چه افاتی را به همه راه دادست؟**  
قانون جذب ابتدا در امریکا به سر فرانک برن عنوان قانونی با پشتوانه علم روان شناسی و فیزیک کوانتوم تحت عنوان «عرفان» به وجود آمد. چون این قانون به لحاظ علمی قابل اثبات نیست، محملی نیاز داشتند که آن را توجیه و اثبات کنند که این بستر عرفان و معرفت استفاده کردند. به همین شکل زور و ادیان شد.

دیدن خطای مهم این جریان، آوردن آیات و روایاتی در تأیید قانون جذب بود. مگر کتاب سوره یسری عرفان های کاتبان در جامعه بشوند که می توان به هر احی باطن صریح عمدتاً افراد را در کوردا کرده است. در ظاهر آیات و روایات مؤید داشته باشد، هم در ادیان جریان سخت می شود و هم اصلاح افکار کسانیکه محظوب آن شده اند؛ چون اولاً افراد با نگاه دینی آن را پذیرفته اند و ثانیاً وقتی با خود هیچ تلاش برای بیان کنیم هم باید اثبات کنیم تأیید آیات و روایات است و علم است، هم باید اصل مفهوم آیات و روایات درست کرد در نهایت اسب اصلی این امر دیدن شدن افراد گمراه به مفاهیم دینی است که به مفهوم هر ایده و روایاتی نمی توانند به راحتی اعتماد کنند.

جریان تکنولوژی فکری برای اثبات خوداز دوازده صد ساله ای قرآن استفاده کرده است؛ از جمله ای سسی «مورد بقره» که «جاء علی فی الارض خلیفة»؛ از اینها این است؛ راین گونه تفسیر کرده اند؛ تفسیر با تکنولوژی فکری می توانند تمام خداها شود. هر چه از کند و فرمان بدهد، ایجاد می شود!

این تفسیر چند حرف و جود دارد وقتی خداوند در چندین آیه می فرماید: «کن فیکون»؛ «به این منظور نیست که انسان میدا واصل کن فیکون یا مهابان وجود می باشد؛ بلکه انسان وسیله است و خداوند در حقیقت باید اراده کند تا وجود به شیئی خلق یابد و حقیقتاً مبدء اصلی این موضوع خداوند است. اما اگر انسان از طریق قانون جذب اراده کند و فرمان بدهد امری در واقع پیوند به شیئی که استقلال نامه به انسان بدهد، کاملاً اشتباه و کفر است؛ چرا که چنین پیامبرانی عموماً می آوردند به اذن الله و با اراده حق تعالی مجزعه میسر شده است؛ نه اینکه ملائکه حضرت عیسی مستقار کرده اند؛ نه خداوند.

در آیه ۹۶ سوره آل عمران خداوند فرموده است: «وَاجْعَلِ الْمُؤْمِنِیْنَ اِیْدِیْنَ لِلَّهِ»؛ آنچه در دین به این نیاز مبرم است، فهم فلسفه اصلی خلقت، یعنی روح و توحید است. در صورتی که قانون جذب بر عکس انسان را به استکبار و استقلال همسایه سبوق می دهد و در آن هیچ گونه روی بندی وجود ندارد. وجود این همه اختلاف مختلف بر خلاف بر نامرئی بر انسان به دلیل این

است که انسان در یاد همه چیز از طریق خداوند میسر است و انسان در قیال پروردگار قادر تهنده بود. عبد است، امیر المؤمنین (علی) فرماید عرفان الله بیخ حقیقت؛ خدا را زمانی شناختم که اراده های رین رفتم».

**۶. تحریفات و آسیب های دیگری که قانون جذب به اسلام وارد کرده است و این تحریفات چگونه بوده است؟**  
قانون جذب مفهوم دعا را نیز تحریف کرده است. در کتاب های تکنولوژی فکر نوشته شده است که دعای کرد مرادنی تأکید برای تلقین به نفس است تا قدرت نفس افعال کند. در حالی که مفهوم دعا در اسلام تکرار و تلقین به نفس نیست؛ بلکه دعا قرض و خواهش و استدعا از ساخت خداوند است و روایت داریم که «الدعا عمالمة»؛

تکنولوژی فکر ضد بنیان های معنوی اسلام است و دائماً تأکید می کند که هیچگاه «ان شاء الله» نباید گفته شود؛ بلکه باید قاطعانه به نفس خود بگوید حتماً قایل است؛ چرا که اگر قاطع نگوید پشیمانش برآورده نمی شود. از دیگر مباحث تحرافی قانون جذب بحث توبه است. توبه در اسلام به معنی پشیمانی از خطاهای گذشته است و انسان باید در صدد اصلاح آن برود. در حالی که قانون جذب می گوید توبه به معنی پشیمانی شدن نیست و به معنی آغاز کردن مسیر تازه در زندگی است. بدون هیچگونه پشیمانی از اعمال گذشته!

زیربانی قانون جذب زیر پا گذاشتن دین و تکیه بر نفس است؛ اما در ظاهر خودارامانی دین نشان نمی دهد.

**۷. آیا در اسلام برای جایگزینی اهرکاهی که قانون جذب و جریان تکنولوژی فکروار جامعه کرده اند، دستور العملی دارد؟**  
در اسلام اهرکاهی دینی بسیار پیچیده و جود دارد. در اسلام از برای تخلی و تومی به این شکل را اغلب می دانند و در مقابل می گویند ما باید مدامی که علم از زندگی رین کنیم؛ بلکه اگر انسان در خیال خود جسمانی ندانند و تخلیش می خواهد باید به نعمت های پشتمانی ای بیندیشد که اوصاف آن آریات و روایات بسیار آمده است. انسان باید از ظرفیت و جودنی تخلی، درست استفاده کند و حقیقت را تصور کند. اما ضای تخلی قانون جذب نوعی خود فریبی است که در هر مسلکی غلط است.

شناختن برای شناختن واقعیت درست است؛ زیرا با عقل نمی توان آنها را تخلی است. عقل تنها می تواند بفهمد که نظام عالم حکیمانه و هدفمند است و نتیجه اعمال باور دینی میزان سنجش قرآن گیرد اما جزئیات این مسائل را عقل نمی تواند توضیح دهد؛ بلکه آنها توسط وحی به انسان منتقل می شود و انسان را تخلی خود آنها را تصور می کند؛ لذا در قرآن و روایات آخرت توصیف آمده است. آیات و روایات می گویند تخلی که منتقل با واقعیت باشد، علم حقیقی و اگر منتقل با واقعیت نباشد، دروغ و فریب است. در مورد مادیات نیز اسلام اهرکاهی متفاوتی داده است؛ قانون جذب می گوید شناختن استقامت را تصور کن تا به این دستت پیامی آید؛ اما این می گوید از خطای طلب کن و چون خدا قدرت مطلق است، امکان دارد در بسیار شیئی از آنچه که خواستی به به تو عطا کند؛ همچنان که هر دایمی را در جاد و اردن است؛ «اما من یعطی من لم یسئله» و من لم یسئله و تخشعاً و خیرة»؛ آنکه دستاوردهای دنیوی و مادی هم بسیار متفاوتی غنی تر است نسبت به آنچه که در قانون جذب به آن وعده داده شده است.



# سکولاریسم مبنای معنویت کاذب

محمدصادق حسینی (اندیشور و کتبی دین پژوهی)

در حقیقت بر این فرقه ها به اندیشه افراد جهت داده می شود و اندیشه ایشان را به اسم تعالی بخشدین، از تفکر عقلائی دینی تهی کرده، به سمت خلا، تمرکز و آرامش هدایت می کنند.



## تجزیه بر مبنای اصول مدیشتین مثل ترازا، کما آتمر کراند

تجزیه های نوپدید دینی حقیقت بافر و کاهش دین به تجربیات شخص، خوش عهده ارنابل می کنند؛  
۱. با شخصی کردن تجربیات دینی هر گونه تکرار تصمیم گیری دینی، مانند آنچه که در ادیان سنتی وجود دارد که شریعتی عام با قوانینی جهان شمول در آنها شده و میزان روشنی برای رفتار و افکار و روابط اجتماعی شده است؛ را سلب می کنند.

۲. ایشان با شخصی کردن تجربیات، ادعای از اختیار داشتن انحصاری حقیقت را طرح می کنند؛ با توجه به فقدان امکان سنتی صحت و سقم چنین ادعاهای امکان ایجاد اتفاقا گریب شدید در میان این فرق و جود دارد.  
۳. سوی دیگر زمانی که تمامیت یک دین را در تجربیات افراد تعریف نامی، در حدی فرس می کند که بدانچه واد استه است تمام حقیقت است؛ بنابراین در مرجعیت خدا و اولیای دین را زنی پذیرد؛ از آنکه در مورد بسیاری نهایی اعمال و رفتار خود می دانند. متأسفانه این در حالی است که رهبران چنین فرقه هایی با فریب بیرون، ایشان را به سوی خود می خوانند و با نفی مرجعیت دین حقیقی، برای خود حجت و مرجعیت قائل می شوند و افراد را به اصنامت ملذوم و ملذومین خود واد می کنند.

می خوانند؛ البته این عمل معانیست که در این فرقه ها به اندیشه افراد داده می شود، و اندیشه ایشان را به اسم تعالی خدای خود، از تفکر عقلائی دینی تهی کرده، به سمت تمرکز و آرامش هدایت می کنند.

گرچه تمامی ادیان در زمان ظهور دینی نو با تلقی می شدند. اما آنچه معنویت ها و جنبش های نوپدید را از ادیان سنتی (اسلام، یهودیت، مسیحیت، زرتشت و...) جدا می کند، تنوع، تکثر و اتفاقا گریب شدید است که در میان آنها دیده می شود. فرق نوپدید معنویت و معنوی که در سالیان اخیر قراچ گونه رانقصی نقاط عالم رین شده اند، دو به توسعه خویش همت می گمارند؛ در پی روی کاهش دین و تنوع تجربیات شخصی و مفاهیم معنوی صرف کهرنگ کردن دین اصل و سنتی هستند؛ یکی از پیام های فکری این جریان نوپدید پیوند آن با مفهومی سکولاریسم است. سکولاریسم به معنای دنیا و مادی است؛ است از دیدن آن را در برابر دین قرار می دهند؛ لذا سکولاریسم در برابر دین به معنای مختلفی می کارم؛ و روز جامعه شری، زمینی، دنیوی، غیر مذهبیه ای جهانی، عرفی، و... معادل آن را و از در جهان اسلامی «علمانی» یا «علمانی» است. عادل خا...

در کتاب «الاساس الفلسفیه للعلمانیة» می گویند «بسیاری از اندیشمندان عرب و از «علمانی» را به کسر سین می خوانند که اشاره به ارتباط داشتن با واژه «علم» می کند؛ اما این مطلبی خلاص است که باید اصلاح شود؛ زیرا واژه «علمانی» از «علم» مشتق شده است نه از «علم» و تلفظ صحیح آن واژه «علمانی» است که عین و لام آن مفتوح می باشد. در کتاب های مباحث ماگر بخواننده به علمی اشاره کنند؛ واژه «علموی» استفاده می کنند که البته خودارامانی تلقی «علموی» از «علم» که بدست نمی آید، پس بهتر است از واژه «علمانی» بهره جویم».

می خوانند؛ البته این عمل معانیست که در این فرقه ها به اندیشه افراد داده می شود، و اندیشه ایشان را به اسم تعالی خدای خود، از تفکر عقلائی دینی تهی کرده، به سمت تمرکز و آرامش هدایت می کنند.



1. The Oxford English Dictionary, Vol. 6 P. 28.

۲. محمد صادق، «الاساس الفلسفیه للعلمانیة»، بیروت، ۱۳۸۲، ص ۱۹۳.

۳. کهرنگ، «بسته به یک تصمیم معنوی برای نوپدید».

۴. کهرنگ، «اصول علمانیات».

۵. محمد صادق، «تمرکز بر مذهب نیست».

۶. بیوت، لوس، «طریق الفاسین به روش در کمال».

۷. ترجمه در جامع الی و پرسن استکندروال پرنسکال، «الاعتقاد».

۸. «اساس» در صورتی که قانون جذب بر عکس انسان را به استکبار و استقلال همسایه سبوق می دهد و در آن هیچ گونه روی بندی وجود ندارد. وجود این همه اختلاف مختلف بر خلاف بر نامرئی بر انسان به دلیل این

۹. چنانکه پنهنج شریف زاده در مقدمه مجله معنویت کاذب مکتوب می نماید: «این نخبگان و نخبگان و نخبگان علمی هستند، می هانند».

۱۰. «اساس» در صورتی که قانون جذب بر عکس انسان را به استکبار و استقلال همسایه سبوق می دهد و در آن هیچ گونه روی بندی وجود ندارد. وجود این همه اختلاف مختلف بر خلاف بر نامرئی بر انسان به دلیل این

۱۱. «اساس» در صورتی که قانون جذب بر عکس انسان را به استکبار و استقلال همسایه سبوق می دهد و در آن هیچ گونه روی بندی وجود ندارد. وجود این همه اختلاف مختلف بر خلاف بر نامرئی بر انسان به دلیل این

۱۲. «اساس» در صورتی که قانون جذب بر عکس انسان را به استکبار و استقلال همسایه سبوق می دهد و در آن هیچ گونه روی بندی وجود ندارد. وجود این همه اختلاف مختلف بر خلاف بر نامرئی بر انسان به دلیل این

۱۳. «اساس» در صورتی که قانون جذب بر عکس انسان را به استکبار و استقلال همسایه سبوق می دهد و در آن هیچ گونه روی بندی وجود ندارد. وجود این همه اختلاف مختلف بر خلاف بر نامرئی بر انسان به دلیل این



## رسیدن به آرامش یا انجام تکلیف؟

محسن گلپایگانی (اندشجوی مکتبری ادیان ابراهیمی)

این پرسش در حقیقت یک نقطه حساس برای پرداختن به مقوله آرامش در عرفان‌های نوپدید است. جواب چرایی تفاوت ماهوی پارادایم کنونی از پارادایم گذشته به لحاظ معنوی و عبادی شاید در پاسخ به همین پرسش نهفته باشد. در دوره پیش از عصر مدرنیته تقاضای عمومی انسان‌ها این بود که عبادت برای انجام تکلیفی است که از سوی خداوند خالق برای انسان مخلوق معین شده است. انجام تکلیف و رضایت از مولای در حقیقت هدف نهایی و غایت بود که انسان برای عبادتش در نظر می‌گرفت. بنا به تغییر پارادایم و ظهور مدرنیته عرفان‌های سکولار با تغییر این هدف نهایی دین را از حالت سابقه خود خارج نمودند.

اکثون و در دوران مدرن نژد بسیاری هدف از دین رسیدن به آرامش و سکون قلبی است. چنانکه ویلیام جیمز روان‌شناس آمریکایی دین را عاملی برای رسیدن به آرامش معرفی کرده است: «در ظرف سی سال گذشته، آدم‌هایی از سراسر دنیا، با فرهنگ‌های مختلف با من مشورت کرده‌اند. من صدها بیمار را امالجه کرده‌ام. ولی باید بگویم در میان همه بیماران آنهایی که در نیمه دوم عمر خود به خصوص بالای ۳۵ سال پودمانه بیماری را ندیده‌ام که عمده‌ترین علت بیماری از غفلت از دین به همتی نامند. خیلی راحت می‌توانم بگویم اینها بیمار شده بودند چون به هیچ یک از ادیان زندگی که به پیروی خود این زندگی را می‌آموزند اعتقاد نداشتند و هیچ یک از آنها هم هیچ وقت کاملاً شفا پیدا نکردند، مگر این که

به اعتقاد مذهبی بازگشتند». یکی از فیلسوفان معاصر نیز در همین زمینه این چنین نوشته است: «معرفت قدسی، بر وظیفه قدسی عقل شهودی و قدرت نوایی کنشند ان مبتنی است. تحصیل چنین معرفتی همانا تحصیل یقین و زدودن شک است. شکی که موجب انرف ذهن می‌شود و آرامش درون را برهم می‌زند».

این مسئله نشان از تغییر تقاضای مدتیان نسبت به دین دارد. مسئله‌ای که رشد و توسعه عرفان‌های نوپدید را رقم زده و اینکه تحت تأثیر این جنبش‌های عرفانی کاتب‌به‌چود آمده است. اما سؤال اساسی از این معنویت‌های کاذب این است که معنای این مکتاتب با تکیه بر کدامین تکیه‌گاه در صدد ایجاد آرامش برای پیروانشان هستند؟ برای روشن تر شدن سؤال می‌توان به پاسخ روایات شیمی اشاره نمود. حضرت امیر علیه السلام در روایتی صبر را موجب آرامش روانی می‌داند: «بار داده‌های صبورانه و حسن یقین، غم‌های وارد بر دغد را دور سازد». امام صادق علیه السلام نیز در روایتی دیگر دعا را عامل آرامش روانی معرفی می‌نماید: «پیغمبر، امام یا مقرب علیهم السلام هر وقت معرفی او را محزون می‌کرد، ناز و کودکان را جمع می‌نمودند، سپس دعا می‌کردند». ویلیام جیمز نیز پس از آن‌ها فرمایشی در خصوص تمام‌اصاق علیه السلام را تأیید نموده و دعا را عاملی برای آرامش معرفی کرده است: «کنیزه نپایش دعا تا تیرج معرفی او امر است که در عین اینکه درونی‌ترین قسمت از خودهای اختیاری و عملی هر کس خودی از نوع اجتماعی

رضایت خدا، همان حلقه مفقوده است. در برابر این سؤال که بعد از انتخاب افسانه شخصی به عنوان راه زندگی، از کجا معلوم که تعقیب رویاها نتیجه بدهد و انسان به سعادت دست یابد؟

انسان از زیبایی معرفی می‌کند: «... و اگر به جهان اندیشه می‌تواند پیدا کند. اغلب مردم، خواه به صورت بیوسسته، خواه تصادفی، در دل خود به آن رجوع می‌کنند. خفیه‌ترین فرد در روی زمین با این توجه عالی، خود را واقعی و ارزش می‌کند».

روشن است که آنچه در احادیث شریفه و آیات قرآن درباره عوامل آرامش بخش ذکر شده همه در نتیجه تکیه به پناهگاهی است مطمئن که همانا خداوند است: «لا یبکر الله تملئمن القلوب».

**تکیه‌گاه آرامش بخش در فرق نوپدید عرفانی**

با توجه به آنچه در پاسخ به پرسش پیشین درباره آیات و روایات ذکر شد، اسرادی که بر مکتاب عرفانی و معنویت ذکر وارد شد، بیشتر پاسخ می‌شود. در حقیقت سؤالی که مؤمنان در پی پاسخ آن هستند این است که مدعیان آرامش‌بخشی با تکیه بر چه چیزی این آرامش را برای پیروان خویش به ارمغان خواهند آورد؟

در پاسخ به این سؤال هر یک از این فرق پاسخی مهم ارائه کرده‌اند: برای نمونه در مکتب اکتاز سفر روح تحت تعلیم استاد را عامل رسیدن به آرامش معرفی می‌کنند: «اوشوش تنش و جنب و پیشهاد کرده است». سنسای بابا تعلیم اسلامی و مسیحی و رادز لایه‌های کلمات خویش ذکر می‌کند و عوامل گوناگونی را در رسیدن به آرامش مؤثر می‌داند: «و گانا ناز ماندن سالی با است کرشنا مورتی را رسیدن به آرامش را در شناخت



## افسانه شخصی از واقعیت تا افسانه

احسان جندقی (اندشجوی مکتبری تصوف و عرفان اسلامی)

خوبی راحت می‌توانم بگویم آنها بیمار شده بودند چون به هیچ یک از ادیان زندگی که به پیروی خود این زندگی را می‌آموزند اعتقاد نداشتند و هیچ یک از آنها هم هیچ وقت کاملاً شفا پیدا نکردند. مگر این که به اعتقاد مذهبی بازگشتند.

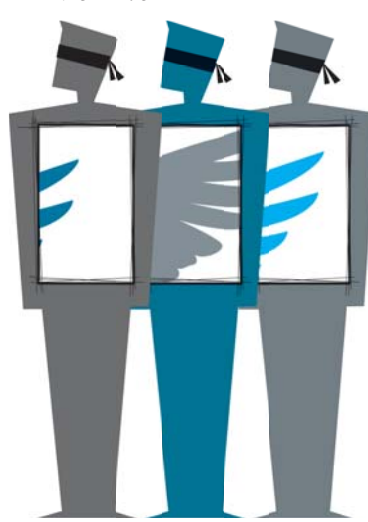
بر اساس دیدگاه‌های باتولو کونولیو یکی از رهبران جنبش‌های نوپدید معنوی جهان، رویاهای هر کس که از دوران کودکی با نوجوانی با آن زندگی می‌کند، «افسانه شخصی» آن فرد است. او در دوران آغاز زندگی رویای خود را تحقق پذیر می‌پندارد و بدون ایهام و تردید آن را می‌خواهد و معنای زندگی خویش را در آن افسانه شخصی و رویاها پیدا می‌کند. افسانه شخصی نیرویی جادویی دارد و شخص را به جهان نامرئی نزدیک می‌کند. این رویا مطابق مصادیقی است که خود کونولیو در زمان‌هایش به آن اشاره می‌کند: گنجی پنهان (کیمیا)، ثروت و زندگی مجلل (شیطان) و دوشیزه پریم (میشمری خاص). اخلاقیات یک مع و او عاشقی از دوران نوجوانی آغاز و دیدار نخستین و گرمسنت، ولی انسان در زندگی روزمره واجتماعی نرفته‌اند به دنبال این افسانه‌های شخصی یا عطسه‌ها (ناتر تمپیر کونولیو در مان پریدا) نیست، بلکه شاید در پی چیزی باشد که افسانه شخصی دیگران باشد! ادواج تحصیلات عالی، شغل، حرفه‌ای آبروشوند... در نتیجه چنین آسانس به تدریج رویایش را از دست می‌دهد و احساس بی‌معنایی و افسردگی می‌کند؛ به عبارتی دیگر استعدادهای درونی این شکوفانمی شود.

۱. کارگی، دیل، این زندگی از همه قدر قیصر گذارنای، تهران، نشر آفریقا، ص ۱۰۴.  
۲. مصباح‌مبین، معرفت‌معنویت، ترجمه امجدان، ناشر حمصی، تهران، ماه مهر، شهرداد، (۱۳۸۱)، ص ۶۱۶.  
۳. علامه مجلسی، بحواله ابوالقاسم ربیع، ترجمه امجدان، تهران، ماه مهر، (۱۳۸۱)، ص ۲۱۱.  
۴. شیخ علی‌اکبر، سینه‌تاج، ص ۱۰۳، ص ۴۴۷.  
۵. صفه‌ی، صفه‌ی، اسرادی، ترجمه امجدان، تهران، ماه مهر، (۱۳۸۲)، ص ۳۳.  
۶. ویلیام جیمز، روان‌شناسی، ترجمه امجدان، تهران، ماه مهر، (۱۳۷۳)، ص ۱۳۵.  
۷. ابراهیم، ترجمه کتاب اکتاز، تهران، ماه مهر، (۱۳۷۳)، ص ۱۳۵.  
۸. اوشوش، ترجمه تصوف و سوسور، ترجمه فرامرز جواهری‌نیا، فرافسی، (۱۳۸۰)، ص ۳۴.  
۹. نیوشا، نمونه‌نگار، به کلمات گنجی، زندگن، من پیام من است، نویگاری، قزوین، به‌منگامت، (بی‌تا).  
۱۰. مورتی، کرشنا، زندگن، پیشرو، ترجمه پیمان آذ، سعادی، ماه مهر، (۱۳۷۳)، ص ۱۱۳.

از اساسی ترین رویاها و خواسته‌های بشر رسیدن به بهشتی است که هیچ رنج، ناگمی و هراسی در آن راه ندارد. این همان زندگی پس از مرگ است که در دین اسلام و در قرآن توسط خداوند تسمیه شده است. کوتیلو در مورد این رویا که مبتنی بر فطرت انسانی است سخنی نمی گوید.

کوتیلو در نوشته‌های گوناگونش می گوید نشان دهد باز گشت به رویاها و رویاهای کودکی و تلاش برای تحقق آنها زندگی را از شور، نور، هیجان و شگوهی کوشش می کند و چنان معنای بار انگیزنده، روشن و گرمی به زندگی می دهد که انسان می تواند سخنی بزرگ را تحمل کند و رنج‌ها را به جان بخرد و در نهایت فریاد آورد که زندگی ام به میزان زام و رنج‌هایی که کشیدم نام می رازد. مهم نیست که این رویا چیست و توحید یا شرک، هر چه باشد سزاوار است که دنبال آن گردانم و برای بل جهانی نامرئی فرزند داده است و به زندگی معنایی سحرآمیزی دهد.<sup>۱</sup>

کوتیلو در کنار بحث از افسانه شخصی چندان به مرتبطی با طرح می کند. یکی از این واژه‌ها اصطلاح «سکوب» است که از واژه‌های مورد علاقه کوتیلو است. این واژه در اندیشه‌ی یک مفهوم کلیدی و محوری محسوب می شود. کوتیلو در توضیح این واژه معتقد است خلودن برای ما سر نوشتی در نظر گرفته است که از افسانه شخصی ماست. چیزی که ما را به خودبخوبی می رساند. در این صورت با وجود تعامی مشکلات زندگی ما منتهای خواهد بود. از لحظه‌ای که افسانه شخصی مان انتخاب می کنیم، باید به خاطرش جنگیم. این چیزی است که برای ما «هوشه شده» «سکوب» سر نوشت ماست. آنچه برای ما رقم خورده سر نوشت محتوم و حکمی غیر قابل تغییر و از پیش تعیین شده است.<sup>۲</sup>



در نقد این دیدگاه باید گفت «خیات خدا» همان حلقه مفقوده است. در برابر این سؤال که بعد از انتخاب افسانه شخصی به عنوان راه زندگی، از یکجا معلوم که تغییر رویاها نتیجه دهد انسان به سعادت دست یابد؟ کوتیلو مخاطبین خود را به «سر نوشت محتوم» و «حکم غیر قابل تغییر» امیدوار می سازد که بچنگند و همواره به پیش‌بینی‌نازیرو رویاهای خود را باور کنند<sup>۳</sup> کاملاً روشن است که گرایش‌های انسان متعدد است و برخی گرایش‌های انسان ممکن است متعارض و دروغین باشند. مصداقی که کوتیلو برای افسانه شخصی بیان می کند بیشتر چندیامی دارد. او برای مفهوم افسانه شخصی، معیار و ملاکی عرضه نمی کند. در حالی که در دین اسلام عدم مخالفت با راه‌آزاد خلودن که به صورت شریعت می شناسیم شرط درستی خواسته‌ها و علائق است. او می گوید در برابر همه

بایستید، جنگید و رنج کشید تا افسانه شخصی‌تان را تحقق بخشید این مطلب قابل پذیرش است که از موانع کشف استعدادهای شخصی، تسلیم شدن در برابر نظرات دیگران است. بر اساس آموزه‌های اسلام آنگاه مقابله با این مسئله اخلاص است. در شناخت درست خلودن است که انسان خود را نابوی پیرایه مشاهده می کند و برای دیگران خود، حضور، مستقل قائل نمی شود. همان گونه که فراموشی خلودن به فراموشی کردن خود می انجامد. یاد خلودن نیز انسان را از قیدهای خود ساخته یا ساخته و پراخنده جامعه را می کند. در مقابل این دیدگاه ناب‌اسلام، کوتیلو برای رسیدن به افسانه شخصی توصیه می کند که بگذارد دشما را طرد کنند، شما در ایوانه باندند اما کار خودتان را بکنید. او در آناش وضعت و خشتناک و بسیار در داری را برای کسی که در راه رویایش می رود تسمیه می کند که کاملاً انعکاس مشکلات خوادگی و روان پریشی‌های خود او است.<sup>۴</sup>

یکی دیگر از افتاداتی که می توان به مسئله افسانه شخصی کوتیلو مطرح نمود این است که از اساسی ترین رویاها و خواسته‌های بشر رسیدن به بهشت است که هیچ رنج، ناگمی و هراسی در آن راه ندارد. این همان زندگی پس از مرگ است که در دین اسلام و در قرآن توسط خداوند تسمیه شده است. کوتیلو در مورد این رویا که مبتنی بر فطرت انسانی است سخنی نمی گوید کنار گذاشتن رویای رسیدن به بهشت که انتظار آسان‌های در ستکار می کشد، تخاصر بزرگ اندیشه‌های کوتیلو است. کوتیلو می گوید دنیا را با شور انگیز تر از لحظاتی که می توانید داشته باشید بگذرانید. تجربه شخصی همه ما نشان داده است که هیچ کسی بدون رنج و هراس در این دنیا زندگی نمی کند؛ چرا کوتیلو رویای بهشت را باور نمی کند و فقط می خواهد در همین دنیا شورو نشاطا زندگی را به دست آورد. این همان انتقادی است که در تصام جنبش‌های نوپدید معنوی مطرح است که در صدد ارائه معنوی بی‌نوع خدا و باور به آموزه‌های دین‌های هستند.

می نوشت:  
۱. مغایری سیف، خیرشا؛ ندیای معنوی کوتیلو و کوتیلو؛ بررسی و نقد؛ قم؛ نشر پندگین (۱۳۸۸)؛ ص ۳۳.  
۲. کوتیلو، یانگوتک، انسانی زبور نورا؛ ترجمه شرج حجازی؛ تهران؛ کاروان (۱۳۸۸)؛ ص ۷۱.  
۳. مغایری سیف، خیرشا؛ ص ۳۷.  
۴. کوتیلو، یانگوتک، خیرشا؛ ترجمه آرش حجازی؛ تهران؛ کاروان (۱۳۸۸)؛ ص ۳۷.  
۵. WWW.DORISHTAN.IR؛ تاریخ مراجعه (۱۳۹۲/۷/۲۷).  
۶. روزنامه کیهان؛ آئین نشانه افسانه؛ ۱۳۹۲/۷/۲۷.  
۷. مغایری سیف، خیرشا؛ ص ۱۹.

## خدا را دید گاه پائولو کوتیلو

حبیب امین زین کارشناس مدیریت فرهنگی



پائولو کوتیلو به خدایی غیر عادل معتقد است؛ خدایی که همواره می سازد و ویرسان می کند؛ و افسانه‌ای را که به رویاهای خوششان اعتقاد دارند مجازات می کند.<sup>۱</sup>

در هیچ یک از ادیان آسمانی اعتقاد به رویا گناه نیست؛ بلکه آن را به نوعی شبهه و وحی قلمداد کرده‌اند؛ رویای حضرت یوسف؛ رویای عزیز مصر؛ رویای حضرت محمد ﷺ و... که از رویاهای صادقانه‌اند تعبیر و حساب خاصی دارند. کوتیلو خدا را از عدالت به دور دانسته، به همان جمله دروغین خود بسند می کند که در قاموس الهی اعتقاد به رویا مجازات دارد؛ در حالی که نظام هستی بر پایه عدل و عدالت خلودن استوار است.<sup>۲</sup> خدایی که در اندیشه او جوی دارد قادر مطلق نیست. خدای او نیازمند و شکست‌پذیر، اهل خطا و امیال است؛ اهل تمنّا و پشیمانی است که شکست‌آورد در برابر شیطان تجربه می کند.<sup>۳</sup> او با چنین نگرشی که به خدا دارد در مقدمه کتاب شیطان و دوشیزه پریریم می نویسد:

«بازدمان ز روان پس از خلق گیتی، هم آهنگی گردگشوش را در دریافت کامیو بدستار همی را احساس کرد، یک همراه که در این زیبایی او سهمی نبود. یک هزار سال برای بر آوردن پسری نیایش کرد. داستان نمی گوید که کدام‌یک از این دو کرد؛ چرا که او قادر متعال بود. پروردگار یگانه و اعلی، هر چه کرد، تا سر انجام وارد شد. اندک این روزمان به تمنای دلش دست یافت. بشیمان شد ز یاد»

خدایی که در اندیشه او جای دارد قادر مطلق نیست. خدای او نیازمند و شکست‌پذیر، اهل خطا و امیال منعی اهل تمنّا و پشیمانی است که شکست را در برابر شیطان تجربه می کند.

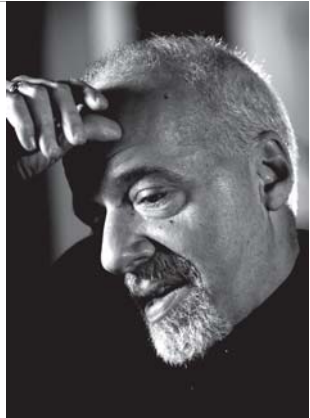
در یافت تعامل جهان بسیار ناپایدار شده است. اما دیگر بسیار دید شده بود و پسرش در راه بود. پشیمانی‌اش تنها به یک نتیجه انجامید. پسر دیگری نیز در زهدانش پدید آمد. اسطوره می گوید: از آغازین خدای زمان، نیکی (هورمز) از پدید آمدن جفت پشیمانی‌اش بدی (اهرمین) جفت و همدار هورمز شد. پدر، نگران همه چیز از چنان نظم دانا هورمز دیدش از برداش از زهدان بیرون بیاید؛ آهریمن را از شر راضی به چنان باز دارد. اما آنجا که بدی چیره دست و تواناست، آهریمن توانست به نیکی پیش از هورمز زاده شود و پیش از او ستارگان را ببندد.<sup>۴</sup>

با این توصیف کوتیلو طبیعت انسان را محکوم به بدی و شرارت معرفی کرده؛ پشیمانی‌ها می کند که نگران آشنی‌های خودتان نباشند؛ چرا که خدا هم آشنی‌ها می کند. پس چه خوب است آنها را فراموش کنید.<sup>۵</sup>

در این زمان خدای خداکار او نمود بیشتری پیدا می کند؛ چرا که یکی از کارهای آحادیه مصلح‌دهنده و سپسگوز اختراع ریز آهرش مطرح می کند که هر اثری روز مردم خود را در خانه حبس کرده و دو فهرست از گناهان خود خدا آماده می کند. سپس به بلندی کوه رفته و فهرست خطاهایشان را در جمله شایسته‌های منعی، بی عفتی‌ها و بی عدالتی‌ها و این چیزها را می خواندند و می گفتند:



شیطان را قدر است تدبیر خدا را  
آن چنان تغییر جهت دهد که  
موجب اختلال روانی پیامبرش  
شود و زندگی او با آنچه  
شریطه‌ی خدا و شیطان کرد.



پروردگار! این گناهان من است دربار تو، خیلی گناه کرده‌ام تو! امروز من را هم که این چنین از زهدات گرفته و می‌کشند! اما پروردگار! طرف آسمان گرفته و می‌کشند! اما پروردگار! این هم فهرستی از گناهان تو دربار من است و گناهان تو نسبت به من بیشمار است. تو بیش از آنکه خوب صوری بودی اینها تنها کسی که دوست داشتم موجب رنج من شدی. و بیش از حد لازم رنج ببردم!... حتی کسی گناهان خدا را گناهان روشنی می‌داند. و وقتی می‌بینی الییا با خدا را این من کن چنین می‌نویسد:

«خدایا من فهرستی از گناهان تو سوز دارم. تو مرا نادانستی. من را حد انصاف رنج ببردم زیرا عزیزترین کس من در این دنیا گرفت. تو شهریار را که مرا پذیرفت نابود کردی. اگر فهرست گناهان مرا با گناهان خود مقایسه کنی، به من مدیون خواهی بود! اما امروز روز آمرزش است؛ پس خوشتر بخند از ناراحتی من! من نیز تو را می‌بخشم، تا بتوانی بارها با هم راه برویم.»<sup>۲۰</sup>

عالم نظام الهی موجودی مستقل است که برای اثبات وجودش باید خودش را به خود ببیند، شیطان بدون هیچ مسئله‌ای راهی برای این نیست، مستحکم غایب می‌کند؛ تا جایی که ایوب به کفر گوئی می‌پردازد. شیطان قادر است تدبیر خدا را آن

چنان تغییر جهت دهد که موجب اختلال روانی پیامبرش شود و زندگی او با آنچه شرعی خدا و شیطان کرد.

**پیامبران خدای کوئیلو**

شخصیت اصلی و محوری داستان کوه پنجم یا تولو «الییا» یکی از پیامبران بنی اسرائیل است که از سوی خدا دستور دارد تا در برابر کفر و ظلم ششاه وقت باسنده‌ی متواتری می‌شود و نسبت به عدالت خداوند دچار شک می‌گردد. او با اینکه از مفهوم شهادت خبر دارد ولی تسلیم امر خدا نیست.<sup>۲۱</sup> خدای الییا در این داستان بر اساس تورات و انجیل و یافته‌های دینی نویسنده شکل گرفته است. او که پیامبری برگزیده است از یقین به شک می‌رسد و می‌گوید:

«حی شُود خدا بخواد ما بی‌جرمانه قتل عام بشویم، اگر او قادر مطلق است، چرا از رنج خوددار نشی»

نمی‌کاهد؟»<sup>۲۲</sup> کوئیلو در این کتاب خدای تحریف شده‌ی او معرفی می‌کند که پیامبر برگزیده‌اش زو، حریص به زندگی، کار، ازدواج و دارایی ترس بیوه است.<sup>۲۳</sup>

بدرترین مرحله انحراف کوئیلو در جایی است که نسل تنها پیامبر را معرض به خدا معرفی می‌کند، بلکه خدا را به بی‌عدالتی متهم کرده، از ویژگی می‌گوید: «ما همین نگاه است که در داستان کوه پنجم الییا الییا شهادت تمامش از جنگ با نگاه به آسمان به خاندان من می‌گوید»

پروردگار! این چنین خودم سوزنده نیستم و در این جنگ دریاغم من بر راه خود می‌رویم زیرا خود چنین می‌خواهم. پدرم را می‌بست سوز زمین را بر تحریر نوشتن کرده و من برای آنکه رسالت خطیری خوشتر از بر خود من نهی، باید به نیز در عیله تو ادامه دهم، تا آن زمان که تیرم کنی.»<sup>۲۴</sup>

کدام حکیم نیستد امر مسل و میرسل هر دو خطاکار و اهل کفرند.

خدای کوئیلو شریعت خاصی ندارد و به همه چیز را عینی می‌شود از زبان یک استقف می‌گوید:

«برایم هیچ انگاشگان را پذیرفت و خدای خود. ایسای بیگانه‌گان را پذیرفت و خدای خود. دادویه کرده‌های خود ایلید و خدای خود. و خدا چلو جحر آب از خدای خودم شوم داشت و بخدا از صی و بیحیای تمیید دهنده به صحرای رفت و خدای خود بود. و پولس به شهرهای بزرگ امیرنوی روم رفت و خدای خود بود؛ از کجایانم چه چیز قیامت‌مان را شسود می‌کند؟ کاری را بکنی که قلیت فرمان می‌دهد و خدای از می‌شود.»

اندیشه کوئیلو کنجایش و پذیرش خدای پاک، شکستناپذیر و توانا را ندارد؛ لذا به جای اینکه خود را به سمت خدای خوبی‌ها بالا بکشد، در عالم وهم و خیال خدا را پائین می‌آورد. نمی‌تواند خود را در حد خلیفه الهی بالا ببرد، در امتش شأن خود متصور است که او با معامله می‌کند و خدای خطاکار آن را باور دارد. در نهایت شریک کردن در خطاها و ناملاحظات و گناهان با آرامش زندگی کند؛ در صورتی که معرفت و شناخت نسبت به خدای کامل، حکیم و مهربان بسیار آرامش بخش تر و گوارتر است. در این تفکر درست‌اگر رنج و گرفتاری هم هست بیشتر نادانی و لذت است و مقنمه و پیش‌اهنگی است برای کامیابی و شادمانی.<sup>۲۵</sup> به راستی چنین خدایی آگاه و حکیم است که بشارت داده است و می‌فرماید:

«فَأَنْ مَعَ الْعَسْرِ مَسْرًا وَعَلَى الْعُسْرِ يُسْرًا؛ یعنی با سختی آسانی است، مسلماً با سختی آسان»<sup>۲۶</sup>

«وَأَلَّا تَطْغَبُوا فَبَلَاوًا وَمَا كُنْتُمْ بِتَأْمِنًا فَعَلَى الْفِتْنَةِ يَحْتَدُونَ فَبَلَاوًا؛ و کمترین سختی به آنها نخواستند.»<sup>۲۷</sup>

«وَأَلَّا تَطْغَبُوا فَبَلَاوًا؛ و کمترین سختی به شما نخواستند.»<sup>۲۸</sup>

خدایی که در آثار کوئیلو زند شده همان خدای توان و خطاکار است که در آثار نیچه مرد.

**پیوسته:**

۱- محمدرضا، فعال، افتخاوی، ص ۲۵۰  
 ۲- کوئیلو، تولو، شیطان و دوستش در روز چهار شرف جزای؛ تهران: کاروان ۱۳۸۶ (ص ۱۲۹) حمیدرضا، مغربی، سیف، خورشید، عرفان‌های، تالپور، ص ۲۲۷  
 ۳- شریفی، دوست، نقداندیشه‌های کوئیلو، ص ۵۰  
 ۴- تولو، کوئیلو، ترجمه از علی محمدی، ص ۲۰  
 ۵- (۱۳۸۶) ص ۳۹  
 ۶- عرفان‌های، تالپور، ص ۲۲۷  
 ۷- عرفان‌های، تالپور، ص ۲۲۷  
 ۸- عرفان‌های، تالپور، ص ۲۲۷  
 ۹- عرفان‌های، تالپور، ص ۲۲۷  
 ۱۰- عرفان‌های، تالپور، ص ۲۲۷  
 ۱۱- عرفان‌های، تالپور، ص ۲۲۷  
 ۱۲- عرفان‌های، تالپور، ص ۲۲۷  
 ۱۳- عرفان‌های، تالپور، ص ۲۲۷  
 ۱۴- عرفان‌های، تالپور، ص ۲۲۷  
 ۱۵- عرفان‌های، تالپور، ص ۲۲۷  
 ۱۶- عرفان‌های، تالپور، ص ۲۲۷  
 ۱۷- عرفان‌های، تالپور، ص ۲۲۷  
 ۱۸- عرفان‌های، تالپور، ص ۲۲۷  
 ۱۹- عرفان‌های، تالپور، ص ۲۲۷  
 ۲۰- عرفان‌های، تالپور، ص ۲۲۷  
 ۲۱- عرفان‌های، تالپور، ص ۲۲۷  
 ۲۲- عرفان‌های، تالپور، ص ۲۲۷  
 ۲۳- عرفان‌های، تالپور، ص ۲۲۷  
 ۲۴- عرفان‌های، تالپور، ص ۲۲۷  
 ۲۵- عرفان‌های، تالپور، ص ۲۲۷  
 ۲۶- عرفان‌های، تالپور، ص ۲۲۷  
 ۲۷- عرفان‌های، تالپور، ص ۲۲۷  
 ۲۸- عرفان‌های، تالپور، ص ۲۲۷

رواق • تحلیل و نقد

# واقعیت ادعای درمان

رابعی روح‌اللهی (کارشناس علوم حیدیتی)

تاریخ همواره این سؤال وجود دارد که آیا واقعاً می‌توان با توسل به انرژی نابینا و غیرملموس کسبی را درمان کرد؟ یا می‌توان در کمتر از پانزده دقیقه در آن استخوان شکسته یک استخوان متحرک برطرف نمود؟ چگونه ممکن است که در مدتی در حدود یک هفته توپکی استخوان را به حالت طبیعی برگرداند؟ و یا ناشستی از فیزیکی طبیعی فرد است منظور می‌باشد. به علاوه دستگاه‌های که مدعی به کار بردن انرژی درمانی هستند و توسط علم واره‌های معتبر شناخت تأیید نشده‌اند نیز در همین زمره قرار دارند.<sup>۱</sup>

در موارد نادری که ممکن است این روش‌ها نتیجه‌بخش باشند، در حقیقت آنچه موجب شفا یافتن فرد بیمار و نیازمند می‌شود نیروی تلقین است؛ نه انرژی، به این صورت که فرد نیازمند بیمار با باور به اینکه در مسیر حرکت به سمت درمانی هستند. «روش‌های فرادمانی مانند استفاده از جن، ارواح انرژی درمانی و... آن گونه که با واقعیت بیان گردانند عبارت از نوعی روش درمانی در شاخه پزشکی جایگزین است. پزشکی جایگزین در پی بررسی مداوم و شفای انسان توسط روش‌های غیر علمی است؛ از آنجمله سحر و جادوگری که گفته می‌شود انرژی درمانی منظور از انرژی درمانی

فول معنویت و عدم اعتماد به ابزار صنعتی انرژی بود که با صنعتی شدن جامع و روزمرگی زندگی دامن گیر انسان‌هایی شد که تا پیش از این تمام زندگی خویش را به دست ابزار نودانه می‌بندیدند. بنابراین اقبال و معنویت و عرفان کلان‌بند برای اشتیاق بعد روحانی و استقلال از شیادانی که مدعی فرادمانی و استفاده از روش‌های موهوم برای درمان افراد آسیب‌دیده بودند، روز به روز رواج بیشتری یافت. در این نوشته به چستی فرادمانی و چالش‌های پیش روی آن خواهیم پرداخت.

**فرادمانی**

فرادمانی بیشتر ناظر به آن دسته از درمان‌هایی است که با روشی غیر از روش وسبک معمول انجام می‌شود. فرادمانی مدعی است که انرژی‌های اثبات نشده لطیفی که ممکن است در طبیعت وجود داشته باشند بهره می‌برند. در انرژی‌ای که از رایحه خوشی کل‌گرد انسان ایجاد می‌شود یا انواع انرژی‌های غیر ملموس دیگر که ممکن است تأثیر آن‌ها باشند و همچنین علمی برای نشان وجود نداشته باشد. در طول

استفاده از روش‌های شناخته شده مانند دستگاه الکترومغناطیسی نیست؛ بلکه همان روش‌هایی که مورد تأیید علم نیست منظور است. در اینجا منظور از انرژی وجود انرژی در دست و بدن که ناشی از ملکوت و ارتباط با خدا و یا ناشی از فیزیکی طبیعی فرد است منظور می‌باشد. به علاوه دستگاه‌هایی که مدعی به کار بردن انرژی درمانی هستند و توسط علم واره‌های معتبر شناخت تأیید نشده‌اند نیز در همین زمره قرار دارند.<sup>۲</sup>

در موارد نادری که ممکن است این روش‌ها نتیجه‌بخش باشند، در حقیقت آنچه موجب شفا یافتن فرد بیمار و نیازمند می‌شود نیروی تلقین است؛ نه انرژی، به این صورت که فرد نیازمند بیمار با باور به اینکه در مسیر حرکت به سمت درمانی هستند. «روش‌های فرادمانی مانند استفاده از جن، ارواح انرژی درمانی و... آن گونه که با واقعیت بیان گردانند عبارت از نوعی روش درمانی در شاخه پزشکی جایگزین است. پزشکی جایگزین در پی بررسی مداوم و شفای انسان توسط روش‌های غیر علمی است؛ از آنجمله سحر و جادوگری که گفته می‌شود انرژی درمانی منظور از انرژی درمانی

در ایران برخی با استفاده از چنین ادعاهایی به دنبال کسب سود از مردم روزیادوار و ساده دل هستند؛ مردمی که برای تسریع در دستیابی به موفقیت‌ها در زندگی فریب این شیادان را می‌خورند.

درمان ضعف خویش می‌پردازد و در حقیقت از کسی که مدعی انرژی انرژی است کاری ساخته نیست.

✎ شرادرمانی در ایران

در ایران برخی با استفاده از چنین ادعاهایی به دنبال کسب سود از مردم روزیادوار و ساده دل هستند؛ مردمی که برای تسریع در دستیابی به موفقیت‌ها در زندگی فریب این شیادان را می‌خورند. از این دست می‌توان به عرفان حلقه «ها» و نیز شفا درمانی «ع»<sup>۱</sup> پرداخت که با وجود شکایت‌های متعدد همچنان به فعالیت‌های خود ادامه می‌دهند. با دقت در ادعاهای مهندس «ح»<sup>۲</sup> روشن می‌شود که وی عرفان کیهانی را که مدعی ترویج آن است، با درهم آمیختن عرفان هندی، چینی و تبتی تولید نموده است. استفاده از نیروهای کیهانی منحصراً به این فرقه نیست و یک بررسی تاریخی نشان می‌دهد که مهندس «ح» از غفلت برخی استفاده کرده و این عرفان را به نام خود ثبت کرده است.<sup>۳</sup> «ع» نیز پس از رسمی‌سازی چندباره در ایران از ایران گریخت و برای تداوم سودجویی به خارج

از ایران پناه برد. هر دوی این افراد پرونده‌های متعدد شکایت مالی از سوی مراجعین دارند.<sup>۴</sup> اینها تنها نمونه‌های کوچکی هستند با اندکی اغراق و تحقیر در کشورها و نواحی مختلف دنیا به راحتی می‌توان ردهای چنین افرادی که هر یک ادعای کرامت و با امری خارج‌العاده را دارد مشاهده نمود. این در حالی است که هیچ یک از این افراد دیگر سرمد قانونی ندارند و در مواردی حتی از طبقه متوسط جامعه نیز تحصیلات و معلومات پایین‌تری دارند. تمسک ایشان به موارد ماورائاتی سبب فریب خوردن انسان‌های ساده‌دل می‌شود.

یادداشت:

1. Margaret Smith, *Mystical Energy Healing*, B. Jain Publishers (1996) pp. 59-.
2. Gary E. Schwartz, *The Energy Healing Experiments: Science Reveals Our Natural Power to Heal*, Simon and Schuster, 2007, pp. 91-.
3. Virginia Nelson, *Healing Energy: The Tibetan Buddhist Qigong...*, China Books (2001), p. 4.
4. برقره‌ها از روزنامه‌های: <http://seattletimes.com/html/medicine-200001040153066.html>
5. نامی ری. دی. علی: افسانه‌ها در مورد کیهانی روزنامه جام جم (۸۸/۲/۶) (۸۸/۲/۶).
6. روزنامه تخصصی: شماره ۱۱۳۴ (۸۵/۸/۱) - ۱۵.

📌 رواق ✎ خدا و انسان در آیینۀ ادیان نقد

## نقش خدا در قانون جذب

مردم نیویارک زندگی (پژوهشگر حوزه‌ی)

به طور خلاصه قانون جذب بیان می‌کند که هر آنچه در ذهن انسان تصور شود اعم از خوب یا بد زشت یا زیبا در دنیای واقعی نمود خواهد یافت. قانون جذب می‌گوید هر چه فکر کنی همان خودت است. علت نامگذاری این ایده به نام «جذب» این است که معنقذ بزرگ‌ترین دکل مخابراتی روی زمین ذهن انسان است که قادر است همه رویدادهای رخخواه را به سمت فرد جذب کند. ذهن انسان، قدرتی بی‌نظیر دارد که اگر به امری احساس مثبت دهد و با آن مانوس باشد آن را در عالم خارج تبدیل به یک رویداد خارجی و جذب زندگی انسان می‌کند. در قانون جذب ادعا می‌شود اگر انسان به خواسته خود احساس مثبت دهد و آن را تجسم کند، کائنات همان خواسته را برایش ایجاد می‌کند. از این رو عقیده در ناگه فرد به امور دلخواه به صورت مداوم بیندیشد به آن می‌رسد و این قانون خلقت است که افکار به اجسام

که در غرب شهرت یافته است. بسیاری از کدکسی‌ها می‌نویسند، می‌شوند! ایشان حتی ادعا می‌کنند که دعا در اسلام معنایش همان قانون جذب است؛ چرا که اسلام هم می‌خواهد شما به خواسته خود بیشتر فکر کنید و به صورت مکرر آن را بر زبان جاری کنید تا در عالم خارج محقق شود. قانون جذبی که نظریه‌پردازان آن بیان می‌کنند دچار اشکالاتی بنیادی است که به یکی از آنها که نادیده انگاشتن جایگاه خدا در عالم و انبازاری بودن خداست، اشاره خواهیم کرد. در قرآن جذب نیز مانند بسیاری از جریانات جدید معنوی، نام‌خدا می‌ماند. این دیدار این گرایش‌ها وجود خاص مفروض دانسته شده است؛ اما مسئله میزان مداخله خدا در امور انسان است. خدای این قانون و این گونه عرفان‌ها حقیقتی است بی‌اختیار، بی‌اراده و بدون قدرت تشرفی و مناخله در امور جهان؛ زیرا اختیار، اراده و قدرت مطلق از آن انسان است.<sup>۱</sup> این همان مفهوم فلسفی اوتوماسم است

که در غرب شهرت یافته است. بسیاری از کدکسی‌ها می‌نویسند، می‌شوند! ایشان حتی ادعا می‌کنند که دعا در اسلام معنایش همان قانون جذب است؛ چرا که اسلام هم می‌خواهد شما به خواسته خود بیشتر فکر کنید و به صورت مکرر آن را بر زبان جاری کنید تا در عالم خارج محقق شود. قانون جذبی که نظریه‌پردازان آن بیان می‌کنند دچار اشکالاتی بنیادی است که به یکی از آنها که نادیده انگاشتن جایگاه خدا در عالم و انبازاری بودن خداست، اشاره خواهیم کرد. در قرآن جذب نیز مانند بسیاری از جریانات جدید معنوی، نام‌خدا می‌ماند. این دیدار این گرایش‌ها وجود خاص مفروض دانسته شده است؛ اما مسئله میزان مداخله خدا در امور انسان است. خدای این قانون و این گونه عرفان‌ها حقیقتی است بی‌اختیار، بی‌اراده و بدون قدرت تشرفی و مناخله در امور جهان؛ زیرا اختیار، اراده و قدرت مطلق از آن انسان است.<sup>۱</sup> این همان مفهوم فلسفی اوتوماسم است

تقی معیارهای بیرونی و تکیه بر احساسات و تجربه شخصی از امر معنوی، به تنها علوم دینی و عالمان دینی را حذف می‌کند؛ بلکه از پیامبران و متون مقدس هم عبور کرده اراده خوانند را به رسمیت نمی‌شناسد. در این باره می‌گوید: «این حق شماست که از آژانه به گمراهی بروید؛ این یحیی‌سی از کرامت شماست، حتی در مقابل خواننده باستید... درستی و نادرستی امور را به کنار بگذارید». قانون جذب انسان را امشا قدرت دستیابی به خواسته‌ها و آرزوهایش می‌داند و منبع آن را درونی تصور می‌کند؛ در حالی که این نیرو نزد آفریدگار جهان و بیرون وجود انسان است. البته هر کسسی از طریق پیوند معنوی با خداوند و با گشودن راهی از درون خویش به سوی او، این قدرت و آگاهی از درون خود شکوفا کرده، جریان می‌دهد.

**بی‌نوشت:**

۱. یون رابنا، کتاب از ص ۲۳.
۲. شرف لوله، همس، عرفان دینی، معنویت‌گرایی نوین؛ دفتر نشر رهبری، تهران، ۱۳۸۶.
۳. بوجان، پای قدرتی خود، ترجمه هوشنگ امیرجو، نشر گستر کتاب، ۱۳۸۰.
۴. نبیل، سال اسپریت‌های دور، ترجمه هوشنگ امیرجو، نشر گستر کتاب، ۱۳۷۳.
5. Encyclopedia of New Religions, Movements, 5, P57.
6. الهودیهات، ترجمه حاجی تقی‌پور، نشر فراسی، ص ۲۷.



## بشارت به یک شهر و نده هزاره سوم

محمد ادهمی دغدغان (کارشناس ارشد ادیان ابراهیمی)

شیطان گرای و یا شیطان پرستان می‌قولند جدیدی در تاریخ بشر نیست و برخی مطالعات تاریخی و حتی باستان شناسی از قدمت این مسئله حاکی است؛ ولی ترویج این جریان آن هم به شکلی کاملاً مدرن یکی از معضلات بشر امروزی است. پیوند بین شیطان پرستی مدرن و سینما بسیار گسترده است. این فرقه‌های نوپدید از سینما در جهت ترویج تفکرات انحرافی خویش استفاده فراوانی می‌کنند. می‌توان از سینما به عنوان یک ابزار موثر در جهت مقابله و باز تقای سطح آگاهی جامعه در برابر این فرقه‌های انحرافی استفاده نمود.

فیلم سینمایی ایرانی «بشارت به یک شهر و نده هزاره سوم» ساخته محمد مهدی کریمی، گویا نخستین فیلم ایرانی است که به مقوله شیطان پرستی پرداخته است. موضوعی که شاید پرداختن به آن به دلیل وجود مقولات سیاه و مفسده‌انگیز جاسرات بالایی نخواهد فیلم بشارت به یک شهر و نده هزاره سوم در عرصه نقد یا واکنش‌های مختلفی از جانب اهالی سینما مواجه شده است. ضمن توجه به مباحث قابل تقدیر این فیلم، انتقادات قابل طرح نسبتاً زیادی را می‌توان در ساختار و محتوای ساخته محمد مهدی کریمی برشود.

داستان فیلم این چنین است که مینو با بازی هنگامه قاضیانی در آستانه مادر شدن است. وی به عنوان مشاور تربیتی به یک دبیرستان دخترانه دعوت می‌شود که به دلیل خودکشی سه دانش آموز دچار بحران است. این دختران ظاهر آیه دلیل عضویت در نوعی جریان انحرافی شیطان پرستی تصمیم به خودکشی گرفته‌اند. مآستانه‌ای این خودکشی‌ها آن‌ها مادر و خودکشی‌دهنده دار و دیشه‌های این جریان رسیده است.

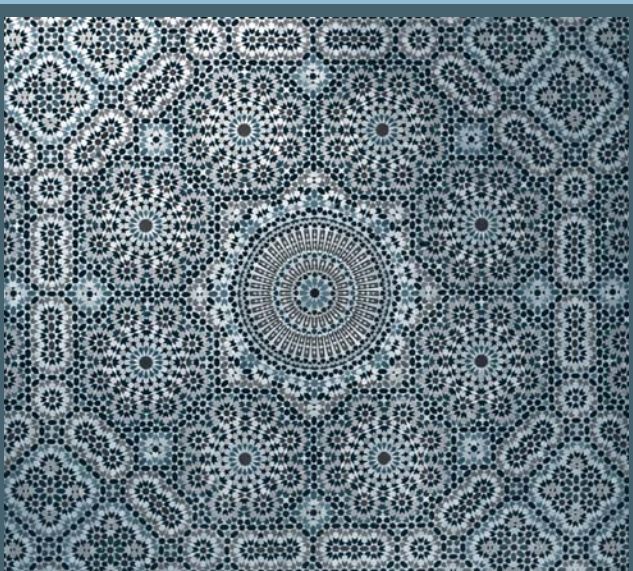
جاسرات و تخریخ خواهی کارگردان به وضوح در تمام فیلم دیده می‌شود. اما متأسفانه این به‌تنهایی کافی نیست. فیلمنامه‌ای که کریمی با کمک

همکارانش در کارگاه نویسندگان زنان اهل قلم و بر اساس فیلمنامه «پارک» راه مزرعه» از خانم الهه احمدی، نوشته است. مشکلات ساختاری و منطقی فراوانی دارد که طرح و نقد آن مجال دیگری می‌طلبد. به لحاظ محتوا تاکید فیلمساز بر این مسئله که هر نوع ناامیدی از اल्प و حضور خاوند در زندگی بشر خود انحرافی بزرگ است و باید با ترویج درست معنویت و توکل و رضا نسبت به خاوند - همان طور که در فیلم نیز مورد اشاره قرار می‌گیرد - به مقابله با شیطان پرستی رفت. کارگردان به این نکته توجه ندارد که واقعیت حاضر در دنیای امروز این است که شیطان گرای‌ای که در جامعه اسلامی تفکرات سلطه طلبانه و منمنتم طلبانه عوامل فاسد و حتی بیگانه نیز هست؛ عواملی که توجه کننده ضرورت حضور نیروهای امنیتی کشور در جریان مقابله با جنبش‌های انحرافی است. همچنین گسترش و تبلیغ نابخشودنی شیطان پرستی شاید خود به‌تنهایی تمام مشکل و مضل جامعه در برابر این جریان انحرافی نباشد؛ ولی به همان نسبت که گسترش و تاکید بر نمازها از شی و خدایپرستانانه در فرهنگ جامعه اسلامی ایران در ارتقای سطح فرهنگ و معنویت در جامعه موثر است، گسترش نمادهای هنجار شکنانه و ضد اخلاقی شیطان پرستی نیز در انحراف فرهنگ و معنویت جامعه موثر است.

نقد فیلمساز بر نظام آموزش و پرورش ظاهراً تا حدودی درست است. خانم صفایی (یکی از کریمی)، مدیر این مدرسه، صرفاً به دنبال حفظ اسروی خود و مدرسه‌اش است. مسئولیت‌های خود را چهارمساز نیستند و تقدیرنامه‌هایی که گرفته‌اند در این وضعیت به کار نمی‌آیند. معلم درس تعلیمات دینی با همان دین و زندگی (شهرزاد کمال‌زاده) که فقط در یک

سکاس معرفی می‌شود، بیشتر شیوه‌های نمره گرفتن و عبور از سد کنکور را به‌چهار می‌آموزد و نه راه و چاه زندگی را. فیلمساز همچنین نقد مشابهی را به دستگاه‌های امنیتی وارد می‌کند. شاید برخی انتقادات وارد شده درست باشد ولی همان گونه که اشاره شد به دلیل ویژگی‌های جریان شیطان پرستی، حذف برخورد‌های فیزیکی که ماساکنه در این فیلم مورد تاکید است به‌نظر کار عاقلانه‌ای نیست و باید گفت در کنار توجه به شیوه‌های مفالیه نرم و فرتاری، برخورد‌های فیزیکی و سخت نیز ضروری است. منو نمی‌تواند مانع از خودکشی سه نفر دیگر شود و برنامه آن فرقه برای خودکشی شش نفر دانش آموزان تا انتها اجرا می‌شود. آیا این روند و اتفاق برخلاف پیام اصلی فیلم نیست؟ مینو چندین بار در طول فیلم از ضعیف بودن شیطان سخن می‌گوید ولی گویا قدرت کشور در جریان مقابله با جنبش‌های انحرافی است. حتی کار به‌جایی می‌رسد که آن‌ها به جان مینو و جنین او نیز قطع می‌کنند.

نکته بعدی که باید به آن اشاره شده عنوان این فیلم است. عنوان فیلم برای یک فیلم به این لحاظ انتخاب می‌گردد که جذاب باشد و بیننده را برای دیدن فیلم ترغیب نماید؛ ولی اولاً اصلاً هزاره سوم شاید حاکی از نوعی غرب‌گرایی باشد و با توجه به مخاطب ایرانی فیلم این اصطلاح چندان مناسب به نظر نمی‌رسد. ثانیاً کلمه بشارت نیز اصطلاحی است که در عالم مسیحیت به جریان حضور یافتن جبرئیل در نزد حضرت مریم  $\text{علیها السلام}$ ، مبرین این مدرسه، صرفاً به دنبال آن است که با توجه به داستان فیلم بشارت به یک شهر و نده هزاره سوم و پارادزی مینو می‌تواند ارتباط آن با داستان باشد. در این صورت ارتباط آن با اصل ماجرای شیطان پرستی چندان واضح نیست.



### شبهای آفتابی

بزرگاری مراسم اعتکاف در کنار تمام ویژگی‌ها و امتیازات خاصی که دارد صورت مدیریت نشدن می‌تواند آسیب‌هایی به همراه داشته باشد. از نحوه برگزاری مراسم گرفته تا اجرای برنامه‌ها و وداع با اعتکاف.

فضای اعتکاف باید آرام، ساکت، معنوی و آرامش‌بخش باشد. برنامه‌های که برای متکفین در نظر گرفته می‌شود نباید طولانی و پیرس و صدآباد باشد. اصل در اعتکاف این است که خلوت معنوی متکفین حفظ شود و امکانات لازم جهت استفاده از این مراسم برای آنها فراهم باشد.

حضور در جمع متکفین و هم کلام شدن با آنها و در عین حال انجام اعمال مخصوص ایام اعتکاف توسط روحانی و مبلغ دینی، هم زمینه‌ای برای ایجاد ارتباط با جوانان و دیگر متکفین آرزو می‌کند و آنها را نسبت به انجام اعمال و توجه به مسائل معنوی ترغیب خواهد کرد.

مسجدعبده نامی از جامعه اسلامی علاوه بر برنامه‌هایی که برای حاضرین و متکفین در نظر می‌گیرد باید نسبت به همسایگان مسجد و کسانی که در اوقات نماز و دعا در مراسم حاضر می‌شوند برنامه داشته باشد و موجب مزاحمت و ناراحتی دیگران نباشد.





## مسجد احرار

گزارش از فعالیت‌های مسجد احرار در مصاحبه با اجتهاد اسلامی هادی توکلی  
به کوشش: علی اصغر غلامی

### ✦ چرا این همه تقدیر؟

کار و فال اول، به اتمام می‌رسد. به لطف خداوند و همت برادران بسیج کارها تا به حال خوب انجام شده‌اند.

نمازهای صبح، ظهر و عصر و مغرب و عشاء برگزار می‌شود چون فضای مناسبی داریم. نمازگزاران کمتر شده‌اند اما مغرب و عشاء استقبال خوبی داریم.

بسیج مسجد است. بسیج ما از بسیج‌های فعال نمونه در منطقه است. به جای اینکه انرژی ما صرف اختلاف با بسیج شود، صرف هماهنگی و همکاری با بسیج می‌شود.

### ✦ تبدیل سوله به مسجد

مسجد احرار، تا همین سه سال پیش به صورت کارگاه کوچک و مختصر بود و به سال پیش به همت باقر آقا توکلی و بچه‌های بسیج تخریب شد و در حال بازسازی است. هم اکنون فریضه نماز جماعت در زیر زمین مسجد برگزار می‌شود. حاج آقا توکلی توضیح دادند: «مسجد احرار اولین پیروزی انقلاب، بین ماری بود و بچه‌های بسیج در آن اتاق سوله‌مانندی درست کردند و در آن فعالیت‌های خوب انجام دادند. از این مسجد مادر کمک‌های نقدی و فرهنگی به جبهه‌ها فرستاده می‌شد و دو زده شهید تقدیم اسلام و انقلاب کمک‌های مردمی حساب کرد. بر این اساس قضایای در مبالغ پایین چاپ کردیم که مردم احساس مشارکت داشته‌اند.»

### ✦ کمی از فعالیت‌های احرار

می‌پرسیم حاج آقا با توجه به این که امسال تعطیلات عید با ايام فاطمیه همزمان شده است، در این ایام چه برنامه‌هایی دارید؟ هر روز اول عید صاف با شنب جمعه بود. در پارک بزرگ برنامه‌ای برای شهیدی گمنام برگزار می‌شد. بعد از نماز اعلام شد که این برنامه توسط و کسانی که حاضر هستند همراه هم به محل مراسم برگزار می‌شود.

فضای عید و جمعیت کم اجازه برنامه خاصی را به ما نماند، اما برای فاطمیه دوم برنامه داریم چون آخر تعطیلات عید است.

فلاجا بود محدودیت به دلیل ساخت و ساز، بعد از نماز یک صفحه تلاوت قرآن داریم و تفسیر مختصری از آن یک صفحه گفته می‌شود تا به حال دو بار قرآن تفسیر شده است. حدود شش ماه است که بعد از تلاوت و ترجمه به صورت نرم افزاری، هر شب یک روایت از خصال شیخ صادق بیاق می‌شود و اول رساله عملیه شروع کردیم و هر روز مسائل شرعی بیان می‌شود. شب‌های چهارشنبه و شب‌های جمعه به جای حدیث و احکام دعای توسل و دعای کمیل خوانده می‌شود.

چند سده چهار ماه است که بچه‌های مسجد دارقرآن تشکیل داده اند که سه هفته و خوانی، رخوانی، تجوید و قرآن برای خانم‌ها و آقایان را در در برگزاری این کلاس‌ها از استادی که در مسافت‌ها دارای رتبه هستند استفاده می‌شود. هر هفته جلسات خاصی با بسیج مسجد داریم.

بسیج هم جلسات فرهنگی با جوانان و جوانان اعضای اتحادیه کردها به تازگی هیئت الهادی را راهماری کرده‌اند که علاوه بر مناسب‌های مذهبی فتهما یک شب جلسه دارد.

در جلسات تبیین سید خبثت‌خیزان‌های حضرت زاده‌ای شده است. نظرات است که نمازگزاران زیادی داشته باشد. در مناسب‌های مذهبی مثل صحبت‌های قدر و محرم جمعیت زیادی به مسجد می‌آیند و در نماز عید فطر خیابان مسجد از این جمعیت می‌شود. اما در روزهای عادی این طور نیست. ما تذکر می‌دهیم به مردم که هر چه روزهای سال ارتباطات را با مسجد حفظ کنید؛

اسم این تیزر به برنامه‌های بی‌بندت دارد. به تبع آن مشکلات فرهنگی در خانه‌ها مودلس داریم. به عنوان مثال جوانان مذهبی با ماواره‌ای که در خانه‌ها شکایت می‌کنند. به مجموعه‌های فرهنگی بزرگ مثل صدا و سیما، اُرشاد و... برنامه‌های کلان فرهنگی داشته‌اند و ما جزئی از آن برنامه‌ها هستیم. ما سوایما مثل رقیبما رفقما می‌کنند و با امکانات کمی که دارند نمی‌توانند با آنها رقابت کنند.

در مسجد مشکل خاصی نیست. ما بوجه برای ساخت و ساز است. چون کم‌مؤثری برای ساخت مسجد جای نمی‌شود.

توصیه به امامان جماعات  
«هر جا یک امام جماعت با مساجد و ایقنا باشد، فعالیت‌هایمان کم رنگ شده‌است.»

### ✦ مشکل مسجد احرار

حاج آقا مشکلات را در دو بخش می‌دانند: یک بخش در خارج از مسجد و یک بخش در داخل مسجد «مشکل استقبال کم از مسجد است. مسجد سوله‌ای که محل که چند سده نماز جمعیت دارد، واقع شده است. نظرات است که نمازگزاران زیادی داشته باشد. در مناسب‌های مذهبی مثل صحبت‌های قدر و محرم جمعیت زیادی به مسجد می‌آیند و در نماز عید فطر خیابان مسجد از این جمعیت می‌شود. اما در روزهای عادی این طور نیست. ما تذکر می‌دهیم به مردم که هر چه روزهای سال ارتباطات را با مسجد حفظ کنید؛

اسم این تیزر به برنامه‌های بی‌بندت دارد. به تبع آن مشکلات فرهنگی در خانه‌ها مودلس داریم. به عنوان مثال جوانان مذهبی با ماواره‌ای که در خانه‌ها شکایت می‌کنند. به مجموعه‌های فرهنگی بزرگ مثل صدا و سیما، اُرشاد و... برنامه‌های کلان فرهنگی داشته‌اند و ما جزئی از آن برنامه‌ها هستیم. ما سوایما مثل رقیبما رفقما می‌کنند و با امکانات کمی که دارند نمی‌توانند با آنها رقابت کنند.

در مسجد مشکل خاصی نیست. ما بوجه برای ساخت و ساز است. چون کم‌مؤثری برای ساخت مسجد جای نمی‌شود.

توصیه به امامان جماعات  
«هر جا یک امام جماعت با مساجد و ایقنا باشد، فعالیت‌هایمان کم رنگ شده‌است.»

مسائل مالی تکند ما در مسجد احرار مسئول امور مالی داریم. همه کارها را انجام می‌دهد و بودجه‌ای دست نمی‌رسد و شش‌هفته‌ای متوجه نمی‌شود. سعی کند در آمدهای مسجد استفاده نکند. امام جماعت می‌تواند کار دیگری داشته باشد تا حقوقی از مسجد دریافت نکند. لهما که محل درآمد دیگری دارند و منجورند از مسجد امر می‌شود. اما در روزهای عادی این طور نیست. ما تذکر می‌دهیم به مردم که هر چه روزهای سال ارتباطات را با مسجد حفظ کنید؛

اسم این تیزر به برنامه‌های بی‌بندت دارد. به تبع آن مشکلات فرهنگی در خانه‌ها مودلس داریم. به عنوان مثال جوانان مذهبی با ماواره‌ای که در خانه‌ها شکایت می‌کنند. به مجموعه‌های فرهنگی بزرگ مثل صدا و سیما، اُرشاد و... برنامه‌های کلان فرهنگی داشته‌اند و ما جزئی از آن برنامه‌ها هستیم. ما سوایما مثل رقیبما رفقما می‌کنند و با امکانات کمی که دارند نمی‌توانند با آنها رقابت کنند.

در مسجد مشکل خاصی نیست. ما بوجه برای ساخت و ساز است. چون کم‌مؤثری برای ساخت مسجد جای نمی‌شود.

توصیه به امامان جماعات  
«هر جا یک امام جماعت با مساجد و ایقنا باشد، فعالیت‌هایمان کم رنگ شده‌است.»

فضای مسجد خودشان را راجع می‌کنند.





نگارنده: سیدمحمدعلی زاری

## بهانه حضور

اعتکاف موفق و راهکارهای آن (با نظر آقای و فرزند هشتی)

گردآوری: سیدمحمدعلی زاری

تاریخ: ۱۳۹۳

اعتکاف موفق به معنای آنست که اعتکافی گفته می‌شود که علاوه بر اهداف عمومی پیش‌بینی کلیه نیازها و مسائل مقدماتی و جانبی آن به طور دقیق در نظر گرفته شده باشد و معتکفان با ضابطه‌مندی کامل اعتکاف را ترک نمایند.

### ۱- راهکارهای اعتکاف موفق

۱- تشکیل هیئت ائمه‌ای با کمیتی از یک روحانی خوش قام و مؤثر و افرادی مدیر و مؤثر برای امور فرهنگی، اجرایی، تدارکاتی و مدیریتی.  
۲- تشکیل جلسات هیئت ائمه‌ای و انتخاب مدیر اجرایی برای برنامه‌ریزی امور اجرایی اعتکاف.  
۳- برنامه‌ریزی دقیق در امور فرهنگی آموزش و تدارکاتی اعتکاف.

۴- طراحی یک ساختار تشکیلاتی برای تقسیم منطقی وظایف بین افراد.  
۵- انتخاب برپوها و معاونت‌ها و توجیه آنان بر اساس شرح وظایف.

۶- عطف‌بند برنامه‌ها و اجرای هر برنامه با توجه به نظر هیئت ائمه‌ای در صورتی که اجرائی اعتکاف.  
۷- داشتن کادر اجرایی فعال و مستحکم باید برای داشتن یک مراسم پرشور و با کیفیت نیاز به یک کادر اجرایی بسیار فعال و مستحکم باشد. برنامه‌ریزی باید بر مبنای نظم‌پذیری و خوش سابقه است که از مدتی قبل تا چند روز بعد از مراسم اعتکاف فعالیت وسیع و بدون وقفه داشته باشند.

۸- مکان مناسبه مکان یک مراسم اعتکاف باید دست کم شامل چند شاخصه ذیل باشد:  
الف) فضای مناسب برای معتکف شدن خواهران

۲. فراهم کردن سرویس‌های بهداشتی مناسب و مسیر رفت و آمد خواهران.
۳. دسترسی آسان به احکام ویژه بانوان با دعوت از خواهران میبله و روحانیون مسلط بر احکام بانوان، احکام ویژه خواهران برای آنان.
۴. استقرار پزشک مخصوص بانوان در قسمت خواهران.
۵. دعوت از مشاوران ویژه خواهران جهت همکاری.
۶. واحد انتظامات با برنامه‌ریزی قلی و با شروع مراسم اعتکاف، مراجعه معتکفات برای استقرار در محل اعتکاف، فعالیت خود را آغاز کند.
۷. وظایف این واحد عبارتست از:  
الف) کنترل درهای ورودی و خروجی مسجد و جلوگیری از ورود افراد غیر معتکف به مسجد.  
ب) نظمی‌بخشی و نظارت بر مکان اعتکاف و جلوگیری از اشغال فضای بیش از نیاز یک نفر توسط معتکفان به منظور جلوگیری از کمبود برای معتکفاتی که مراجعه خواهند کرد.  
ج) دقت در تردد افراد غیر معتکف در حین مراسم و بررسی سینه‌ها و کیف‌های مشکوک به منتظر امنیت بیشتر جلسه.  
د) کمک به افراد مسالوره معتکف حاضر در جلسه.  
ه) راهنمایی و پاسخ به سوالات اجرایی و عدای معتکفان.  
و) اراقبت از وسایل نظمی‌معتکفان.  
ز) کمک در بیاباراش معتکفان، نظمی‌بخشی اعتکاف و جلوگیری از بی‌نظمی.  
ح) دقت نظارت بر سرواژه‌ها و حفاظتی مکان اعتکاف و معتکفان.  
۸- واحد تغذیه و تسکات یکس از مهم‌ترین واحدها عملی کننده در مراسم اعتکاف واحد تغذیه و تدارکات است که وظیفه اصلی آن رعایت و کنترل کامل بهداشت و نظافت در کلیه فضاهای مورد نیاز معتکفان است.

۳. دارای سابقه اعتکاف؛
  ۴. آشنایه امور اداری و متعمد؛
  ۵. نظم‌پذیر و هماهنگ با مسئولان و سایر اعضا.
۱. بر پایه‌های دقیق و تشریح و تبیین وظایف هر معاونت و بخش؛
  ۲. نظارت بر حسن اجرای امور و در صورت نیاز دخالت در جهت انجام برنامه‌ها؛
  ۳. ایجاد هماهنگی و هدملی بین همه بخش‌ها و معاونت‌ها؛
  ۴. ارائه گزارش به مدیریت اعتکاف و هماهنگی کامل با مدیریت در جهت اجرای برنامه؛
  ۵. تشکیل شعوری معاونین قبل، حین و بعد از اعتکاف جهت اخذ نظرات و اعلام برنامه‌ها؛
  ۶. انتخاب معاونین با هماهنگی مدیریت اعتکاف؛
  ۷. مقابله و ارائه راه‌حل در جهت رفع مشکلات و بحران‌های احتمالی؛
  ۸. پیش‌بینی همه‌تیاژها و برنامه‌ریزی کلی و جزئی برای اجرای بهتر اعتکاف؛
  ۹. در مراسم‌های بزرگ مناسب است چندین بازوی قوی برای مدیریت داخلی و خود داشته باشد تا از نزدیک امور را کنترل داشته باشند.

این معاونت شامل زیر مجموعه‌های ذیل است:

۱. **واحد عمومی:** این واحد از قبل از شروع مراسم اعتکاف وظایف عمومی عبارت است از:  
۱- پاسخ‌گویی به سوالات گوناگون مراجعین و معتکفان.  
۲- تهیه پذیرافات و پیشنهادهای و توزیع آن.  
۳. اطلاع‌رسانی مراسم و شرایط اعتکاف به ادرات، صدا و سیما، روزنامه‌های محلی.  
۴. تنظیم برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی با معتکفان و مسئولان اعتکاف و انعکاس خبری آن.
۵. ضبط برنامه‌های اعتکاف و انعکاس آن به صدا و سیما و در اختیار دادن معتکفان.  
۶. راهنمایی کلیه خبرنگاران و رسانه‌ها و اداره آن.  
۷. تهیه مقرن و متقاضج مورد نیاز معتکفان.  
۸. **اداره فرهنگی و تبلیغاتی:** مسئول اجرای برنامه‌های فرهنگی باید از قبل از شروع مراسم اعتکاف فعالیت و رایزنی‌های خود را برای برنامه‌ریزی دقیق جهت مراسم اعتکاف آغاز نماید.
۹. شرح وظایف:  
۱. دعوت از سخنرانان موفق و مناسب با مراسم اعتکاف.  
۲. تشکیل مراسم ادعیه، مجالس و تدارکاتی.  
۳. آماده نمودن افکار و افکار معتکفان نسبت به

اخلاقی و حضور کادر کسری در بین معتکفان جهت شنیدن پیشنهادهای و ایجاد و ارتباط با آنان، پاسخگویی مسائل شرعی معتکفان در حین مراسم باشد.

### به مدیر داخلی و وظایف آن

یکی از مهم‌ترین ارکان مدیریت اعتکاف مدیریت داخلی فعال و پویا است. این مدیریت با حداقل یک ماه قبل از شروع مراسم عمومی اعتکاف فعالیت خود را آغاز کند و ضمن برنامه‌ریزی و تعیین و تنظیم امور اجرایی، تشکیل جلسه با هیئت ائمه‌ای کادر اجرایی امور اداری اجرایی را مشخص و از آنجمله آن مطمئن پیدا نماید. در این جلسات با تقسیم کار و پیگیری منظم، مقدمات برگزاری این جلسه عمومی فراهم نماید.

مدیر داخلی علاوه بر پیگیری برنامه‌های مقدماتی در حین اعتکاف نیز یکی از فعال‌ترین افراد گروه باشد. از کارهایی که باید به‌طور مداوم در حین مراسم اعتکاف اعم از فرهنگی، تبلیغاتی، تدارکات، پذیرایی و... باید با هماهنگی و تحت نظر ایشان انجام پذیرد.

پیشنهادهای می‌شود با توجه به مستحکم بودن مسئولیت مدیر داخلی این مدیریت به صورت تیمی و با برنامه‌ریزی بی‌نواسه‌نفر تقسیم شود و هر دوازده ساعت یکی از افراد این مسئولیت را در سر حرم تشکیلاتی آن مراسم است؛ چاره که عهده‌دار شود تا کیفیت جلسه نیز دستخوش تغییر و ضعف نگردد.

مشخصات مدیریت داخلی:

۱. فعال، مستحکم و با تجربه و دارای اصوله؛
۲. برنامه‌ریز و مدیر؛

### شرح وظایف افراد طبق نمودار تشکیلاتی

#### الف. مسئول (روحانی)

از عوامل مهم در موفقیت و پیشرفت مراسم اعتکاف حضور یک روحانی خوش فکر و متفکر در سر حرم تشکیلاتی آن مراسم است؛ چاره که اعتکاف یک مراسم عبادی و شرعی است و به حضور یک روحانی آگاه به مسائل شرعی و احکام اعتکاف نیاز دارد تا علاوه بر بیان احکام و تذکرات



## بانوان و مسجد

فقها در باب احکام می فرمایند اگر در کلام معصومان علیهم السلام درباره وجوب یا جواز کاری صحبت نشده باشد فقط در وجوب یا جواز برگ این خواهد بود که آن کار جایز است و این جواز آن قدر آشکار بوده که در مورد اصل آن اصلاً سؤال نشده است. مسئله حضور زنان در مسجد زن همین گونه است.

در برخی کتابهای تفسیری به این نکته اشاره شده است که «ایه مبارک که می فرمَد عَلِمْنَا پیامبر خدا صلی الله علیه و آله این صورت گرفت: «ان النبی صلی الله علیه و آله و آله و سلم علی الحد الناس علی الصف الاول فی الصلاة فقط قال حضور فی الرجال اولها و برها و هارخوها فی صفوف النساء»<sup>۱</sup> او برها و برها و هارخوها در صف اول زنان است و برها و اولها در صفوف نماز است.

پیوسته درباره حضور زنان در صفوف برخی صفوف بر برخی دیگر صحبت شده است، بلکه رجحان دارد در قرآن کریم نیز درباره حضور زنان در نماز شاعت صحبت شده است، آنچه که می فرماید: «ان مرأتهم یفتنن لربکم و انفسکم»<sup>۲</sup> و برخی از آیه های قرآنی دیگر در این مسئله، حادثه تاریخی حضور حضرت زهرا علیها السلام در مسجد و احتجاج ایشان بر حقانیت خلافت امیرالمؤمنین علی علیه السلام که در میان جمع زنان حاضر در مسجد بود.<sup>۳</sup>

درباره اوله و رجحان این حضور، در شماره های بعد سخن خواهیم گفت.

**یوتی‌نوشت:**  
۱. احقر ۲۲، ص ۳۰۳  
۲. خلاصه منتهی المصابیح، ج ۶، ص ۲۵۲  
۳. اقبال، ص ۲۳

### معراب پرورنده مسجد

## گوهر اعتکاف

نقش مسئولان در برگزاری بهتر اعتکاف عیدالله اسلامی

اعتکاف از جمله سنت‌ها و اعمال عبادی است که مدت زمان آن اندک است و به صورت گروهی صورت می‌پذیرد. افراد متکلف در عین جدا بودن از جامعه، در حضور جوار و در حقیقت برای ساختن جامعه وارد اجتماع می‌شوند که اساس آن برای ساختن جامعه است. متکلف به خودسازاری روی می‌آورد و یک زندگی دینی موزمانه به وضعی ظهور نشانند. آنچه در این بین اهمیت دارد در صورتی از هر خودخواهی است. متولیان اعتکاف چه کسانی هستند و احیای این امر بر عهده کس است؟ دولت مردم؟ هر کار فرهنگی و دینی برای آنکه در مسیر و تقوی خود قرار بگیرد و از انحرافات کمتر لطمه بخورد باید توسط احاد مردم آغاز، اجرا و پیام باشد. حمایت همه‌جانبه دستگاه‌های مرتبط توسط به این امر محور است. اهمیت است اما اگر خوردن این گونه فعالیت‌ها با شرایط سیاسی، روحی و ملاقات مدیران بدون انحاط شرایط اصلی و اثرگذار مناسبت‌های دینی اعتبار خود را می‌تواند از دست بدهد. هر هاله داشته باشد. همچنین اگر با پشتیبانی دولت کاری را آغاز شود در صورت قطع شدن حمایت‌ها لطمه جدی بر برنامه‌ها می‌خورد و گاه به تعطیلی برنامه‌ها می‌انجامد. نمونه آن در سال‌های اخیر اتفاق افتاد که به یکباره خوددهی فرهنگی کم بود و بی‌ضابطه بود و واقع خطوط اصلی و مبنای فعالیت‌ها بر پایه‌های کلامی در اختیار تغییر است. سیر شده و جایی که نتوانست خوشبختی کسرتی را برآید ستون و محور باشد که در این صورت شریب ماندگاری و تدوام مشارکت‌های خوددهی مردمی بیشتر می‌شود.

همه ما به خصوص و اولاد خوددهی در معرض سایش و خستگی هستیم و به مراقبت و تقویت ریشه‌های اعتقادی نیازمندیم. ما با انقطاع از شرایط روز بروز متکلف شدن یا محو خودخواهی، نظاهر، زیاری، خودموسس شدن، مزدگاری کنترل خودبرگشتن و غروربودن از تکلیف‌انگاری کنترل‌ناپذیرمانند دنیاگران، خودسازاری، محاسبه نفسی، توبه و نیایش خود را

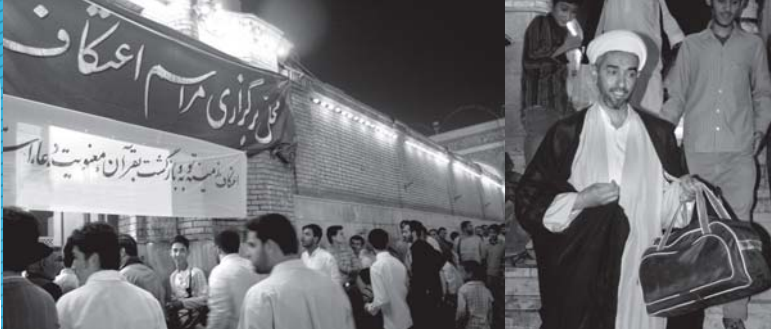
میهای یک زندگی بهتر و آماده خدمت به امت اسلامی می‌کنیم. اعتکاف فرضی نیست اما مال مردم و مسئولان با توجه به اوقات و آمیدی بیشتر به زندگی خود ادامه داده و خود را برای صحنه‌های خطر و جهاد در راه خدا آماده برآورده و همیشه باید یاد خود را در محضر پروردگار دیده، به‌سوی سعادت دنیا و آخرت پیش رویم، و ایان نیز نیاید خود را از خطرات تیزباری پیش و احساس اینکه چون مدیران حکومت اسلامی و مشغول خدمت‌رسانی هستند دیگر هیچ‌همای شیطانی کار ساز نخواهد بود، دست برداند؛ بلکه خطر افرادی که قدرت و شوایه در صورت نه‌ان است را بیشتر تهدید می‌کند.

مسئولیت اصلی برگزاری اعتکاف با مردم دیندار و مستعدی است. به‌خصوص با محوریت محترم جامعه، امور محترم جماعت مساجد جامع و بعضاً در شهرهای با شرایط گاه‌جماعات مساجد اصلی محللات خواهد بود. حمایت و پشتیبانی دستگاه‌های مرتبط در احیای این سنت حسنه بسیار مهم است که با سابقه نخواهد شد. در این مجال به نقش و ظرفیت‌های گسترده اعتکاف در خصوص نهادهای مرتبط با سنت حسنه اعتکاف خواهیم پرداخت.

ایستاد باید بنامیم که در برگزاری یک اعتکاف خوب چه احتیاجاتی داریم که لازم به مشارکت و حمایت مسئولان است. مکان مناسب، بهداشت و سلامت متکفان، تبلیغات و پیشش و پیمان‌ها، حضور و نقش مبلغ دینی، محصولات فرهنگی، ایساب و نه‌آب و پارکینگ، امنیت و ... از جمله این موارد است.

نهادهای دولتی و عمومی در مرتبه که در این سنت شرایط اعتکاف را همپا نمود می‌توانند نقش بسیار مهمی در برگزاری آن سقیم‌باشند عیار دارند:

اداره اوقاف و امور خیریه، اداره تبلیغات اسلامی، معاونت فرهنگی شهرداری‌ها و سازمان‌های فرهنگی، هنری و فرهنگی، ادارات حضور و اعتکاف، صدا و سیما، آموزش و پرورش، تشکل‌های دانش‌آموزی، معاونت فرهنگی اداره اوقاف اسلامی، دانشگاه‌ها، عیون تبلیغ خوددهی



علمیه، نهادهای نظامی و انتظامی، دانشگاه‌های علوم پزشکی و اورژانس‌ها، کانون‌های فرهنگی هنری مساجد، بسیج مستضعفین و ...

**مکان اعتکاف**  
بهر این است که از مساجد جامع و مساجد فعال و محوری محللات که امکانات و شرایط مناسب‌تری برای پشتیبانی حضور متکفان دارد استفاده شود. سرسوس بهداشتی مناسب، حمام یا اجیاد حمام موقت، سیستم سرمایشی و گرمایشی مناسب و شرایط مکانی مناسب برای پارک و وسایل نقلیه متکفان از جمله شرایط یک مسجد خوب است.

اداره اوقاف و امور خیریه می‌تواند با همکاری و پشتیبانی از مساجد جامع و مساجد محوری که در کتاب‌های ما برای شرایط فوق در نظر نگرفت، اولاد تجهیز مساجد اصلی و فعال کمک کند. ثانیاً شرایط امکان اعتکاف هر ساله در این مساجد را محاسبه کند.

اگر امکان شرایط استحمام سخت و هزینه‌بر است با رزنی و هماهنگی می‌توان حمام‌های صحرایی و پیش‌ساخته در این نهادهای نظامی و انتظامی درخواست نمود.

اعتکاف قابل توجه این است که در صورت برگزاری آنکه برای مخاطبین خاص (اعتکاف دانش‌آموزی، اعتکاف دانشجویی و ...)

برگزاری آن باید مکان را متناسب با مخاطبین خود در نظر بگیرند.

**میلقات و مشاوران دینی**  
با توجه به اینکه مخاطب اصلی اعتکاف جوانان و نوجوان هستند، علاوه بر حضور یک سخنران که حداقل خودداری با موضوع مناسب و مشخص در روز داشته باشد، به‌آزای بر بندها نفر متکف یک مبلغ خوب برای تشکیل قله‌های معرفی و پاسخ به سوالات حضور داشته باشد. اگر این مطالب بتوانند خود متکف شوند مؤثرتر خواهد بود.

در این موضوع چند نهاد می‌توانند کمک کار و

بشپنیا باشند: حوزه‌های علمیه، سازمان اوقاف و امور خیریه، سازمان تبلیغات و مراکز مشاوره دینی.

**محصولات فرهنگی**  
ازانه محصولات فرهنگی می‌تواند دیگر خدمت ارائه شده توسط ستاد اعتکاف یا برگزارکنندگان باشد.

اداره اوقاف و فرهنگ اسلامی، سازمان اوقاف و امور خیریه، سازمان تبلیغات و نهاد کتابخانه‌های عمومی از جمله ادارات مرتبط با این حوزه هستند.

**سلامت جسمی**  
بهداشت و سلامت جسمی متکفان امری ضروری و مهم است. اعمال اعتکاف نیازمند سلامت جسمی و پیشگیری درمیان بیماری‌های احتمالی است. آزمایش‌های شهودا خودداری از یک پزشک عمومی در اعتکاف استفاده شود. از یک پزشک طب سنتی یا پزشک تغذیه برای تغذیه سالم و استفاده از مواد بهداشتی. دانشگاه علوم پزشکی، ادارات بهداشت و اورژانس می‌توانند متولیان در این عرصه‌ها باشند.

**کمپانجی یا برخی ادارات**  
هماهنگی و اطلاع‌رسانی به برخی از ادارات که خدمات شهری ارائه می‌نمایند می‌تواند از بروز مشکلات احتمالی جلوگیری کند. نیروی نظامی و بسیج می‌توانند حفاظت از وسایل نقلیه و امنیت را به ارمغان بیاورند. هماهنگی با اداره برق آب و گاز جهت به تعویق انداختن تعمیرات اضطراری که در محل اعتکاف و اطلاع‌رسانی به شهرداری می‌تواند جهت نظافت و حمل و نقل سریع و به‌موقع بارهای محل اعتکاف را بر عهده بگیرند.

مداره صنعت و معدن و تجارت برای دریافت گزارشات و بازبینی موضوع می‌تواند کمک کند. ان شا‌الله سلامت مردم عزیز و حمایت و پشتیبانی مسئولان را شاهد رونق و شکوفایی روزافزون این سنت حسنه بنامیم.

## مسجد بچه‌ها

سید مرتضی موسوی  
در شماره قبل گفتیم اگر حضور کودکان در مسجد منافاتی با عبادت نداشته باشد، کار اهتتی برای حضور آنان نیز وجود نخواهد داشت. همچنین روایاتی که در باب معنی بیان شده بود، محل بر جای کریدم که حضور کودکان منافاتی با حال عبادت و نمازگزاران نداشته باشد و اینکه اگر چه در روایت «جنینا مساجدکم صیباکم و مجانبینکم» از حضور کودکان در مسجد نهی شده، به دلیل حال این‌ها نیست در کنار کارهای قریه که به حال عبادت منافات دارد، پس جواز دیگری از حضور اطفال (تحتیب اطفال) نیز بر حالت تنافی با عبادت حمل می‌شود.

علاوه بر اینکه می‌توان این روایت را از نظر دلالت نیز اگر چه مستند نیز قابل خدشه است. محضوتی دانست؛ چرا که اولین معنایی که در کتاب‌های ما پیدا کردیم «تحتیب» ذکر کرده است. «و جلیب است در شان العرب الحد» است؛ «الاقرب بالصاحب بالجنب» از یک قرب متبک است؛ «یا توجه به این نکته، روایت جنینوا مساجدکم صیباکم» با معنای این است که در مساجد، بچه‌ها را کنار خود نشاندید و مانع به هم زدن نظم مسجد توسط آنان شوید.

این مطلب با روایات دیگری که درباره وجود جماعت سخن گفته، قابل تامل است؛ روایاتی که در او برآید، بچه‌ها در محلهای جمع مساجد کنار کباب‌کنی می‌نشینند اما صاحب قرآنی سوال می‌کند: «و اما نه تنها نمی‌کنند، بلکه فقط مادر مردن تقریباً بر آنان می‌نویسد: «انسانه عن الصبیان ان تصادوا فی الغناه»<sup>۱</sup> و آنرا خودروه‌هم عن الصباغ المکتوبه و فرقاً قرآنی <sup>۲</sup>

علاوه بر اینکه «جنینوا» حتی اگر به معنای بارداشتن است و معنی آن حضور هم باشد، به معنای «خروج» نیست کسی حق ندارد بچه‌ها را از مسجد بیرون کند.

**یوتی‌نوشت:**  
۱. شیخ طوسی، التهذیب، ج ۲، ص ۱۹۹  
۲. شیخ فیلی، الکافی، ج ۲، ص ۲۰۹

ماه رجب است، ماه عبادت است، ماه توسل به پروردگار است، ماه تضرع است؛ و در این راه، ماهه تشبیه به امیرالمؤمنین است. با خدا ارتباطمان را قوی کنیم تا در میدانهای زندگی بتوانیم با اراده‌ی محکم، با قدم استوار و با ذهن روشن، وارد هر میدانی بشویم. دیدار باطلاب و مردم قم به مناسبت ۱۹ دی ماه ۱۳۷۵/۱۰/۱۹



#### یک توصیه و یک...

توصیه‌ی من این است که در این سه روزی که شما در مسجد هستید، تمرین مراقبت از خود بکنید. حرف که می‌زنید، غذا که می‌خورید، معاشرت که می‌کنید، کتاب که می‌خوانید، فکر که می‌کنید، نقشه که برای آینده می‌کشید، در همه‌ی این چیزها مراقب باشید رضای الهی و خواست الهی را بر هوای نفسان مقدم بدارید؛ تسلیم هوای نفس نشوید. تمرین این چیزها در این سه روز می‌تواند درسی باشد برای خود آن عزیزان و برای ماها که این‌جا نشستیم و با غبطه نگاه می‌کنیم به حال جوانان عزیزمان که در حال اعتکاف هستند. با عمل خودتان به ما هم یاد بدهید.  
نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۸۴/۵/۲۸



#### حرکت و جهت‌گیری صحیح

در ایام اعتکاف درماه مبارک رجب، در بسیاری از مساجد سراسر کشور، جوانان ما، زنان و مردان از قشرها و سنین مختلف، رفتند و در مسجد ماندند؛ سه روز روزه گرفتند و با خدا مانوس شدند. بعد از آن هم با گریه و اشک و آه، مسجد را وداع گفتند و بیرون آمدند. تا برای سال آینده آماده شوند. عزیزان من! این برای یک جامعه، علامت خوبی است. «الَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا سُوءًا فَذُكِّرُوا لَا يَذْكُرُوا لِذُنُوبِهِمْ يَلْعَنُوا» علامت یک حکومت الهی، علامت یک حرکت صحیح و دارای جهت‌گیری صحیح است. این را جذی بگیرید و تقویت کنید

دیدار باطلاب و مردم قم به مناسبت ۱۹ دی ماه ۱۳۷۵/۱۰/۱۹



#### برنامه‌های جنبی مراکز اعتکاف

من همین‌جا به مسئولین مربوط - در این امور اعتکافها - یک سفارشی بکنم: اگر چه که اجتماع هزاران نفر در جاهای مختلف یک فرصت خوبی است و شنیدیم بعضی از مسئولین مساجد، در این فرصتها برنامه‌های جمعی‌ای می‌گذارند که مثلا افراد، بیشتر استفاده بکنند؛ لکن من می‌خواهم عرض بکنم این برنامه‌های جنبی مراکز اعتکاف، جوری نباشد که با خلوت هر کدام از معتکفین منافات پیدا کند  
دیدار ایشار مختلف مردم به مناسبت میلاد حضرت علی (علیه‌السلام) ۱۳۸۴/۴/۲۶



#### تظاهرات عبادت

این تظاهرات عظیمی که به‌عنوان مسائل مذهبی انجام می‌گیرد، این مجالس عظیم مذهبی، این دعاها، همه شانه‌ی دین‌داری جوانان است. در این چند سال اخیر، در شهرهای مختلف، ده‌ها هزار جمعیت که اغلب آن‌ها جوانند دعای امام حسین در روز عرفه را خواندند و زارزار اشک ریختند. دل‌های این جوانان دختر و پسر پاک و روشن است؛ زود و راحت با خدا ارتباط پیدا می‌کنند؛ آیا این‌ها بی‌دیندنا سنت اعتکاف در میان مردم ما نبود؛ اما چند سال است که در ایام اعتکاف، در خیلی از شهرها مساجد عمده پُر از معتکفانی می‌شود که اغلب جوانند. خبری؛ جوانان ما اغلب متدینند و احاد ملت به دین و ارزش‌های دینی پایبندند. بیانات سال ۱۳۷۸



#### معتکف صاحب فکر و اندیشه

همین دانشگاه تهران ما، همین مسجد دانشگاه، شاهد عبادت و راز و نیاز و نماز جماعت و اعتکاف و روزه‌داری برجسته‌ترین جوانان این مملکت است. بهترین جوانان هر کشور، جوانانی هستند که صاحب فکر و اندیشه باشند. قاعدتا در غالباً در میان دانشجویان، این‌طور کسانی به صورت وافر پیدا می‌شوند؛ البته در بین غیر دانشجویان همین‌طور جوانان خوب هستند، ولی در زمان قدیم - زمان ما که جوان بودیم - در میان دانشجویان، در دانشگاه تهران و بعضی دانشگاه‌های دیگر و در همه‌ی ایران، شاید هزار نفر اعتکاف نمی‌کردند....  
خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۷۶/۱۰/۱۲



#### قرآن، نهج‌البلاغه و صحیفه‌ی سجادیه

این اعتکافی که جوانها انجام می‌دهند، در واقع دارند با خدا خلوت می‌کنند. اعتکاف بیشتر یک کار فردی است؛ ایجاد یک ارتباط باخداست. جوری نشود که برنامه‌های جمعی این مراکز اعتکاف، حال خلوت و حال ارتباط فردی و قلبی با خدا را در افراد ضعیف بکند یا بگیرد. مجال بدهند؛ وقت بگذارند؛ بگذارند این جوانها قرآن بخوانند، نهج‌البلاغه بخوانند، صحیفه‌ی سجادیه بخوانند.  
دیدار باطلاب و مردم قم به مناسبت ۱۹ دی ماه ۱۳۷۵/۱۰/۱۹



## حرمت همسایه

سید مرتضی موسوی

همیشه درباره حق مسجد بر همسایه مسجد صحبت می‌کنیم؛ اما در باره اینکه همسایه مسجد چه حتی بر مسجد و مسجدیان دارد، کمتر سخن می‌گوئیم. بر برخی از روزهای سال مانند ماه مبارک رمضان یا ایام اعتکاف که در پیش است، رفت و آمد به مسجد زیادتر می‌شود و تردید همسایگان مسجد محذوثر می‌شوند؛ اما اگر به آنچه اسلام سفارش کرده، عمل کنیم، مشکلات قابل حل خواهند بود. اولاً خداوند آن قدر در مورد همسایه به پیامبر مکرم اسلام سفارش کرده که ایشان گمان نکرند همسایگان از هم‌آرتر می‌برند و تأثیر در زمان پیامبر ﷺ تنها صیالی که از مسجد بلند می‌شد و به گوش همه می‌رسید، صدای اذان بود.

باید به مسئولان اعتکاف و خادمان معتکفان و مهمانان عزیز خدان را یادآوری کنیم که اعتکاف، به تنهایی یک عبادت است و در صنف اعتکاف، همین مقدار که در مسجد باشیم، کافی است. قهقاری بزرگ روز نیز به این مطلب اشاره کرده‌اند: «لا اعتکاف هو التیلب فی المسجد بقصد العبادت بل لا یفکد بکذا فی قصد التجدد بنفس البیت وان لم یضم الیه قصد عبادة اخرى خارجة عنه».

پس اینکه داعی به باره صورت دسته جمعی و با صدای بلند در مسجد بخوانیم، ممکن است مشکلاتی بیافریند. آن گاه تنها توبایی نخواهد داشت بلکه برخی مواردی که در حق مؤمنان و مردم است، حتی می‌توان گفت بلندخواندن اصعال او دادود و روضه ها و ذکر و مصیبت به صورت طردا لسی، مزاح عبادت افرادی افراد حاضر در اعتکاف است و در مسجدی که همه سهیم اند، نباید آن گونه باشد.

علاوه بر اینکه موجب آزار همسایگان می‌شود، آثار این به مسجد بدین می‌کند که پادمان باشند این حق همسایگی دوسویه است و هر طرف باید یک طرف مقابل را محترم شمارد.

**پی‌نوشت:**  
۱. فقار، ص ۴۰.  
۲. فتاوی کفای، ج ۲، ص ۲۰۷.  
۳. خوئی، سیاه قاسم، موسوعه الامام العنسی، ج ۱۳، ص ۱۳۵.



محراب پرورده مسجد

## پله پله تا خدا

اعتکاف و مسجدنشانی

نویسنده: جمعی می‌بینی

اعتکاف جلیلی از زندگی دنیا و کناره گیری از مشغولت‌های زندگی روزمره برای بازگشت به خویشتن است. چند صیالی با سبوع خود خلوت نمودن و نوعی باسخوگی به نای فطری ایمی است.

چنین لذت مناجات با خدای مهربان زیباترین حسنی است که انسان در روی این کره خاکی می‌تواند تجربه کند که معتکف این راه اولتک راه شبه طلی می‌کند.

آززش اعتکاف به سبب حضور در خانه معبود، نوربیت این عبادت اوو چندان می‌کند. رکن اصلی عبادت اعتکاف و قوف در مسجد است و روز و نسیب تا بتوان آن را در مکان‌های مختلف بجا آورد از فضیلت‌های دیگر اعتکاف است. اعتکاف باید در مسجد و خانه خدا باشد. آن هم نه در به مسجدی بلکه «مسجد جامع» است. این از روی مسجد بودن ذکر امتیاز است و جامع بودن امتیاز دیگر، رفت و آمد بالای نماز گزاران شایعه در جامع بودن مسجد است.

عبادت‌ها گاهی به صورت «ذکر» تحقق می‌یابد

و گاهی به صورت «حرکت» و زمانی به صورت «سکون». حرکت مانند طواف و توقف ماندن در عرفات و شعره و ما ماندن در مسجد همره با تعظیم و بزرگداشت خانه خدا.

وجه تمایز اعتکاف با عبادت‌های دیگر قوف در خانه خداست که کمتر مدت و قوف را گرفته است. از دستاوردهای مهمی که معتکف بعد از این ایام به دست می‌آورد نسیب مسجد به طور جامع، با کار کردهای اعتکاف است. معتکف می‌فهمد که مسجد فقط برای اقامه نماز نیست؛ بلکه مسجد مکان زیارت و دیدار خداست؛ «طوبی لمن توفأ فی بیته تم زارنی فی بیتی»؛ خوشبایه حال آنکه در خانه‌های و صوگیر که سپس مراد خانه‌ها زیارت کند».

مسجد مکانی است برای آشنایی با تمام دین (احکام، اخلاق، عقاید) و از لحاظ اجتماعی مکانی برای انتخاب بهترین دوستان؛ چون در مسجد محور دوستی‌ها خداست، دوستی‌ها مقدس و پایدار می‌مانند. مسجد مرکز تجمع مؤمنان و بهترین مکان برای سازمان‌های دینی

است. مسجد سالم‌ترین مکان عمومی است که آثاری شده است. در روزهای شنبه و پنجشنبه و جمعه و روزهای تعطیل و مناسبت‌های دیگر، مسجد را از آن دور نمایند. مسجد را از آن دور نمایند. مسجد را از آن دور نمایند. مسجد را از آن دور نمایند.

کسانی که مسجد را با یک نگاه می‌بازند، تواب به روی همگان باز است و مکان جلوه کردن ستسوی بی‌آسناهاست؛ چرا که فقیر و غنی و کوچک و بزرگ با یک چشم دیده می‌شوند ملاک برتری انسان هاتقوست.

مسجد حکم دیندار و معاشرت با مردم و مرکز برای حل مشکلات فردی و اجتماعی مردم است. شناخت مسجد با کار کردهای مختلف آن کزن ترین دستاورد اعتکاف است که باعث انس معتکف با مسجد می‌شود؛ چون لذت حضور در مسجد و وسایل مربوط به آن و همچنین حرمت بیرون بردن وسایل آن است.

باید گفت: مسجد را به ترتیب اهمیت عبادت می‌شود: ۱. استقبال از تقدس مسجد و تعمرین حضور در مسجد. ۲. در میان به مسجد هاسی که معتکف هنگام اعتکاف در مسجد می‌توانند انجام دهند اشاره می‌کنند: ۳. استفاده از تقدس مسجد و تعمرین حضور در مسجد. ۴. نظافت مسجد معتکفان در تمیزی و پاکیزگی مسجد مواظبت داشته باشند. در روایات برای

سید مرتضی موسوی

## طبقاتی بودن مسجد

سید مرتضی موسوی

بحث طبقاتی بودن مسجد را می‌توان در دو بحث مطرح کرد. یکی این است که آیا مسجد می‌تواند در دو چند طبقه باشد؛ بحثی که بیشتر در باب نماز جماعت مطرح می‌شود و در مورد این بحث می‌شود که آیا اتصال صفوف در دو طبقه مجزا جایز است یا نه.

در توضیح المسائل مراجع آمده است: اگر جای مأموم بلندتر از جای امام باشد، در صورتی که بلندی به مقدار متعارف زمان قدیم باشد، مثل آنکه امام در صحن مسجد و مأموم در پشت‌نم باشد، اشکال ندارد؛ ولی اگر مثل ساختمان‌های چند طبقه این زمان باشد، جماعت اشکال‌ناهی اما سا در اینجا نمی‌خواهیم در این باره سخن بگوییم، بلکه بحث درباره این است که آیا جایز است یکی از طبقه‌های ساختمانی چند طبقه، مسجد باشد یا نه؟

عبارت فقها در این باره جواز است و آن را بر حسب وقف می‌دانند. مدارک العروة الاقول را نقل کرده فرموده است: مقتضای قول معصوم که فرموده «الوقف علی حسب ما وقفها علیها»، جایز بودن تفکیک در خصوصیات وقف است همان طوری که در اصل وقف جایز است پس می‌توان مکانی را برای مسجد وقف کرد و مسجدی را برای غیر مسجد و شیهای آن در میان بگنجد. برخی فقهای نیز در فرمایشی می‌توان به دلیل اینکه چنین وقفی در زمان رسول خدا نبوده آن را مانوع دانست؛ چرا که سیره مسلمانان در همه زمان‌های این بود که مسجدی از بنای مسجدی یا صحن یا دستسویی و در خارج از حلقه وقف مسجد قرار می‌دادند و فرقی بین این دو راه‌ها نبود که ما قنیتیم علاوه بر آنکه فقها بالا با عدم مهوریت در زمان رسول خدا تصور نمی‌شود. در این مسئله در استفتائاتی که از دفتر مراجع عظام تقلید انجام دادیم، همین پاسخ آمده است: «سوال: آیا می‌توان یکی از طبقات یک ساختمان چند طبقه را به عنوان مسجد وقف کرد؟ جواب: مانعی ندارد و تنها تقسیم و تقسده بر مراتب کلیه شرایط وقف حکم مسجد دارد».

**پی‌نوشت:**  
۱. فقه‌ها، ص ۴۰.  
۲. فتاوی کفای، ج ۲، ص ۲۰۷.  
۳. خوئی، سیاه قاسم، موسوعه الامام العنسی، ج ۱۳، ص ۱۳۵.



استاد شهید مرتضی مطهری را باید از معدود علمای دانست که با وجود پروردگاری از سواقی گوناگون تحصیل و تدریس، از جمله شاکردی آسایدی چون امام خمینی (ره) و علامه طباطبایی (ره) و تدریس در دانشگاه تهران نسبت به حضور مداوم در سنگرمسجد استفاده از رسانه منبر توجه و نسبت به روشنگری آذهان توده مردم از طریق این جایگاه دیرینه اهتمام ویژه داشت.

معراب ▶ پرونده مسجده



# قلب انقلاب

به مناسبت شهادت آیت‌الله مطهری حسین فروغی

تقریباً هجده روزهای دهه پنجاهم شمس‌اهر چند ورق خواهند زد؛ اما محال است که از یاد ببرند. جوهر و فلجان طاقت به لوح خودش سپید، زندان‌های مخوف و سیاه ساواک هر روز تعداد بی‌شمار را در خود جای می‌دهد. خون ملت از ظلم بی‌ایمان رژیم به جوش آمده؛ آرام آرام زخم‌های بیچاره از زخم‌ها با سیسم جوش ازادی به گوش مظلومان این کشور با مسجده به عنوان قلب پرتنه انقلاب شورو شور و انومان برای عقل‌ها و قلب‌ها به راه‌مغان می‌آورد. «سنگرمسجد ارحالی نگارید» این دستنویس امام است و همین کافی است تا مرد و روحیان بداندند مبارزه، مبارزه بر سر آب و غذای نیست. وقتی مسجد سنگر است، یعنی مبارزه بر سر آره‌ان و هدفی بالاتر خواهد بود. اما این میان همسر یک نفر در رسلان پیام اسلام و امام که همه بیشتر است، مردی که شاکرد حوزو و امام است و معلم دانشگاه، مردی که نگاه بی‌نیازگذاختن انقلاب کتایش بی استثناء مفید و می‌انگیزد است؛ شهید مرتضی مطهری.

آموزش‌های اهل بیت (علیهم السلام) مسجد را عامل رشد یک سزمین و محلی برای احیاء سزمین‌های دیگر می‌دانستند و همچنین در سخنرانی‌های گوناگونی بر حفظ حرمت مسجد به عنوان یکی از شمنان اسلامی تأکید داشتند. از همین رو نیمه اول دهه پنجاه و با جدی‌تر شدن زرمه‌های انقلاب، تعداد سخنرانی‌های شهید مطهری در مساجد مختلف و به قوفونی گذاشت تا جایی که ساواک پس از احضار او در تاریخ ۱۳۷۱/۱۴/۱۴ ایشان را به برخورد شدید تهدید کرد. پس از آن با بلایع گزارش‌های نصیری رئیس وقت ساواک و شرح فعالیت‌های ایشان در ضمن پیشنهاداتی جلوگیری از فعالیت‌های تبلیغی این شهید نیز گزارش را خواص‌تر شد. در این گزارش آمده است: «با عرض مراسبت بالا و اینکه اولاً دستگیری روحانی‌ها باید شده موجب بزرگ شدن وی و بسالاقتن و چچه او در بین عناصر متعصب مذهبی و دانش‌جویان افراطی خواهد شد؛ ثانیاً قرار گرفتن این شخص در راس گروه فلسفه دانشکده الهیات، اصولاً وجودی و در دانشگاه، با توجه به مقاصد سوء این شخص و به هیچ وجه به مصلحت نمی‌باشد؛ ثالثاً امامه سخنرانی‌های مشارالیه در محافل مذهبی محتج نیست؛ و در علم‌ها مستعد است در صورت تصویب اولاً؛ به اداره کل چهارم اعلام شود که ادامه خدمت نامبر دهر در دانشگاه تهران به مصلحت نیست؛ ثانیاً؛ با همکاری شهربانی کشور از امامه سخنرانی‌های وی مخالفت به عمل آید و مراقبت او کاملاً کان ادامه یابد. موکول به رأی عالی است.» این چند

برگ گزارش بهانه مذاکره حضوری نصیری و ثابتی درباره فعالیت‌های شهید مطهری است که در تاریخ ۱۳۷۱/۱۲/۲۲ دستور ممنوع المنبر شدن ایشان صادر می‌شود؛ دستوری که در هر روز توم تیر تقویم شهید مطهری این گونه منعکس شده است: «در این روز، جلسه مسجده که دو شب باقی مانده بود، ممنوع شد.»

مساجدی که شهید مطهری در آنها به فعالیت مشغول بود عبارت است از:

**۱. مسجد هدایت:** مسجد هدایت به عنوان محل برگزاری جلسه تفسیر آیت‌الله طالقانی و محل سخنرانی افرادی چون شهید باهنر، آیت‌الله امامی کاشانی و آیت‌الله هاشمی رفسنجانی را باید یکی از مهم‌ترین مکان‌های انتخاب شده برای این گزارش سخنرانی شهید مطهری دانست. این موضوعات مختلفی چون بحث‌های معادشناسی و سوادزادان این مسجد مطرح کرده است؛ سلسله سخنرانی‌های که سوز ساواک دنبال و محتوای آن توسط افراد حاضر در جلسات گزارش می‌شد. در یکی از گزارش‌های ساواک این چنین آمده است: «صامت سیزده روز ۱۳۸۹/۱۱/۱۱ مسجد هدایت واقع در لاله‌زار، مطهری، و اعظ‌ش از آن‌ها نماز ظهر روز مزبور، مشغول و مسافرا گردید و نماز گفتن یک مسئله فلسفی را یکی از مستمعین سؤال اظهار داشت فتوای حضرت آیت‌الله خمینی است که تا چنان حضار با جمادی بلند سه مرتبه صلوات فرستادند.»



در پایان این گزارش ضمن اینکه استاد مطهری یک وعظ افراطی خوانده شده، آمده است: «به نظر می‌رسد مطهری با استانی قبلی باالرسول کلمه عمدا مبارزت به گفتن کلمه خمینی با نهانیت احترام و اتمام نموده است.» یکی از برنامه‌های اجرا شده سوز هیئت امنای مسجد هدایت که مورد تأیید شهید مطهری بوده و امروز نیز ضرورت اجرای آن در مساجد احساس می‌شود، کمک‌های غیر مستقیم به افراد فقیر و نیازمندان است؛ استاد شهید این برنامه را ضمن بیان آموزه‌هایی از اسلام این شرح می‌دهد: «در مورد مسائل‌ها و نیز محروم‌ها باید تحقیق کرد تا محروم‌ها محروم‌تر نشوند. نباید یک کسی گناهی‌ها را برودنی‌اش باشد و آن دیگری به سرمایش بروی‌اش باشد. باید تحقیق کرد که چه باید به دست آورد، دست‌ساز را هم باید به دست آورد که با این سائل، کلاس حرفه‌ای است؛ یا چنین نیست، چند سال پیش که من در مسجد هدایت بودم این کار را می‌کردند. هر کسی که آمد می‌گفت: فقیرم، غریبم، اهمل فاقان که همه هستم، می‌خواهم به آنجا بروم گریه فاقان، گریه‌های فقیرم و پنج‌تخم من می‌شود، یک‌بانی پنداشتی که من می‌خواهم بی‌سوادم بی‌سوادم، جاسیلر جروب، ما فلان کار را می‌گویم، بی‌لیم تو یادماند ما اولی حساب می‌کنیم.»

**۲. مسجد الجواد:** استاد مطهری پس از کناره‌گیری از حنبینی‌ها در سال ۱۳۶۹ مسجد الجواد را بجاگاه فعالیت‌های خود قرار دادند. استاد در این مسجد هم سخنرانی می‌کرد و هم کلاس‌های درس تفسیر اسلامی و بحث‌های جهاد در اسلام، رشد اسلامی و سیره تبلیغاتی پیامبر برپا بود. به این دوران است. ایشان خود علت انتخاب این مسجد را چنین ذکر کرده است: «هرای اینکه مسجد الجواد که در کتابخانه مهمم و مسجد و تالار تبلیغ شاکوه است، به دست تامل بنفند و دستگاه دست روی آن نگذار، اینجا امامه، از سال ۱۳۶۹ تا ۵۱ تمام برنامه‌های تبلیغی مسجد الجواد تحت نظارت شهید مطهری اجرا شد و سخنران اصلی خود ایشان بود.

استاد مطهری در مسجد الجواد نیز در ضمن مباحث و سخنرانی‌های دینی خود، مباحث سیاسی، نیز مطرح می‌کرد و مطالب تحریک‌آمیز و انتقادی خود، از علیه رژیم بیان می‌نمود. ایشان در یکی از سخنرانی‌های خود در مسجد الجواد می‌گوید: «ملکیتی با کفر می‌تواند ادامه پیدا کند؛ ولی با ظلم از بین می‌رود. عدالت یعنی همسنگی اجتماعی و ظلم یعنی کسب‌کنگی این اگر کشور دارای نظام صحیح باشد، ولی ایمان نداشته باشد و ماتریالیستی باشد، ممکن است کفری کند، ولی اگر ایمان بوده و عدالت نداشته، از بین خواهد رفت.»

**۳. سایر مساجد:** با بسته شدن مسجد الجواد شهید مطهری در مساجد دیگری فعالیت‌های انقلابی خود را ادامه داد؛ مساجدی چون گراواید مسجد جواد که محل استقرار شهید مفتوح بود یکی از محفل‌های مذهبی مطرح برای انقلابیون بود. کتاب «انسان

کامل» که بعد از شهادت استاد مطهری و منتشر شد، محصول سخنرانی‌های ایشان در مسجد جواد تهران است.

از استاد مطهری برای سخنرانی در مساجد شهرستان‌ها نیز دعوت می‌شد. این امر ساواک را نسبت به سفرهای تبلیغی استاد نیز حساس کرده بود. یکی از این مساجد، مسجد امام علی (ع) در اصفهان بود که از مراکز مبارزه علیه رژیم به شمار می‌رفت. سابقه مبارزاتی این مرکز به سال ۱۳۵۲ با حضور استاد مطهری و دکتر پهنشی بازمی‌گردد که او نیز روزگوار اقدام به تحت نظر کلاس‌ها، بحث‌ها و سخنرانی‌هایی تحت نظر حجت‌الاسلام علی‌اکبر آزادی در این مسجد نمودند.

دایره فعالیت‌های استاد فقط به مساجد داخل کشور محدود نمی‌شد. ایشان از جمله افرادی بودند که به مسجد هامبورگ آلمان نیز، که مدتی محل استقرار شهید پهنشی بود، از نظر مذهب و فرهنگی کمک می‌رساندند. مسجد جامع مکه نیز یکی از مساجد دیگری است که تا مدتی محل فعالیت و روش‌شنگاری‌های شهید مطهری بوده است. حساب می‌آید:

**بی‌نوشته:**  
۱. شهید مطهری، مجموعه آثار، ج ۲۶، ص ۲۳۵.  
۲. همان، ص ۱۵۰، ص ۱۸۲.  
۳. بی‌نوشته، وزارت اطلاعات بر سرزکری آید، ص ۱۳۸.  
۴. همان، ص ۱۵۰، ص ۱۸۲.  
۵. بی‌نوشته، ص ۱۵۰، ص ۱۸۲.  
۶. بی‌نوشته، ص ۱۵۰، ص ۱۸۲.  
۷. بی‌نوشته، ص ۱۵۰، ص ۱۸۲.  
۸. بی‌نوشته، ص ۱۵۰، ص ۱۸۲.  
۹. بی‌نوشته، ص ۱۵۰، ص ۱۸۲.  
۱۰. بی‌نوشته، ص ۱۵۰، ص ۱۸۲.



## روزهای سپید

اسپید خدای فرست اعتکاف  
محمد غلام‌الدین شوی کرمانشاهی از شهدا نگاه امام صادق

**اصلا اعتکاف برای چه؟**  
می‌دانم قطعاً باید بسیاری کارها بماند حجت شریعی داشته باشیم. کارهای خوبی و نواب‌دار زیادند اما اولویت‌ها کدام است؟  
از بین این‌ها همه فعالیت دانشجویی، چرا هدف از برگزاری اعتکاف دانشجویی چیست؟ دل مشغولی‌ها و روزمرگی‌ها کم‌تر به ما فرصت انس و خلوت با حضرت خرقا می‌دهد. گاهی این قدر غرق کلاس و کتاب می‌شویم که اصلاً تصور می‌کنیم تنها وظیفه‌ی ما درس خواندن است در حالی‌که برای برداشتن قدم‌های بزرگ در راه آرمان‌های متعالی انقلاب اسلامی به‌ایدانی نیاز داریم که این دانش و اسیرانم کند و چپ‌ان را متخصن نماید.  
خیلی‌ها بودند که علمشان (می‌توانید بخوانید اطلاعاتشان) زیاد بود ولی چون ایمانی به هم‌راهش نبود، برای بشریت مضر واقع شدند. در سال‌هایی که با معلم‌های جهادی می‌گذرد، برای تخصص و انجام تکالیفمان در جبهه نبرد حق و باطل، در دستگیری به نام دانشگاه نیازمند عزمی راسخ برای تلاش مجاهدانه هستیم. به تعبیر حضرت آیت‌الله جواد (عجله‌الله) این عزم زمانی نشود در کتاب و مدرسه و دانشگاه یافت، رمانت‌نسیاست که ما را عزم صراط مستقیم الهی می‌کند. حتی اگر نخواهیم همان دانش هم نافع باشد باید برای پایه‌های فکری خودمان طهارت پیدا کنیم که لا یشعرا لا املطهرون (الواقعه، ۳۹)

یکی از این اسپیدها استفاده حداقلی از این فرصت است، یعنی یک سرتی بر نامه‌های مثل هر گردهمایی دیگر، در حالی که اعتکاف برای ملت ما یک نعمت است و هم باید قدر آن را دانست و هم باید به شکرانه این نعمت بیشترین بهره‌ر ابرد. حل این اسپید با سبب به فهم مسئولین ا بخوانید خادمین و خود معتکفان است، دل‌نخوشی به امرهای کمی، دردی را در نجات‌دهد کرد. نکته اصلی فرام‌ساختن محیطی بسیاری انس با خلعت، بعضی وقت‌ها کارهای به ظاهر ساده ولی مهم مثل نظم، امکانات مناسب، بهره‌ز از اعتکاف‌های مختلط می‌تواند زمینه‌ساز انس بهتر باشد. جالب اینجاست برای برگزاری بعضی از سیمینارهای به ظاهر علمی یا مثلا جشنواره کنایی هر نه‌های زیادی برای تبلیغات برگزاری مراسم خرج می‌شود ولی برای اعتکاف به چند تا فراخوان قناعت می‌کنیم؛ می‌خواهم به این موضوع اشاره کنم که متأسفانه ما از هر به عنوان یک ابزار و ظرفیت بسیار مهم و تأثیر گذار استفاده نمی‌کنیم به تنها در اعتکاف بلکه در سایر عرصه‌های فرهنگی و تبلیغی، اکتفا به چند تبلیغ تلوزیونی قبل از اعتکاف نشان‌دهنده همین کم توجهی می‌باشد. مراسم با این حجم از جوان دانشجو، در دانشگاه‌ها پیام خاصی چون ماوراجب با وجود این همه علم و استعداد اخلاقی باید شروع یک جریان در کشور شود، جریان انس با خدا، در ساعت فردی و اجتماعی، همه شرایط باید محیطی برای تجربه لذت مناجات با رب العالمین

را فراهم نماید به فرموده رهبر عزیزمان برای هدایت نسل جوان امروز به باید از عنصر منطق و استدلال بهره جست و هم از عنصر احساس و عاطفه. برنامه‌های اعتکاف باید این دورا پیوند دهند به عنوان مثال آرزو سخنران یا مبلغی باید تلاش کند در این سه روز بحث‌های خشک استدلالی را جوانان مطرح کند به نظر اصلاً موفق نخواهد بود. درپای عطا صادق جوانان مخصوصاً دانشجویان کشور ما یک ظرفیت عظیم است. بهترین راه برای استفاده از این ظرفیت در جهت برگزاری صحیح هیت‌های دانشجویی است که در دانشگاه امام صادق (ع) به برکت وجود هیت‌های مبتنی با شهدا، ما این فضا را در کمی کنیم.  
رکنه‌بندی و چه‌و چه‌ویژه به‌سبب مخاطبان است. رسانه‌های غربی از کودکی تا سبیری برای هر مخاطبی در هر سنی خوک فرهنگ دارند باید نیاز زمان را در نظر گرفت که کرد و متناسب با آن برنامه ریزی نمود. در فضای کشمیشی دیگر اثر چندانی ندارند.  
جسارت شکر که استاد فرزند ایدان‌ها را مطرح فرمودند واقعا جایش خیلی خالی است، این اتفاق‌ها باید از دانشگاه و همین اعتکاف‌ها گفتمان‌سازی شود.  
خاصه آنکه قدم اول عوض شدن عینک ماست، به هر حال نگاه به اعتکاف به عنوان یک فرصت است، ما از هدف گذاری، برنامه‌ریزی و قدم‌های بنی‌خیزی کمک‌گردد.



## سایت‌های مسجدی



ایون‌کمال

### کانون‌های معتبر رفت‌افزایی www.masjed24.ir

کانون‌های مساجد کشور از بنیاد تا سبب به یکی از مهمترین مراکز شناخت‌ها در چه بیشتر معارف دینی و فرهنگ ایران اسلامی بدل شد. نسل جوان مسجدی ما بهترین خاطرات رشد دینی خود را از همین کانون‌ها دارد. با گذشت زمان، فعالیت‌های این مراکز نیز بروز تر شد. هم‌کین کانون‌های فرهنگی استان تهران با تعداد زیادی سایت و وبلاگ در فضای مجازی فعالیت‌های خود را متکسر می‌کنند.  
«برتا کانون‌های فرهنگی هنری مساجد استان تهران» محلی در فضای مجازی است فعالیت‌های انجام‌شده در این حوزه را در ویرتینی زیبا جلوی دید مخاطبان بگذارد. در صفحه نخست این پرتال جامع که بیشتر جنبه خبری دارد باخترهایی به چون بروزترین کانون‌ها، پربازدیدترین کانون‌ها، گزارش ویژه درباره کانون‌ها، اطلاعاتی، سیاسی، اخبار و... روبرو هستیم. در این صفحه لینک بروزترین و پربازدیدترین سایت‌های کانون‌ها، اخبار ماقار گرفته که کار به راه‌های مورد نظر هیت‌های می‌کند. خبری جالب در بخش گزارش ویژه درج شده است که طرا می‌آهنگ پیشواز سخنان رهبر حکیم انقلاب درباره کانون‌های مساجد خبری می‌دهد.  
در صفحه‌های کانون‌ها با این محتوا مواجهیم: ویژگی‌ها، موضوع فعالیت، اهداف کلی و اساس نامه تأسیس کانون‌های فرهنگی هنری مساجد. در این بخش یک کلی را از فلسفه ایجاد کانون‌ها در یافت می‌کنیم. همچنین کاربرد گهای ثبت کانون‌ها و مراحل صدور مجوز کانون‌های فرهنگی هنری مساجد را می‌توانید در این بخش مطالعه کنید.  
این پرتال بخشی مجزا برای دسته‌های پژوهش کانون‌ها قرار داده است که البته فعالیت‌ها نیز به نام هیئت‌های پژوهشی ستاد عالی کانون‌های فرهنگی هنری مساجد استان تهران بر روی آن بارگذاری شده است.  
بخشی ویژه به امور کتابخانه‌ها اختصاص داده شده است که در این بخش با این عناوین و خبرها روبرویم: آمار و درصد کانونها و کتابخانه‌های مساجد استان تهران، لیست کتابخانه‌های مساجد استان تهران، آموزش تصویری نصب ترافیک با مدیریت کتابخانه مهر مساجد، این نامه استفاده از کتابخانه‌های مساجد، همه اندیشی کابداران کتابخانه‌های مساجد استان تهران، راه‌اندازی سامانه تجهیز استگاه‌های کتاب در مساجد تهران.  
امیدواریم با گذشت هر چه بیشتر فعالیت‌های این پرتال نتوانیم به اطلاعات روزتری از کانون‌های فرهنگی هنری تهران دست‌یابیم و این خیر، حرکت، الگوی تکامل یافته برای تأسیس این پرتال در دیگر استان‌ها بشود.



## تصحیح قرأت دیجیتالی

ابودرکمان



کمک گرفتن از فن آوری های نوین در زمینه نشر فرهنگ اسلامی حد و مرز نمی شناسد. برپامه نویسان خوش ذوق و متعهد عالم اسلام هر روز مبتنی بر نیازهای مسلمانان جهان نرم افزار جدیدی را رونمایی می کنند. این نوآوری ها نوین آینده ای درخشان برای این حوزه را به ما می دهد.

ضرورت صحیح بودن قرائت به هیچ مسجیدی پوشیده نیست. بخش های مهمی از نماز ما را قرائت سوردهای قرآن شامل می شود که اگر اشکالی در آن باشد به درستی تمام نماز لطمه وارد می کند. از طرفی خواندن صحیح متن قرآن، سر آغاز آشنایی با مفاهیم متعالی این کتاب آسمانی و نستعلقی رهایی بخش بشر است. شاید شما مسجیدی های عزیز یا راه های پیداکرده اید که قرائت قرآن خود را تصحیح کنید یا در اطرافیان شما کسانی از این دست هستند. ولی در آن زمان معلم قرآنی در دسترس ندارد تا قرائت خود را ارائه کند.

نرم افزاری قرآنی که در این شماره معرفی می کنیم «سروش» نام دارد. این محصول اولین نرم افزار آموزش هوشمند قرائت قرآن است که در جهان اسلام تولید شده است. «سروش ایمان» نرم افزاری هوشمند است که قرائت کاربر را ضبط کرده و با هوش مصنوعی طراحی شده برای آن به کیفیت این قرائت امتیاز می دهد. با تصحیح هر باره قرائت و با کسب امتیازات بیشتر، کاربر تشویق می شود تا قرآن را هر چه صحیح تر بخواند. این نرم افزار که اولین خودآموز دو

نشر فرهنگ اسلامی حد و مرز نمی شناسد. برپامه نویسان خوش ذوق و متعهد عالم اسلام هر روز مبتنی بر نیازهای مسلمانان جهان نرم افزار جدیدی را رونمایی می کنند. این نوآوری ها نوین آینده ای درخشان برای این حوزه را به ما می دهد.

ضرورت صحیح بودن قرائت به هیچ مسجیدی پوشیده نیست. بخش های مهمی از نماز ما را قرائت سوردهای قرآن شامل می شود که اگر اشکالی در آن باشد به درستی تمام نماز لطمه وارد می کند. از طرفی خواندن صحیح متن قرآن، سر آغاز آشنایی با مفاهیم متعالی این کتاب آسمانی و نستعلقی رهایی بخش بشر است. شاید شما مسجیدی های عزیز یا راه های پیداکرده اید که قرائت قرآن خود را تصحیح کنید یا در اطرافیان شما کسانی از این دست هستند. ولی در آن زمان معلم قرآنی در دسترس ندارد تا قرائت خود را ارائه کند.

نرم افزاری قرآنی که در این شماره معرفی می کنیم «سروش» نام دارد. این محصول اولین نرم افزار آموزش هوشمند قرائت قرآن است که در جهان اسلام تولید شده است. «سروش ایمان» نرم افزاری هوشمند است که قرائت کاربر را ضبط کرده و با هوش مصنوعی طراحی شده برای آن به کیفیت این قرائت امتیاز می دهد. با تصحیح هر باره قرائت و با کسب امتیازات بیشتر، کاربر تشویق می شود تا قرآن را هر چه صحیح تر بخواند. این نرم افزار که اولین خودآموز دو

نشر فرهنگ اسلامی حد و مرز نمی شناسد. برپامه نویسان خوش ذوق و متعهد عالم اسلام هر روز مبتنی بر نیازهای مسلمانان جهان نرم افزار جدیدی را رونمایی می کنند. این نوآوری ها نوین آینده ای درخشان برای این حوزه را به ما می دهد.

ضرورت صحیح بودن قرائت به هیچ مسجیدی پوشیده نیست. بخش های مهمی از نماز ما را قرائت سوردهای قرآن شامل می شود که اگر اشکالی در آن باشد به درستی تمام نماز لطمه وارد می کند. از طرفی خواندن صحیح متن قرآن، سر آغاز آشنایی با مفاهیم متعالی این کتاب آسمانی و نستعلقی رهایی بخش بشر است. شاید شما مسجیدی های عزیز یا راه های پیداکرده اید که قرائت قرآن خود را تصحیح کنید یا در اطرافیان شما کسانی از این دست هستند. ولی در آن زمان معلم قرآنی در دسترس ندارد تا قرائت خود را ارائه کند.

نرم افزاری قرآنی که در این شماره معرفی می کنیم «سروش» نام دارد. این محصول اولین نرم افزار آموزش هوشمند قرائت قرآن است که در جهان اسلام تولید شده است. «سروش ایمان» نرم افزاری هوشمند است که قرائت کاربر را ضبط کرده و با هوش مصنوعی طراحی شده برای آن به کیفیت این قرائت امتیاز می دهد. با تصحیح هر باره قرائت و با کسب امتیازات بیشتر، کاربر تشویق می شود تا قرآن را هر چه صحیح تر بخواند. این نرم افزار که اولین خودآموز دو

نشر فرهنگ اسلامی حد و مرز نمی شناسد. برپامه نویسان خوش ذوق و متعهد عالم اسلام هر روز مبتنی بر نیازهای مسلمانان جهان نرم افزار جدیدی را رونمایی می کنند. این نوآوری ها نوین آینده ای درخشان برای این حوزه را به ما می دهد.

ضرورت صحیح بودن قرائت به هیچ مسجیدی پوشیده نیست. بخش های مهمی از نماز ما را قرائت سوردهای قرآن شامل می شود که اگر اشکالی در آن باشد به درستی تمام نماز لطمه وارد می کند. از طرفی خواندن صحیح متن قرآن، سر آغاز آشنایی با مفاهیم متعالی این کتاب آسمانی و نستعلقی رهایی بخش بشر است. شاید شما مسجیدی های عزیز یا راه های پیداکرده اید که قرائت قرآن خود را تصحیح کنید یا در اطرافیان شما کسانی از این دست هستند. ولی در آن زمان معلم قرآنی در دسترس ندارد تا قرائت خود را ارائه کند.

نرم افزاری قرآنی که در این شماره معرفی می کنیم «سروش» نام دارد. این محصول اولین نرم افزار آموزش هوشمند قرائت قرآن است که در جهان اسلام تولید شده است. «سروش ایمان» نرم افزاری هوشمند است که قرائت کاربر را ضبط کرده و با هوش مصنوعی طراحی شده برای آن به کیفیت این قرائت امتیاز می دهد. با تصحیح هر باره قرائت و با کسب امتیازات بیشتر، کاربر تشویق می شود تا قرآن را هر چه صحیح تر بخواند. این نرم افزار که اولین خودآموز دو



۱۳۹۲ - ۲۰۱۳

### نوشته شد ولی خوانده نشد!

۱. نماز جمعه، ۲. تشکیلات روحانیت و خطر حزب، مسله امر به معروف و نهی از منکر، ۳. دانشکده علوم الاهی، ۴. پیشنهاد آقای تهرانی و حجاب استاندارد شده، ۵. تعلیم فنون جنگی برای افراد ۴۰ تا ۷۸ ساله، ۶. طور اجباری یا داوطلب، ۷. تسهیلات ازدواج برای پسران و دختران بعد از بلوغ، ۷. تشکیلات اداری منزل آقا، ۸. حوادث تبریز - سال آبی منی، ۹. توقیف اجرای حدود اسلامی، به برقرار شدن نظامات اسلامی،<sup>۱</sup> تشکتهای بالا آخرین نکتههایی بود که شهید مطهری هنگام شهادت، به همراه داشت، تا در جلسای که با حضرت امام (ره) داشتند در میان گذارند. توجه ایشان به مسائل فرهنگی و اجتماعی در این چند نکته به چشم می خورد. شهید مطهری به عنوان یک روشنفکر دینی و شاییده عنوان تاثیر گذارترین اشخاص در انقلاب اسلامی ایران بوده است. آثار ایشان نه تنها در زمان خود ایشان مورد توجه دانش پژوهان واقع شد بلکه در تمام سالهای پس از انقلاب نیز افکار اهل معرفت را سیراب می کرد. در جوع به تفکرات ناب وی که در خاسته از متون اسلامی است، در حال حاضر نیز می تواند بسیاری از مضامین فرهنگی، اجتماعی و معرفتی را بر طرف کند.

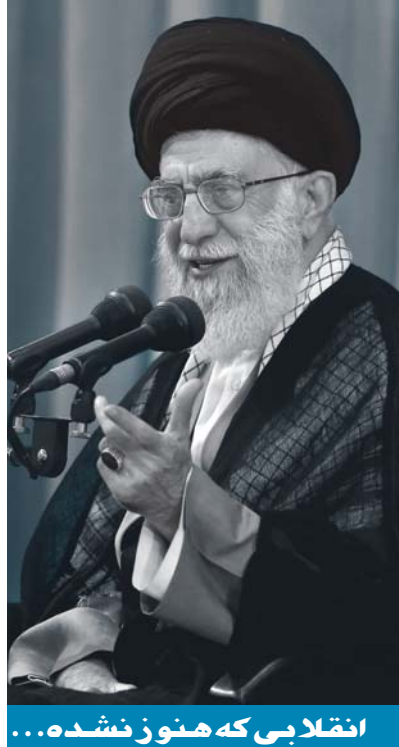
با توجه به نام گذاری سال جاری با نام «اقتصاد و فرهنگ» با اعزم ملی و مدیریت جهادی<sup>۲</sup> به نظر می رسد توجه به شخصیت های فرهنگی نظیر شهید مطهری که در آستانه سالگرد شهادت ایشان هستیم می تواند آگاهی بسیاری از مضامین فرهنگی و اجتماعی جامعه ایرانی اسلامی باشد.

۱. سیری در زندگی امام شهید مطهری، انتشارات حدیث، ۱۳۹۱، صفحه ۱۳۶.

فرهنگ جامعه همواره دغدغه دلسوزان جامعه بوده است. فرهنگ یک جامعه خود را در کف خیابان‌ها، سطل‌های زباله، حاشیه رودخانه‌ها، تفرجگاه‌ها و... نشان می‌دهد. فرهنگ یک جامعه در روابط اجتماعی مردم، شیوه تعاملات آنها با یکدیگر و میزان توجه به اخلاق نمایان است. تا قبل از انقلاب اسلامی، مردم ایران تحت تربیت نظام پادشاهی قرار داشتند که اصولش اصول هوس و تن‌پروری بود. بعد از انقلاب همان‌طور که مردم نظام سیاسی فاسد شاهنشاهی را دگرگون کردند به دنبال دگرگونی فرهنگ طاقونی حاکم بر زمان خود نیز بودند.



شستمان گشتمان انقلاب اسلامی



نگاهی به بیانات هبیر معظم انقلابیه موفسوع فرهنگ  
سلمان‌عبوری

برای اشاعه عقاید انحرافی خود و نیز کانون مقابله با دانشجویان انقلابی و مسلمان قرا در دهه بودند و دانشگاه‌ها به صحنه زد و ضرب و شتم گروهک‌ها بدل شده بود. در ۲۹ فروردین ۱۳۵۹ منافقین و گروهک‌ها با حمله به دانشگاه تهران، معلم و ضرب و شتم دانشجویان مسلمان، کنترل دانشگاه را در دست گرفتند. شورای انقلاب سه روز به آنها مهلت داد تا اتاق‌ها و ستادهای عملیاتی خود را از دانشگاه خارج کنند. مردم در منظور مقابله با گروهک‌ها و اهیمنامی بر دانش‌پژ در روز ۲۷/۲۷/۱۳۵۹ در حالی که منافقین به سلاح گرم و سرد مسلح بودند، موفق به شکست آنها شدند و دانشگاه‌ها را تصرف کردند. به این ترتیب ۱۳۶۹/۲۷/۱۳۶۹ دانشگاه‌ها تعطیل بود.

با فرمان امام خمینی ستاد انقلاب فرهنگی به منظور ساماندهی امور فرهنگی مدارس دانشگاه‌ها تشکیل شد. با آغاز کمیته دانشگاه‌ها، فعالیت ستاد انقلاب فرهنگی ادامه یافت. ضرورت توسعه و تعمیق کار این ستاد تا حد شد در نوزدهم آذر ۱۳۶۴ حضرت امام رفسای سه سو فوه و تعداد دیگری از اندیشمندان فرهنگی کشور را به اعضای آن بیفزایند. بدین شکل ستاد انقلاب فرهنگی با ترکیب جدید خود، تحت عنوان شورای عالی انقلاب فرهنگی فعالیت خود را آغاز کرد. به نقل از سایت مرکز اسناد انقلاب اسلامی

فرهنگ جامعه همواره دغدغه دلسوزان جامعه بوده است. فرهنگ یک جامعه خود را در کف خیابان‌ها، سطل‌های زباله، حاشیه رودخانه‌ها، تفرجگاه‌ها و... نشان می‌دهد. فرهنگ یک جامعه در روابط اجتماعی مردم، شیوه تعاملات آنها با یکدیگر و میزان توجه به اخلاق نمایان است. تا قبل از انقلاب اسلامی، مردم ایران تحت تربیت نظام پادشاهی قرار داشتند که اصولش اصول هوس و تن‌پروری بود. بعد از انقلاب همان‌طور که مردم نظام سیاسی فاسد شاهنشاهی خود را دگرگون کردند به دنبال دگرگونی فرهنگ طاقونی حاکم بر زمان خود نیز بودند. اما هر کس قطع انقلاب در فرهنگ به مراتب از انقلاب سیاسی دشوار تر و دشوارتر است به مراتب خطرناک‌تر هستند. رهبر انقلاب اسلامی در مباحثات‌های نوبت‌گازان و در پذیرای خود همواره به اهمیت فرهنگ تأکید داشته‌اند. این نوشتار با ناط به برخی از بیانات معظم له است که در پذیرای خود با شورای انقلاب فرهنگی داشته‌اند.

فرهنگ مسئله اول نظام اسلامی

از نگاه رهبر انقلاب اسلامی بسیاری از مشکلات و معضلات را با اصلاح فرهنگ می‌شود حل کرد. به عبارتی ریشه مشکلات انقلاب اسلامی اعم از سیاسی، اقتصادی و... در مشکلات فرهنگی نهفته است. «باید مسئله فرهنگ را با کفیتس مسئله اول این کشور به حساب آورد. ما اگر نتوانیم فرهنگ این کشور را با پایه‌های مستحکم و قوی و نهادهای صحیحی که کارایی لازم را داشته باشند، نتوانیم تقویت کنیم، کار این کشور روی غلتک افتاد خواهد و پیشروی این کشور در همه زمینه‌های مورد نظر تضمین خواهد شد. چنانچه ما فرهنگ را اصلاح و دنبال نکردیم، به احتمال زیاد بر نامه‌ری‌های ما غلبه خواهد بود»  
بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی ۱۳۶۳/۲۷/۲۷

اگر کشوری از نظر ساختارهای سیاسی، نظامی، اقتصادی در حد خوبی نباشد در عین حال از فرهنگ غنی و عمیقی برخوردار باشد، به قطع دارای اقتداری درونی

خواهد بود و بالعکس اگر از اقتدار سیاسی، نظامی و اقتصادی برخوردار باشد و در عین حال از فرهنگی ضعیف برخوردار باشد، نمی‌توان آن کشور را مقتدر قلمداد کرد. آنچه که یک کشور را کشور و یک ملت را ملت می‌کند، فرهنگ است. به نظر رهبر انقلاب مهم‌ترین عامل تمایز ملت‌ها به عنوان یک ملت، فرهنگ آن مردم است. «گو این تمایز ملت‌ها را مورد نظر قرار دهیم و ببینیم که یک ملت به چه سبب چه عاملی یک ملت است، خواهیم دید پیش از آنچه که یک ملت را به یک حکومت و یک دولت و یک تشکیلات و قواره سیاسی و به استقلال برای یک ملت بودن، می‌شود نسبت داد، به فرهنگ آن و مجموعی آنچه که به آن فرهنگ می‌گوئیم، می‌شود نسبت داد. فرهنگ هر ملی اهمیت دارد، اگر ما دنبال استقلال هستیم، باید به فرهنگ هر یک حسی کنیم و روی فرهنگ کار کنیم. اگر دنبال خودکفایی و رفاه عمومی مردم هستیم، اگر به دنبال تدین مردم و یک تمدن بزرگ اسلامی هستیم - که باید باشیم و البته هستیم - باید روی فرهنگ تأمل و تلاش و توجه و سرمایه‌گذاری ویژه‌ای کنیم» (مان).

با توجه به اهمیت فرهنگ باید توجه کرد که «آنچه که دلیل و برانی نهایی است، و برانی نهایی است، اگر چنانچه یک کشوری از لحاظ فرهنگی - یعنی از لحاظ علم، از لحاظ عقیده، از لحاظ اخلاقی، از لحاظ رفتار، از لحاظ خصلت و خلیقات عمومی، وضع نابسامانی داشته باشد، وضع متحلی داشته باشد، این ملت ورشکسته است، ولو حالا ظاهر اهم یک شمایل و شاگله مقبولی داشته باشد؛ لیکن باطن خراب شده است، ویران شده است و با یک حادثه از بین می‌رود و دیگر قابل بازسازی نیست»

بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی ۱۳۶۳/۲۷/۲۷

ماهیت فرهنگ

«همی توان گفت فرهنگ یک ملت و یک کشور، در حقیقت شاگله معنوی این ملت است. یعنی اگر ما یک کشور، وضع اقتصادی، نظام اقتصادی و نظام سیاسی - شاگله جسمی برای یک ملت بدینیم، و بر این مجموعه عبارت است از فرهنگ. در حقیقت فرهنگ است که هویت شاگله معنوی یک ملت را مین می‌کند. ملین این فرهنگ، شاخصه‌ای مصداقی دارد. شاخصه‌ای مصداقی‌اش عقاید است، اخلاقی است، آداب است، رفتارهای اجتماعی است، رفتارهای فردی است، خلیقات و خصلت‌های ملی است؛ اینها شاخصه‌ای ان هویت معنوی است. از روی این شاخصه‌ها می‌توان کشف کرد و شناخت که این ملت هویتش چیست، شاگله معنوی‌اش چیست و شخصیت این ملت کدام است»

بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی ۱۳۶۳/۲۷/۲۷

«فرهنگ هویت یک ملت است. ارزش‌های فرهنگی روح و معنای حقیقی یک ملت است. همه چیز فرهنگ است. فرهنگ حاشیه و ذیل اقتصاد نیست، حاشیه و ذیل سیاست نیست، اقتصاد و سیاست حاشیه و ذیل بر فرهنگ‌اند. به این ترتیب هر فرهنگ را از عرصه‌های دیگر منفک کنیم، همین‌طور که اشاره کردند! اینکه ما کفیتس مسائل اقتصادی و مسائل گوناگون مهم بیوسست فرهنگی داشته باشد، معنای این همین است. معنای آن این است که یک حر که اساسی که در زمینه اقتصاد، در

اگر این تمایز ملت‌ها را مورد نظر قرار دهیم و ببینیم که یک ملت به سبب چه عاملی یک ملت است، خواهیم دید پیش از آنچه که یک ملت را به یک حکومت و یک دولت و یک تشکیلات و قواره سیاسی و به استقلال برای یک ملت بودن، می‌شود نسبت داد، به فرهنگ آن و مجموعی آنچه که به آن فرهنگ می‌گوئیم، می‌شود نسبت داد.

زمینه سیاست، در زمینه سازندگی، در زمینه فناوری، تولید، پیشرفت علم می‌خواهیم انجام بدهیم، ملنفت لازم فرهنگی آن باشیم. گاهی اوقات انسان در یک کاری وارد می‌شود، یک کار اقتصادی انجام می‌دهد، [اما] به لوازم آن و تبعات فرهنگی آن توجه ندارد. بلکه کار بزرگی است؛ کار اقتصادی بزرگی است، منتها بر آن مرتب می‌شود و لوازم آن را نمی‌اندازد. ضرر دارد. فرهنگ این جوری است»

بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی ۱۳۶۳/۲۷/۲۷

تهاجم فرهنگی

از تولید و ذی‌های دیگری که رهبری بر آن تأکید داشته‌اند «تهاجم فرهنگی» است. ایشان در طول سالیان متمادی توجه مسؤلان را به این نکته جلب کرده‌اند که جمهوری اسلامی مورد تهاجم فرهنگی کشورهای غربی به ویژه آمریکا، یکساست متأسفانه بسیاری از صاحب‌نظران نیز داشته باشند است. این سببقت رافعی می‌کنند و به دنبال مزه‌زده نظام سلطه‌ها از امر هستند. «ها دشمنان فرهنگی زیادی داریم، مکرز با اسلام و انقلاب به صورت فرهنگی، یک امر جدی است. این چیزی که ما به آن تهاجم فرهنگی می‌گوئیم، یک امر واقعی و حقیقی است. آن‌ها برای سیاسی ما، با ابزارهای فرهنگی دشمنان هدف گیری می‌شود. باورهای دینی ما هدف گیری می‌شود. عادات حسنه ملت ما مورد تهاجم قرار می‌گیرد و هدف گیری می‌شود. این کار خیلی مهم انجام می‌گیرد. خلاصه آن چیزی که انقلاب بر پایه آن به وجود آمده است، فرهنگ این اسلام ناب و فرهنگ انقلابی. دقیقاً مورد تهاجم دشمنان است»

بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی ۱۳۶۳/۲۷/۲۷

مردم و مسؤلان فرهنگی باید توجه داشته باشند که در این گونه موارد باید ابتدا شناخت کافی از پدیده فرهنگی داشته باشند و بعد با موضع گیری فعال یا با برخورد کنند. «بر برخورد با مسائل تهاجمی، پدیده از دل ورود، حتی قبل از ورود باید شناسایییم. فرض کنید یک تهاجمی می‌کفری می‌کند، روسی در دنیا دارد رایج می‌شود؛ پدیده است که این اینجا خواهد آمد. خوب دنیا دنیای ارتباطات است، دنیای اتصال و ارتباط است، نمی‌شود هیچ‌کس، کشید. قبل از آنکه بیاید، به فکر باشید که هر خورد کجیمانه تا این چیست. معنای این همیشه این نیست که ما آن را رد کنیم؛ گاهی یک پدیده‌ای است که ما آن را می‌توانیم قبول کنیم؛ هاجمی، پدیده‌ای است که می‌توانیم اصلاح کنیم؛ گاهی پدیده‌ای است که می‌توانیم یک ذیلی برایش تعریف کنیم که آن ذیل، مشکل آن را برطرف کند. در دیدار همین، در فهمیدن، دیر به فکر قلاخ افغان، این اسکالات دارد که بعد شناخت دچار مشکل می‌شود که نمی‌توانید با آنها مواجه شوید. پس من نمی‌گویم که فقط موضع دفاعی داشته باشیم. البته وقتی تهاجم هست، ما باید دفاع نکنیم؛ دشمنی نیست. توصیه من فقط موضع دفاعی نیست. ما موضع انبثی، موضع اقتصادی، موضع حر که صحیح باید داشته باشیم. به هر حال در مقابل فرهنگ مهاجم، بدترین کار، انفعال است؛ زشت‌ترین کار، انفعال است؛ خسارت‌بارترین کار، انفعال است»

بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی ۱۳۶۳/۲۷/۲۷



استاد مطهری در یک فضای آرمانی و انتزاعی نمی‌اندیشید و فقط نظاره‌گر تحولات جهانی نبود، بلکه علاوه بر فهم جهانی، به مشکلات و نیازهای جامعه و بحران‌های نسل جدید اهتمام وافری داشت و همواره سعی می‌کرد مسائل جدید، مشکلات پیش رو و گسست‌های فرهنگی و عقیدتی را شناسایی کند و مدغفه‌مندانه و شورمندانه در پی حل آنها و پاسخ‌گویی بدان‌ها بر می‌آمد.



## مبانی فکری نظام

جایگاه تفکر استشهد مطهری در نظام اسلامی  
سیدمحمدی موسوی

امام خمینی (ره) در طول دوران نهضت اسلامی و بعد از پیروزی انقلاب باورها و باهرا فراد و گروه‌ها را به‌ارتباط با استاد شهید مرتضی مطهری و مطالعه آثار ایشان سفارش می‌کردند و همه آثار ایشان را خوب و قابل استفاده می‌دانستند. راز و رمز این سفارشات را مقام معظم رهبری در این می‌داند که آثار استاد مطهری را مبانی فکری نظام جمهوری اسلامی ایران است. ایشان معتقدند «جامعه‌ما و انقلاب ما بر اساس همان پایه‌هایی بنا شده که در معرفی نظام مطهری از اسلام دیده می‌شود و فهمیده می‌شود و لذا نسبت که شما می‌بینید امروز آنی که پاسخ به سؤالات ماها را می‌دهد کتاب‌های شهید مطهری است.» از این رو است که «آثار استاد شهید مطهری (ره) مبانی فکری نظام جمهوری اسلامی ایران است.»  
هر نظام سیاسی بر پایه نظام داناایی مستقل و منظومه اندیشه‌ای خاصی استوار است که به تبیین هستی و تفسیر مفاهیم کلیدی و مصلحت‌اندیشی عناصر فکری و اندیشه‌ای می‌پردازد تا علاوه بر اثبات مشروعیت آن نظام سیاسی و تبیین راه‌بردها و برنامه‌های رفتاری به مرزبندی با سایر گفتمان‌ها و مکاتب فکری درون و بیرون جامعه نیز بپردازد. همین مطلب، استاد مطهری را بایمانی متفاوت این گونه تبیین می‌کند:  
«در حقیقت حکمت عملی هر مکتب وابسته است به حکمت نظری آن و حکمت نظری اش وابسته است به متعلق آن مکتب. پس هر مکتب در درجه اول باید متعلق خود را مشخص نماید.»  
در هر جامعه‌ای به تناسب فهم و تفاوت سلیقه‌ها و گرایش‌ها، اندیشه‌ها و مکاتب فکری متعددی می‌تواند وجود داشته باشد که دارای مصلحت‌بندی مستقل و متمایزی از عناصر فکری و کاربردی هستند. این مکاتب هر یک در صدد غلبه گفتمانی بر فضای عمومی جامعه‌ا بر عرصه اجتماعی و عرصه سیاسی هستند تا بتوانند بر مدیریت اجتماعی و نحوه اعمال قدرت سیاسی تأثیر گذار باشند. برای چنین منظوری گفتمان و مکتبی از

قابلیت و توانمندی کافی و لازم برخوردار است که دارای چند ویژگی اساسی باشد:  
۱. توانمندگانتگی با هویت فرهنگی و بنیان‌های فکری مردم جامعه خویش داشته باشد.  
۲. ارتباط با فرهنگ بومی و بنیان‌های فکری نابسازد گفتمان را در چهار دیواری تنگ نگه دارد یعنی گفتمان باید زمینه و زمانه‌ای که جامعه در آن به سر می‌برد را بشناسد. از این رو فهم تحولات زمانه در عرصه داخلی و بین‌المللی یکی از ویژگی‌های یک مکتب موفق است.  
۳. آگاهانه گنجینه‌ای و تاریخی نباید به کلی نگری، توهم و آرزوهای بلند منتهی شود؛ بلکه گفتمان باید به شناخت بحران‌ها و مشکلات جامعه خویش نیز توجه داشته باشد و با درک و فهم عمیق آن بحران‌ها و مشکلات در صدد پاسخ‌گویی به نیازهای جامعه و کشف راه‌حل برای آنها باشد.  
۴. یک گفتمان و مکتب فکری موفق یک منظومه فکری منسجم، روشمند و قابل اجتهاد دارد و به عرصه‌های مختلف زندگی انسان و اسبابات متعدد و متفاوت آن توجه دارد تا در دام تحویل‌نگری در اندیشه، ناسمندی و بدبینی در گرایش و هیجان و عصبانیت بر قرار نشیند.  
۵. با توجه به این مقدمه، می‌توان فهمید که آثار استاد مطهری چرا مبانی فکری نظام است.  
۱. استاد مطهری با تحصیل و تحقیق در علوم اسلامی و مطالعه در تاریخ و فرهنگ اسلام و ایران به خوبی توانسته بود ارتباط و پیوند عمیقی با جامعه ایران و هویت اسلامی برقرار سازد و این عرصه به طور مجتهدانه و متخصصانه اظهار نظر کند.  
۲. اما این مسئله موجب نشدند که او چشم خود را بر تحولات زمانه و تغییرات اجتماعی ببندد و به‌یاد نه‌شدن فکری و باورهای اندیشه‌ها در کنار آنها به راحتی بگذرد. او با چشمی باز به تحولات زمانه و تغییرات اجتماعی توجه داشت و سعی می‌کرد آنچه که در هر شقوق و غرب جنرافیایی

و شرق و غرب فکری می‌گذرد به دقت بشناسد و از این رو با منشورات و مطوعات از یک سو و از سوی دیگر با سادیت دانشکده و تحصیلات دکتری خارجی و همچنین روشنگران آن زمان ارتباط علمی و فکری برقرار می‌ساخت. او سعی می‌کرد فهم خود را از تحولات زمانه و تغییرات اجتماعی تصحیح کند و تعمیق بخشد.  
۳. استاد مطهری در یک فضای آرمانی و انتزاعی نمی‌اندیشید و فقط نظاره‌گر تحولات جهانی نبود بلکه علاوه بر فهم جامعه و بحران‌های نسل جدید اهتمام وافری داشت و همواره سعی می‌کرد مسائل جدید مشکلات پیش رو و گسست‌های فرهنگی و عقیدتی را شناسایی کند و مدغفه‌مندانه و شورمندانه در پی حل آنها و پاسخ‌گویی بدان‌ها بر می‌آمد.  
۴. در نهایت تمام این درک‌ها و فهم‌های خود را قالب یک نظام فکری منسجم، روشمند و اجتهادی ارائه داد.  
استاد مطهری با اجتهاد دینی، عقلائیت فلسفی و اتقان علمی به دور از هیجان‌های انقلابی و شتابزدگی در عمل، پیش از هر کس دیگری به دنبال مرزبندی عقیدتی و حفظ خلوص اندیشه اسلامی در برابر مکتب‌های مختلف غرب و شرق بود که در سال‌های پیش از انقلاب بود و قلب نسل جوان را بر کرده بود. وی در برابر گروه‌های جدیدی که هر روز با افکار انقلابی ظهور می‌کردند و داعیه مدیریت فکری و عملی انقلاب اسلامی را داشتند ایستاد و سعی کرد تبیین مستحکم، عقلائی و روشمندانه هستی، انسان، دین، انقلاب و اجتماع ارائه دهد.  
در این زمینه مقام معظم رهبری می‌فرماید: «ایشان با قوت فکری و اندیشه‌های صاحب‌خود در دهه‌های چهل و پنجاه و میان‌هایی شد که تا آن زمان هیچ‌کس در زمینه مسائل اسلامی وارد آن نشده بود و با تفکرات و افکار غربی و شرقی به چالش علمی عمیق، وسیع و تمام‌شدنی پرداخت

استاد مطهری با اجتهاد دینی، عقلائیت فلسفی و اتقان علمی به دور از هیجان‌های انقلابی و شتابزدگی در عمل، پیش از هر کس دیگری به دنبال مرزبندی عقیدتی و حفظ خلوص اندیشه اسلامی در برابر مکتب‌های مختلف غرب و شرق بود که در سال‌های پیش از انقلاب بود و قلب نسل جوان را بر کرده بود. وی در برابر گروه‌های جدیدی که هر روز با افکار انقلابی ظهور می‌کردند و داعیه مدیریت فکری و عملی انقلاب اسلامی را داشتند ایستاد و سعی کرد تبیین مستحکم، عقلائی و روشمندانه هستی، انسان، دین، انقلاب و اجتماع ارائه دهد.

و در چپه مقاله با کسب سیم و تفکرات غربی و لیبرالیسم دست به یک جهاد هوشمندانه زد و با تواتن علمی و ایمان راسخ و اعتماد به نفس، در موفقیت‌های بزرگی به سمت آورد و با قدرت اجتهاد و انصاف، آداب علمی، روشی متقن و به دور از تجزیه و تقاطع‌های عرفی اسلامی و مقاله‌ها با یک‌اندیشی و انحراف ایجاد کرد و پایه‌های افکار مورد نیاز جامعه اسلامی و انقلاب را تأسیس نمود و نقش مؤثری بر جریان فکری اسلامی و شکل‌گیری نظام اسلامی در جای کلمات و بصورت سنسگری امن برای برهان طالب و علاقه‌مند فکر اسلامی در حوزه‌ها و دانشگاه‌ها در آمد تا بتوانند زیر سایه این تفکر عمیق و مستحکم دین خود را حفظ کنند و دست‌آوردهای نوین فکری داشته باشند و از آن دفاع نمایند.»  
امروزه مجموع این تحقیقات و تأملات فلسفی و دره‌یافت‌های دین پژوهی استاد مطهری در قریب به یکصد مجلد در اختیار نسل جدید است. می‌توان با مطالعه و مباحثه این آثار، به استحکام عقیدتی و فهم اجتهادی و عقلائی دست پیدا کرد و با استفاده از این آثار و روش‌های علمی علوم انسانی و تولید علم دین فراهم کرد. به همین جهت است که به اعتقاد مقام معظم رهبری جامعه ما همچنان مرهون فکر او در زمینه‌های گوناگون فکری و گفتمانی است.  
«مرز ما فکری و روشمندانه است. فکر ما شهید مطهری هست. هر آن‌که بیخ در ندی نیست و فضای فکری جامعه همچنان مرهون فکر او در زمینه‌های گوناگون، چقدر زمینه‌های فلسفی، چه در زمینه‌های اجتماعی است و چه در زمینه‌های سیاسی است.»

### پی‌نوشت:

۱. بیانات مقام معظم رهبری در مراسم روزگفتار استاد مطهری (۱۳۹۳/۱۲/۵)
۲. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، تهران، سنا (۱۳۷۴)، ج ۳، ص ۳۳۸
۳. بیانات مقام معظم رهبری در همایش چکیت شهید مطهری (۱۳۷۲/۲/۲۶)
۴. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار علما و روحانیون کربلا (۱۳۸۲/۱/۱۳)

هیچ انسان غیر معصومی، کامل و بی نقص نیست. انسان‌ها در طول زندگی فردی و اجتماعی خود با توجه به شرایط زندگی خود رشد می‌کنند و رفته رفته در حوزه‌های مختلف تجربه کسب می‌کنند. «من شاور از رجال شاکمهی فی عقولیا؛ هر کس که با دیگران مشورت کرد خود را در آنها نقل شریک کرد.»

شناسان  
گفت‌وگو: انقلاب اسلامی



### جریان شناسی ۱

سینا قیاسی  
یکی از محققان مهم در نگارش جریان‌شناسی به تاریخ تقسیم دوره‌های مختلف تاریخی است. انتخاب ملاک این تقسیم‌بندی نیازمند به داشتن یک مبنا علمی و حتی فلسفی است. به همین جهت است که میان مورخان و تحلیل‌گران تاریخ دربار شروع یک تغییر و یا تحول اجتماعی اختلاف وجود دارد.

ما برای آنکه بتوانیم جریان‌های دوره معاصر را به خوبی جریان‌شناسی کنیم، لازم است ابتدا نقطه آغاز تاریخ معاصر ایران را شناسایی کنیم. در این مسئله چند دیدگاه وجود دارد. برخی آغاز تاریخ معاصر ایران را شکل‌گیری موفوقه برخی استقرار حکومت قاجار، برخی جنگ‌های ایران و روس و نهایتاً برخی نهضت مشروطه را آغازی بر تاریخ جدید ایران معرفی می‌کنند. با نگاهی دقیق به تاریخ می‌توان استقرار صوفیه و مهاجرت علمای جبل‌العلم به ایران و شکل‌گیری مدرسه اصفهان را مبدأ تحولاتی بدین‌جهت همچنان که برخی از تحلیل‌گران سیاسی و اجتماعی و مورخان بر این عقیده‌اند.<sup>۱</sup>

در دوران اولیه، به خصوص در دوران شاه طهماسب و شاه اسماعیل، قدرت سیاسی و اقتدار مذهبی تشیع بر اصولین یا بر کل ایران سبطیره پیدا کرد و فصل نوینی را از رابطه میان سیاست و شریعت آغاز شد که هیچگاه این گستره برای تشیع وجود نداشت. در این دوران قفقزیه توسط محقق کرکی از حوزه فردرکی خارج شد و نوعی توجه به عرصه‌های اجتماعی و فرهنگی آن به وجود آمد که توسط شاگردان وی از جمله میرزا قاسم شیخ بهایی، محقق سبزواری و... ادامه یافت. همچنین شیخ موسی از روحانیون شیعه به عنوان شیخ الاسلام، امام جمعه در سراسر ایران منتشر شد که به تبلیغ رسمی مذهب تشیع می‌پرداختند.

در همین دوران فلسفه جدید حکمت متعالیه به کوشش میرداماد و ملاصدرا در حال نضج و شکل‌گیری بود؛ فلسفه‌ای که مدعی جمع میان شادمانی عقلی و علمی است که پیش از آن در حوزه تمدن اسلامی به طور موقر و گاه در تعارض با یکدیگر وجود داشت. جمع میان عقل، نقل و برهان و جمع میان فلسفه، عرفان و سیاست از سوی صدر المتعالین شیرازی مطرح می‌شود که بعدها توسط فلاسفه و علمای شیعه توسعه می‌یابد.

یکی دیگر از مسائلی مهم این دوره شکل‌گیری اخباری‌گری شیعی است که در ضربه‌های محکم و شدیدیه را به عقل قهقی و ایجاد شیعی وارد ساخت و توانست برای پیش از یک قرن قهقی شیعی را به حاشیه براند. این حاشیه‌نشینی اثر یک مضرراتی داشت، اما موجب شد که دوره جدیدی در مدرسه قهقی شیعی توسعه و جدید پنهانی و شاگردانش شکل بگیرد که از استحکام عقلانی و اتقان روشی و بنیادی برخوردار بود؛ به نحوی که در دوره‌های پیش از آن سابقه نداشت.

دوره صوفیه آغاز روبروایی ایرانیان با غربیان است. برای اولین بار در این دوره است که افرادی از غرب به ایران وارد و در درباران حضور مضر شد. تمدن و همین در اولین مجادله علمی غربی مسیحی با مذهب تشیع آغاز شد. متوجه شدیم که در ایران فقط به روبروایی فرهنگی محدود نماند، بلکه به روبروایی نظامی نیز وارد شد و کشور برتغال با حمله به خواسی خلیج فارس، دوره جدید استعمار را آغاز کرد.

در شماره‌های بعدی این مجله به این جریان‌ها خواهد شد.



پی‌نوشت:

۱. ر. ک. افروزان، «جولان عقولمت‌کننده: از جهاد تمدن تا تهران (۱۳۲۸)».

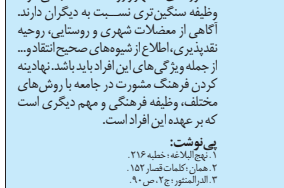
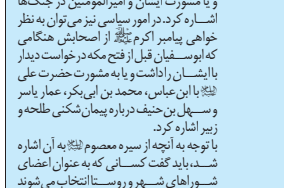
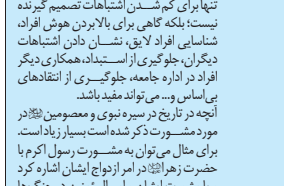
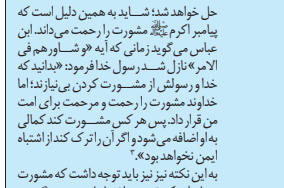
## و مشاور هم!!

نکاتی از امیر  در امر مشورت  
به بیان‌کنندگان دبیریهشت روز شوراها  
علی‌سیدینی

«با کلماتی که با جباران سخن می‌گویند ما من سخن می‌گویید و چیزهایی که از مردم خشمگین پنهان می‌کنید - من پنهان مبارید و ما من به مدارا معاشرت نکنید و گمان نکنید که اگر حتی به من گفته شود مرا ستکین و درشت نماید یا در صدد بزرگ‌نمایی خوبشتم؛ پس از هر سخن حق و مشورت به عدالت خودداری نکنید من در نفس خویش برتر از آن که خطا نکنم نیستم و از آن در عمل این نیستم مگر آن که خطاوند مرا کفایت کند»<sup>۱</sup>.

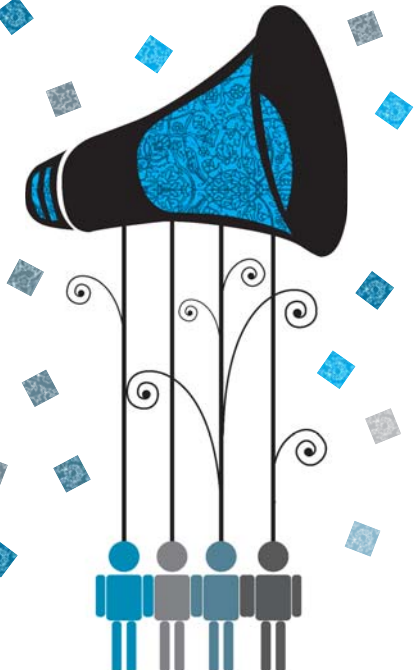
اینجا جملات مرید است که به اعتقاد اسخ از هر گونه خطا و اشتباهه مراد است در عین حال همواره بر امر مشورت چه در مقام نظر و چه در مقام عمل تأکید داشته است. حضرت علی  با تأسی از وجود مقدس رسول اکرم  همواره در امور اجتماعی، فردی و سیاسی یا به دیگران مشورت می‌داده و با دیگران را تشویق به مشورت دادن می‌کرده است. ایشان در جملات فراوانی به اهمیت مشورت اشاره می‌کنند: برای نمونه در حکمت ۱۶۱ می‌خوانیم که می‌فرماید: «من استبد بر ایه‌ه‌لک: کسی که به رای خود استبداد ورزد هلاک می‌شود.» این عبارت با نفی استبداد رای، اشاره به این نکته مهم دارد که راه نجات در همفکری و مشورت با دیگران است. همچنین در حکمت ۵۴ می‌فرماید: «لا ظهیر کالمشاوره؛ هیچ پشتیبانی مانند مشاوره نیست»<sup>۲</sup>.

هیچ انسان غیر معصومی، کامل و بی نقص نیست. انسان‌ها در طول زندگی فردی و اجتماعی خود با توجه به شرایط زندگی خود رشد می‌کنند و رفته رفته در حوزه‌های مختلف تجربه کسب می‌کنند. «من شاور از الرجال شاکمهی فی عقولیا؛ هر کس که با دیگران مشورت کرد خود را در آنها نقل شریک کرد»<sup>۳</sup>. این مشارکت در عقول خطاها را کم می‌کند. همیشه احتمالی وجود دارد که دیدگاه هر کس از انسان را در تصمیم‌های خود دچار لغزش می‌کند و باعث پشیمانی می‌شود. مشورت می‌تواند این نقاط تاریک را برای تصمیم‌گیرنده آشکار کند. اگر مشورت در جامعه‌ای به صورت یک فرهنگ در آید بسیاری از مشکلات اجتماعی



۱. بیخ‌نخل، خطبه ۲۱۶.  
۲. همان، نکات قصار ۱۰۴.  
۳. الف‌المنصور، ص ۹۰.

### بیشتر بدانید گفت‌وگو: انقلاب اسلامی



## ابتدا و انتهای یک خط

کارگران با تیغ در تبلیغ بین(۴)

علیرضا بنیادینیا، کارکنان شش‌ان‌ده‌گانه، تبلیغات اجتماعی

از هر کوی و برزنی که عبور کنیم و پای صحبت هر کس که بنشینیم، به هر تصویری که بنگریم و به نگارهای را مدنظر قرار دهیم، به هر کتابی که نگاه کنیم و محتواش را در خور مطالعه بپاییم و به هر اثر سمنمایی و تلوزیونی که بنگریم همه و همه حاوی پیام‌هایی برای ما هستند. فکر، فرهنگ و ارزش‌های مدام توسط آنها آلبانه بسته به میزان قدرت و میزان پوشش رسانه‌مان. حال ارائه آنها به گروه مخاطبان است. به دیگر سخن ارتباطات و تبلیغات به عنصر جدایی‌ناپذیر شامل انسان‌ها

پی‌نوشت:  
۱. بیخ‌نخل، خطبه ۲۱۶.  
۲. همان، نکات قصار ۱۰۴.  
۳. الف‌المنصور، ص ۹۰.

می‌بغی را تصور کنی که در فراز یک رسانه مانند منبر یا شما ارتباط برقرار می‌کند. او در ابتدا سعی می‌کند تا مطالب خود را با تصورات ذهنی شما متناسب و به عبارتی قابل‌پذیرش کند. این مسئله را تناسب می‌نامند. سپس گونه‌گونه شواهد یا علائم تناسب را می‌دهد و شما نیز در مسیر درک بهتر، به جست‌وجوی ذهنی این علائم می‌پردازید. در اینجا همان‌گونه که اشاره شد متن‌رسانی کلید استیلا بنیت‌گرفته و درک محتوای پیام اوست.

با یکدیگر بدل گشته‌است. مذاهب، مکاتب، اندیشه‌ها و گرایش‌ها همگی در حال تبلیغ خود و آنچه می‌کنند، هستند. اسلام نیز باین‌جه فحوای آسمانی و رسالت ذاتی‌اش از این قاعده مستثنی نیست.

همان‌گونه که تبلیغ امری بنیادین برای دین محسوب می‌گردد، ارتباط نیز امری لازم در جهت انجام تبلیغ است؛ چرا که در دو طرف این رابطه، گریزی از ارتباط با دیگران آدمی را فهم منظور و نیست.

در بخش‌های گذشته سخن از ارتباط رفت و اینکه چگونه یک ارتباط شکل می‌گیرد، کمالات و شکل یک ارتباط شادی چه عناصری است و مورد اول ارتباط و بررسی است؛ چرا که در این شماره به مقاله خود مرورش از اما استانی، یعنی «پیام» پرداخته می‌شود. ایده نوجوان اندیشمند، معرفی فیلم دستور کار تفکر و هر آنچه که میان فرستنده پیام و گیرنده آن - چه به صورت یک ارتباط مستقیم یا چه به صورت واسطه‌شده - به شرط اینکه میان گیرنده و فرستنده و یک‌دیگر مشترک و قابل‌فهم باشد، پیام نام دارد. پیام گاهی تنها یک اندیشه است و گاهی یک تصویر. پیام می‌تواند متن، علامت، صدا و هر چیزی باشد که میان فرستنده و گیرنده دارای مفهوم مشترک است و فرستنده پیام در ارسال آن به گیرنده دارای به طور کلی ارتباط، فرآیندی پیام‌رسان است که در اطلاعات متکی است. نظریه‌های متعددی برای بررسی پردازش اطلاعات پیام‌رسانه شده‌اند. روش‌های علمی متعددی مانند تحلیل محتوا، تحلیل فیلم، نقد ادبی، نقد فم و شعر و همچنین علومی مانند زبان‌شناسی، معناشناسی و نشانه‌شناسی همگی برای فهم پیام مورد نظر آثار رسانه‌ها پدید آمده‌اند. فهم پیام رسانه‌ها امری پیچیده است و نمی‌توان به راحتی یک یا چند جمله را نتیجه یک ارتباط که در آن به مخاطبان متعددی پیام داده شده است در نظر گرفت.

طبق نظریه‌های دانشمندان شناخت‌شناختی در مخاطب است که وی اساسی ساختار ذاتی و فرآیندهای شناختی نیاز دارد. ساختارهای دانش شامل تنظیم اطلاعات در نظام شناختی فردی مخاطب است که وی در افرا گرفته است. حتی در ک ساده‌ترین پیام‌ها به اطلاعات زیاد در دارد این موضوع منجر به طرح الگویی متن می‌شود و مشخص می‌گردد. هر فرد چگونه جهان را می‌بیند و پیام‌ها چگونه دریافت می‌گردد.

آنکه مهمی که نباید در این بحث مغفول بماند در ک گزینشی نیست. درک گزینشی نقش مهمی در هر نوع ارتباط دارد و در حد مسیر ارتباطات در قوه‌های مطرح می‌شود. معنی خط گزینشی این است که افراد مختلف می‌توانند نسبت به پیام مشابه، به گونه‌های متفاوتی واکنش نشان دهند. هیچ ارتباطی نمی‌تواند فرض را بر این بگذارد که پیام برای همه گیرندگان یک معنی را خواهد داشت. این موضوع الگوی ارتباطی ما در مورد ارتباط جمعی را پیچیده می‌کند. متن ارسال شده از طرف فرستنده پیام باید استنباط نیت گیرنده



و کلید بیرون کشیدن پیام اصلی فرستنده است. فرستنده پیام به طور فطری همیشه متن را به گونه‌ای تنظیم می‌کند که تناسب آن را تضمین نماید. مضمونی را تصور کنید که در فراز یک رسانه مانند منبر یا شما ارتباط برقرار می‌کند. او در ابتدا سعی می‌کند تا مطالب خود را با تصورات ذهنی شما متناسب و به عبارتی قابل‌پذیرش کند؛ این مسئله را تناسب می‌نامند. سپس گونه‌گونه شواهد یا علائم تناسب را می‌دهد و شما نیز در مسیر درک بهتر، به جست‌وجوی ذهنی این علائم می‌پردازید. در اینجا همان‌گونه که اشاره شد متن‌رسانی کلید استیلا بنیت‌گرفته و درک محتوای پیام اوست.

نیت‌گرفته و درک محتوای پیام اوست. علوم متعددی موقله برای ارتباطات را بررسی می‌کنند. یکی از این علوم نشانه‌شناسی است. هر ارتباطی برای فهم پیام مدنظر فرستنده باید به دنبال نشانه‌ها بود و بر اساس آن نشانه‌ها به پیام مورد نظر پی برد. نشانه‌شناسی «علم جست‌وجوی قوانین حاکم بر نشانه‌ها است. البته نشانه‌شناسان معاصر تمایل دارند معانی نهفته در نشانه‌ها که در بردارند از ارزش‌های ایدئولوژیک هستند نشان دهند. نشانه‌ها اساس ارتباط هستند. هر نشانه نماییانگرموضوع و معنایی غیر از خود نشانه است. معنا، رابطه بین یک شیء و عقیده یا نشانه است. نشانه در صدد بازنمایی یک شیء و یا عقیده از طریق خود اوست که حیوانی نشانه‌شناسی به آن تأویل می‌کند؛ برای مثال واژه خرگوش حیوانی را در ذهن شما تداعی می‌کند؛ نشانه «خرگوش» خود حیوان نیست، و اشاره به وی دارد؛ تأویل باعث ایجاد چنین ارتباطی می‌گردد؛ این سه عنصر (نشانه، معنا) و باید به مجموعه تحلیل تأییدی متجلی شوند تا بتوانند به عنوان نشانه کارآمد عمل کنند».

موقله پیام در تحلیل و بررسی ارتباطات فردی، گروهی و حتی بین المللی دارای اهمیت فراوان است و دانشمندان این عرصه در تحلیل‌ها و نظریات خود اهمیت زیادی برای این موضوع قائل شده‌اند؛ جایی که برخی از ایشان سایر موقولات ارتباطی را از این دیدگاه مورد تأیید در دادند. در بخش آتی به بررسی موقله کمال ارتباطی در ارتباط با جهان رسانه می‌پردازیم.

**پی‌نوشت:**

- ۱. سنجین لیل جان، نظریه‌های ارتباطات، ترجمه دکتر مرتضی یوسفی، نشر جنگل ۱۳۸۳، ص ۲۳.
- ۲. در این‌جایار به معنی عام آن مد نظر است.
- ۳. سنجین لیل جان، نظریه‌های ارتباطات، پیشین، ص ۲۰۹.
- ۴. جمیر دیلیو کارد، نظریه‌های ارتباطات، ترجمه علیرضا دهان تهران، نشر دانشگاه تهران (۱۳۷۸)، ص ۹۲.
- ۵. R. K. Merton, Social Structure and Social Theory, Free Press, 1936, p. 36.
- ۶. Sigmund Freud, The Ego and the Id, The Standard Edition of the Complete Psychological Writings of Sigmund Freud, 1914, p. 23.
- ۷. این علم توسط فردراند دوسوسور و جوز پیرس از این‌جایار شناخته شده ارتباط بنیت‌گرفته‌اند.
- ۸. سنجین لیل جان، پیشین، ص ۱۶۴-۱۶۶.

**شناسان**  
گفت‌وگو با انقلاب اسلامی



**حزب توده و علایقش در فتنه‌های**  
بکوشش مرتضی‌ناصری

در این شماره برای بررسی فعالیت‌های حزب توده و خطی چرایی گرایش قشر فرهنگی به این حزب کمونیستی با جنب‌دکتر علیرضا زهیری به گفت‌وگو نشستیم. دکتر زهیری متولد سال ۱۳۲۸ است. در ۱۳۶۱ وارد حوزه علمیه شد و در دروس خارج فقه و اصول شرکت می‌کند. علاوه بر تحصیلات حوزوی، ایشان دارای دکترای علوم سیاسی و جامعه‌شناسی سیاسی از دانشگاه باقر العلوم نیز هستند. از فعالیت‌های علمی و اجرایی ایشان می‌توان به ریاست سابق مرکز اسناد انقلاب اسلامی، عضویت در هیئت علمی دانشگاه آزاد، عضویت در هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، دبیری اسبق کتاب سال حوزه و البته تدوین کتاب‌هایی از جمله عصر پهلوی به روایت اسناد و «کارگرهای نظام سیاسی دولت نبوی» و مقالات متعدد اشاره کرد.

**۱. در مورد چگونگی شکل‌گیری حزب کمونیستی و در اسان حزب توده توضیحاتی بفرمایید.**

فعالیت‌های کمونیستی در ایران پیش از شکل‌گیری حزب کمونیستی شوروی و انقلاب اکتبر روسیه، در سال ۱۹۱۷ شروع شده بود و با توجه به اینکه تعداد زیادی از مردم ایران از طریق قفقاز برای کار رفت و آمد می‌کردند، اندیشه‌های کمونیستی وارد ایران شد.

در سال ۱۳۱۰ فعالیت‌های کمونیستی در ایران ممنوع اعلام شد و سپس شش‌هالی بنی ایران و شوروی به وجود آمد که سرانجام منجر به صدور فرمان بازداشت ۵۲ نفر از فعالان کمونیستی در سال ۱۳۱۶ توسط رضاخان شد. در سال ۱۳۳۰ با انتقال ایران توسط نیروهای متفقین و تبعید رضا شاه، فضای باز سیاسی در ایران شکل گرفت و در چند دکنتر یکی از آنکه که طرز مشکوک در زندان از دنیا رفت. ۵۲ نفر دیگر که از زندان آزاد شدند و حزب توده را در شهر پارس در ماه ۱۳۲۰ در ایران تأسیس کردند، از مهم‌ترین رهبران آن

**حزبی که توده‌نشد**

مهم‌ترین دلیل این مسئله وجود شعرا و رفتار ظاهرگرایانه این حزب بود که مقبول اکثر قشرهای جامعه واقع می‌شد. وقتی به مرآه‌های حزب توده نگاه کنیم، هیچ عبارتی به عنوان ایدئولوژی مارکسیست و ضدبنی نمی‌بینیم؛ برای مثال در صویات‌کنگر آنتها که «برآمده از هم‌سخت‌نوشته شده است: «حزب توده حزب طبقات متعشک، کارگران، دهقانان، آزادی‌خواهان، روشنفکران و پیشه‌وایان است. طرفدار استقلال و تمامیت‌ارضی ایران است. علیه هرگونه ظلم و ستم، سیاست استعمار مبارزه می‌کند؛ طرفدار هرگونه کشور آزادخواه، حفظ صلح جهانی، تساوی حقوق ملی، استقرار حکومت ملی، دموکراسی و... است.»

چهره و ماهیت واقعی حزب توده مطلق بود حتی ایشان در صفحات اول یکی از نشریات خود در ماه‌مهر در مورد امام حسین (ع) و مبارزه علیه ظلم مطلب نوشته بودند که نشان از شناخت جامعه‌شناسی خوب آنها را نیز می‌بود آنها به خوبی می‌دانستند که اگر از همان ابتدا اعتقادات مارکسیستی خود را بیان کنند، از جانب مردم راند خواهند شد؛ برای مثال می‌توان به جلال علی که چندین بار می‌باید سستی و مذهبی را که به مدت دلیل درون‌مباحث سندی و مذهبی است از حزب جانش دور و کتاب «خدمت و خیانت روشنفکران» از این حزب به شدت انتقاد کرد.

حزب توده در مواضع سیاسی خود در دهه بیست و دو فرآز و تشویب می‌شود اولین مسئله مؤثرانه منفی صندق و بعد ملی شدن صنعت نفت است که حزب از سیاست‌های شوروی تبعیت می‌کند حتی اعضای حزب توده پس از بازداشت در جریان کودتای ۲۸ مرداد در بازجویی‌ها نشان



آخرین گروه و حزبی که از دور خارج شد «حزب توده» بود. مهم‌ترین دلیل این مسئله شناخت خوب و جامعه‌شناسانه آنها از جابجانه ایران بود. آنها در ابتدا کاملاً از دولت موقت اسلامی حمایت کردند و خیلی مواقع بی‌پایه‌هایی علیه چریک‌های فدایی خلق صادر کردند و رفته رفته بین مردم و حکومت اعتماد ایجاد کردند. اما پس از کشف اقدامات جاسوسی در نیروی دریایی ایران توسط نیروهای نفوذی حزب توده و ارسال اطلاعات نظامی ایران به شوروی و برپا شدن این خیانت توسط حزب، اعضای آن دستگیر و فعالیت‌هایش در ایران تعطیل و منسوخ شد.



توضیح می‌دهند که کاملاً در روند فعالیت‌های حزب، تابع سیاست‌های شوروی بودند به نوعی به عنوان شعبه پنجم شوروی فعالیت می‌کردند. در جریان بحران آذربایجان در سال ۱۳۳۴ که آذربایجان به رهبری سید جعفر پیروی اعلام خود مختاری می‌کنند شوروی مانع دخالت دولت ایران در این بحران می‌شود نمی‌گذارند حکومت توده ایران را سرنگ کنند؛ اما در همان زمان حزب نشانه‌ای از همسویی سیاست‌های حزب توده با شوروی است.

در سال ۱۳۳۴ انتشار کتاب‌ها و نشریات برای کودکان و نوجوان بود.  
۲. چرا قشقرق رنگی به این حزب تمایل داشت، حتی وقتی چهرو واقعی و راجه‌خانی مشخص شد؟  
مهم‌ترین دلیل این مسئله چودش‌شمارها و رفتار نظامی مارگرایان از حزب توده که مقبول اکثر قشرهای جامعه واقع می‌شد. وقتی به مراسم نامه حزب توده نگاه کنیم، هیچ عبارتی به عنوان ایندولوزی مارگسیست و ضدیندی نمی‌بینیم؛ برای مثال در مصوبات کنفره آنها - که مراسم نامه هر هفت - نوشته شده است: «حزب توده حزب طبقات مستعمر، کارگران، دهقانان، آزادی‌خواهان و روشنفکران و پیشه‌وران است. طرفدار استقلال و تمامیت ارضی ایران است؛ علیه هر گونه ظلم و ستم، سیاست استعماری مبارز می‌گردد. توده‌ها هرگز از شوکر آبی خواه، حفظ صلح جهانی، تساوی حقوق ملل، استقرار حکومت دمیروکراسی و است.»

اینها برای اقتصاد جامعه، رفاه کارگران و طبقه متوسط با زیره کاری هر چه تمام‌تر برآمده‌ای مشکل گرفته بود. تا کودتای ۲۸ مرداد فعالیت مخفیانه‌اش پس از کودتای این بخش از سازمان گفته شد. به دنبال آن حدود هزار نفر از اعضای حزب شناسایی و بازپرسی‌های بازداشت. در پی این حزب تعدادی از جمله میران اصلی حزب به خاک کشور فرار کردند و حزب به گونه‌ای آزاد ماندند؛ اما ملاحضه حزب توده پس از ۲۸ مرداد در داخل کشور منسوخ شد. در حقیقت از سال ۱۳۳۴ تا فعالیت‌های حزب در ایران بسیار محدود و زیرزمینی بود و از سال ۱۳۳۷ نیز پیروی از انقلاب اسلامی این حزب ملامت‌ناشدی شده بود. تنها آب یک‌ریگ‌های از قلمرو فعالیت‌شان وجود داشت. یکی از ابزارهای آنها برای دیده‌شدن، داشتن عقاید و روح مارگسیست در ایران، شبکه‌های دیوبنی مستقلی بود که در فعالیت‌ها و دیگر فعالیت‌های آنها

ایدئولوژیست و دست‌نشانده شوروی معرفی کرد. به دنبال همین کارها برخی از گروه‌ها و فراس از این حزب جدا شدند؛ حتی راجه‌خانی در آنجا آنها تالله‌پرورچری و نیز تکران وودان حزب شدند. ۴. در مورد آخرین فعالیت‌های حزب توده در ایران توضیحی بفرمایید.  
دوره اخیر فعالیت‌های حزب توده مربوط به فضای باز سیاسی سال ۱۳۵۵ به بعد است که ناشی از دکترین حقوق بشر کارتر و آزادسازی زندانیان سیاسی بود. به دنبال این اقدامات همه گروه‌های سیاسی شروع به کار کردند و همه آنها یک هدف مشترک، یعنی براندازی حکومت محمدرضا شاه را در سر داشتند.

به تدریج انقلاب اسلامی کلی گرفت و پس از پیروزی انقلاب و تشکیل دولت موقت، فعالیت و موازی می‌گردد. توده‌ها هرگز از شوکر آبی خواه، حفظ صلح جهانی، تساوی حقوق ملل، استقرار حکومت دمیروکراسی و است.»  
آنها برای اقتصاد جامعه، رفاه کارگران و طبقه متوسط با زیره کاری هر چه تمام‌تر برآمده‌ای مشکل گرفته بود. تا کودتای ۲۸ مرداد فعالیت مخفیانه‌اش پس از کودتای این بخش از سازمان گفته شد. به دنبال آن حدود هزار نفر از اعضای حزب شناسایی و بازپرسی‌های بازداشت. در پی این حزب تعدادی از جمله میران اصلی حزب به خاک کشور فرار کردند و حزب به گونه‌ای آزاد ماندند؛ اما ملاحضه حزب توده پس از ۲۸ مرداد در داخل کشور منسوخ شد. در حقیقت از سال ۱۳۳۴ تا فعالیت‌های حزب در ایران بسیار محدود و زیرزمینی بود و از سال ۱۳۳۷ نیز پیروی از انقلاب اسلامی این حزب ملامت‌ناشدی شده بود. تنها آب یک‌ریگ‌های از قلمرو فعالیت‌شان وجود داشت. یکی از ابزارهای آنها برای دیده‌شدن، داشتن عقاید و روح مارگسیست در ایران، شبکه‌های دیوبنی مستقلی بود که در فعالیت‌ها و دیگر فعالیت‌های آنها

## تاریخچه فراماسونری در ایران

کاو مخدوی



قمت فراماسونری در ایران به کمتر از ۱۵۰ سال می‌رسد؛ اما خود این مکتب قدمت بیشتری دارد و تاریخچه آن به اواخر قرن شانزدهم در اروپا می‌رسد. فراماسونری در ایران همواره با نظرات و جهت‌گیری‌های مختلفی روبه‌رو بوده است. به دلیل ماهیت مخفی فراماسونری و عدم یاددهای رسمی از طرف این انجمن، دادن نظر به قطعی درباره آن بسیار سخت است. مطلب حاضر سعی در ترسیم تاریخچه مختصری از فراماسونری در ایران دارد.

بنابر تعریف دانشنامه سیاسی، فراماسونری جمع کانون‌های برادری گسترده‌ای در ایستگاه‌های بازرشاهای بسیار گیتی در اروپای غربی دارند. فراماسونری دارای یک سیستم مدیریت فراگیر جهانی است و از اتحای میان فراماسونری‌های گوناگون خود لو تداوم می‌شود. فراماسونری احتمالاً به معنی معمار آزاد است. کسی که عضو فراماسونری است اما من ماسون نباشد، یا ساخته‌ای که مرکز فعالیت آنهاست از ایمیه می‌شود.

فراماسونری در ایران از ابتدای سده بیستم میلادی به شکل فعالیت‌های گوناگون در دوران پس از اصلاحات در اروپا بدو است. فراماسون‌ها شعار «برابری، مساوات، برادری» نقش پررنگی در انقلاب‌های بزرگ معاصر مانند انقلاب آمریکا علیه استعمار انگلیس، انقلاب کبیر فرانسه، انقلاب مشروطیت ایران و جنبش انقلابی بر ضد استعمار آسیایا در امریکای جنوبی داشته‌است. عقاید لبرال جنبش فراماسونری باعث واکنش‌های مذهبی و محافظه کاران، گروه‌های بنیادگرا، مذهبین بنیادگرا و ملی‌گرایان شده‌است. مکتب مختلف نظام طبقاتی کشیشی مسیحیت، باعث دشمنی کلیسای کاتولیک روم با فراماسونری شده‌است. این گروه‌های فراماسونری، جنبش‌های اجتماعی و شیاطینی معرفی می‌کنند. همچنین اعتقاد بر این‌ها به داشتن مبدلیمان باعث نفرت گروه‌های ضد یهود از فراماسونری شده‌است. حالت مخفی این جنبش و مشارکت‌های بی‌باخت باعث شده‌است چنین بنیادناشته شود که این جنبش ابراز توطئه انگلی- صیونیست است. همچنین رژیم‌های دکتاتوری مانند ایران و عراق که گروه‌های کمونیستی نیز به سرگوب فراماسونری می‌پردازند. اولین اتحاد فراماسونری در ایران در حدود سال‌های ۱۷۵۰ و ۱۷۶۰ هجری قمری توسط میرزا ملکم خان ناظم‌الوله از چدهای سرشناس دودفاجار در تهران به‌انگاری یک شوکله فراموشخانه به جای فراماسونری انتخاب شد. اولین رییس اتحاد فراماسونری در ایران ناصرالدین شاه بود که به تاسوق شد و میرزا آقاخان از معافان فراماسونری، اجازه تأسیس آن فراماسونری به شرطی که مخالف صلاح‌های و مملکت نباشد



داد. بعدها افراد مختلفی به عضویت در این سازمان درآمدند که دارای طیف وسیعی از اقدار مختلف جامعه بودند. محصلین مدرسه دارالفنون، افراد طبقه متوسط و شاهزادگان قاجار، مانند شاهزاده جلال‌الدین میرزا و همچنین سید صادق طباطبائی روحانی و روشنفکر که بعدها طریقه‌های جدید مسیحی‌طایبی از رهبران مشروطه بود از جمله آنها بودند. یکی دیگر از اعضای مهم فراماسونری سید جلال‌الدین اسدآبادی بود که با اسامی مختلف در بیش از ده ژ فراماسونری در ایران، مصر و اروپا عضو بود و فعالیت داشت.

بعدا بر کار می‌آید میرزا آقاخان ناصرالدین شاه نسبت به این انجمن بدین شد و ادامه فعالیت آن را با منافع سلطنت منطبق دانست و دستور تعطیلی آن را داد. همچنین میرزا ملکم خان بار عراق تبعید کرد.

فراماسونری در زمان رضا شاه پهلوی به دلیل ماهیت و شخصیت مستند، رضا شاه بار کودک روبرو شد. شاه که داعیه مبارزه با انگلیس را داشت، فراماسونری را زاده فرهنگ انگلیسی می‌دانست و با آن برخورد می‌کرد. پس از سقوط رضاشاه و به روی او کار آمدن محمدرضا شاه پهلوی روابط با غرب و کشورهای غربی مخصوصاً انگلیس افزایش یافت و به تبع آن لژهای فراماسونری در فرایند تأسیس شد. شاه از جمله این لژهای می‌توان به لژهای روشانی شیراز، لژ بیداری ایران، لژ همایون، لژ خاموش مولوی، لژ کوروش، لژ تهران، لژ ستاره سحر و لژ بزرگ ایران اشاره کرد. با اینکه هیچ کدام از اعضای شاخص خاندان پهلوی به عضویت رسمی هیچ کدام از لژهای فراماسونری در نیامند ولی بسیاری از رجال سیاسی، نخست‌وزیران، وزیران، نمایندگان مجلسین و فعالان سیاسی از فراماسون‌ها سرشناس بودند. یکی از اشخاص و چهره‌های معروف دشمنی فراماسونری در ایران از دست برون دشمنی فراماسونری شده‌است. این گروه‌های فراماسونری، جنبش‌های اجتماعی و شیاطینی معرفی می‌کنند.

همان‌طور که گفته شد ماهیت مخفی فراماسونری باعث شد تا اظهار نظر در مورد آنها با بدبینی و پارهای افسانه‌ها همراه باشد. آنچه که معلوم است پس از انقلاب اسلامی ایران آنها مسئول بسیاری از توطئه‌ها علیه ایران شناخته شده‌اند.

همان‌طور که گفته شد ماهیت مخفی فراماسونری باعث شد تا اظهار نظر در مورد آنها با بدبینی و پارهای افسانه‌ها همراه باشد. آنچه که معلوم است پس از انقلاب اسلامی ایران آنها مسئول بسیاری از توطئه‌ها علیه ایران شناخته شده‌اند.





# احترام

نگه‌ای در تربیت فرزندان

علی‌صادق سرشت

رسول خدا ﷺ: «گرموا اولادکم و احسنوا اولادکم»؛ به فرزندان خود احترام بگذارید و آنها را نیکو تربیت کنید.<sup>۱</sup>

بخششی از پایه‌های اخلاقی در کودکی، بین سن سه تا شش سالگی شکل می‌گیرد. در این بین یکی از نکته‌های مهم در تربیت اخلاقی کودکان، توجه به اصل «احترام» است. احترام برای شکل‌گیری روحیه «احترام به خود» و «احترام به دیگران» در فرزندان، توجه به برخی از مصادیق احترام در سه تا شش سالگی لازم است:

**• در حضور دیگران:** زمانی که در جمع دوستان خود، به اتفاق فرزندان حاضر می‌شوید، اگر کودک شما با آنها آشنا نیست، او را به آنها با جملاتی که حاکی از مهر شما به فرزندان است معرفی کنید؛ مانند بگویید «آقای احمدی، این حسین آقای گل ماست». با این کار او سنگینی معرفی شدن را حس خواهد کرد. این سنگینی حداقل از دو جهت مفید است: اول اینکه فرزند شما به صورت عملی درمی‌یابد که آن قدر اهمیت دارد که شما او را به عنوان فردی مستقل و قابل احترام نزد دیگران یاد می‌کنید. دوم اینکه زمینه مقابله با کمرویی در کودکی از همان سال‌های نخست زندگی فراهم می‌شود. او در نوجوانی کمتر سگسختی قرار گرفتن در جمع دیگران را حس می‌کند و احتمال منزوی شدن در او کاهش می‌یابد.

**• در حضور اولاد:** زمانی که کودک با شما سخن

می‌گوید، به او نگاه کنید و به وجه و چه حرف او را قطع نکنید. برخی والدین عادت کرده‌اند که تنها با گوش‌های خود به فرزندشان گوش فرا دهند و هم‌زمان مشغول انجام کارهای دیگر شوند؛ برای مثال مادر در حال آشپزی و نگاه کردن به ظرف غذاست و به فرزند خردسالش می‌گوید «گوشه تا پوست عزیزم، ادامه بده». در صورتی که باید در کنار گوش‌ها، با چشم‌ها نیز توجه کرد و با حالات عاطفی گوناگون کودک همراهی کرد تا در او این حس قوت بگیرد که دیگران به من احترام می‌گذارند. این احترام حس مثبتی از شخصیت‌ها را در او شکل می‌دهد.

**• در حضور والدین:** هنگامی که پدر و مادر با یکدیگر سخن می‌گویند و فرزند بین سخنانشان می‌پرد، تحت هیچ شرایطی نباید به او توجه کرد. اگر والدین به او پاسخ دهند، در کودک عادت رفتاری برپا می‌شود که سخن دیگران شکل می‌گیرد. در برخی موارد حتی تا بزرگسالی این حالت در افراد دیده می‌شود. از سوی دیگر در معمول کودکان این حس شکل می‌گیرد که من می‌توانم سخن والدین را قطع کنم و در روان او ممکن است این شناخت شکل بگیرد که رابطه والدین مستحکم نیست. همین روحیه زمینه‌ساز درستی بر هر یک از والدین را در بزرگسالی فراهم می‌کند.

**• در حرم خصوصی:** او زمانی که وارد اتاق کودک می‌شود، در بنزدیکی آن رفتار در مقام عمل به او می‌آموزد که وقتی می‌خواهد به حرم اتاق شما

وارد شود باید در بنزدیکته پنهان این رفتار احترام گذاشتن به حرم دیگران و محترم شمرده شدن حرم کودک از سوی والدین است.

**• عقابیت کار:** در این سن لازم است کودک را تا حد امکان با عقابیت اشتیاق‌هاش آشنا ساخت. باید به او بگویند که صرفاً با یک «ببخشید» نمی‌شود همه چیز را حل کرد؛ مثلاً وقتی کودک بازی کوفتی سر دوست خود را می‌شکند، معمول والدین شروع به شهادت فرزند خود می‌کنند و از او می‌خواهند که در حضور دوست گریان خود او معذرت‌ر مقام عمل می‌آموزد که اگر معذرت‌خواهی در مقام عمل به او می‌آموزد که اگر هم اشتباه کردی، چاره‌اش یک کردن کج است.

**پی‌نوشت:**  
۱. فلسفی، محمدعلی، الحقیقه (روایت تربیتی)، ج ۱، ص ۴۳.

۱۳۸۵/۲۰۱۹

# ادب

مردیه‌ی عیوضی

رادیوی بخشی از تاریخ شفاهی مردمان این دیار است. رادیو برای نسل‌های پیاپی من گذاشته بسیار خاطره‌انگیز است. بر سر هر گوی و گزری از ذکر عباتی همچون «صبح جمعه با شما» یا «قصه ظهر جمعه» نگاه‌ها را به خود خیره می‌سازد؛ چرا که این کلمات خاطره‌ای برای همه است. رادیو در ایران فراز و نشیب‌های بسیاری را به خود دیده است. رادیو قریب به هشت دهه مسیر تاریخ را یک نفس پیموده است و در این میان توانسته هم در ذهن ایرانیان خاطره‌ای خوش بنگار در وهم بر فرهنگ ایشان مسأله‌ی چندبه یادگار بگذارد.

ام‌ا‌رادیو چگونه به ایران آمد و این چنین همه گیر شد؟ سال ۱۳۰۱ و دو سال بعد در مقاله‌ی هم‌نام «هفت بی‌سیم» می‌بینیم؛ رادیو در مطبوعات معرفی شد. اندک زمانی که سوادگشتند و خواندن می‌دانستند آن را خواندند و کم‌کم این موضوع در میان مردم شایع شد که بسیاری به اختراع سیده است که نمای گوینده‌ی رادیو بودند و با فاصله بسیار زیاد منتقل می‌نماید. فعالیت رادیو در ایران با افتتاح نخستین فرستنده‌های بی‌سیم در تهران آغاز شد. نخستین فرستنده بی‌سیم هم بلند تهران با قدرت ۲۰ کیلووات و طول دکل ۱۴۰ متر، در ساعت سه بعدازظهر روز ششم اردیبهشت ماه سال ۱۳۰۵ شروع به کار کرد. یک سال پیش از تأسیس این فرستنده، مدرسه بی‌سیم قشون کل در وزارت جنگ، برای تعلیم نیروی انسانی مورد نیاز و تجهیز ایستگاه گشوده شده بود. با گسترش فعالیت‌ها و فراهم آمدن مقدمات ایجاد فرستنده‌های موج کوتاه، گروهی از کارکنان کل این ایستگاه بی‌سیم نیز برای آموزش‌های تخصصی به فرانسه فرستند و از نزدیک با قدرت و ویژگی‌های رادیو آشنا شدند.

فعالیت جدی رادیو در ایران به یک سال پیش از حمله متفقین، یعنی سال ۱۳۱۹ بر می‌گردد که رادیو ایران رسماً افتتاح شد. چهارده روز بعد از این انتشارات و تبلیغات نامیده شدند. گزیدیم که مرکز فرستنده رادیوها عبارت کلاسه فرنگی بود. در آن زمان این محل به نام «بی‌سیم» معروف بود. دوچه رادیو در سال افتتاح آن تنها هشتاد هزار تومان بود. مکان و اداره آن روزها در آستان ۱۳۲۲ که کل تشکیلات رادیو به وزارت اطلاعات منتقل شد. بر همین منوال بود. همچنین تا ایجاد «سازمان رادیو-تلویزیون» در سال ۱۳۵۰ ادامه داشت. اداره و تشکیلات رادیو به این نام‌ها خوانده می‌شد: «انتشارات و تبلیغات»، «رادیو خبر گزاری»، «انتشارات رادیو»، «انتشارات و اطلاعات» و «داره کل انتشارات رادیو».

در زمان تأسیس رادیو برق تهران ششانه‌ی روزی بود. از این رو برنامه‌های رادیو هم محدود به ساعات معینی می‌شد. بدین ترتیب رادیو ایران که در اردیبهشت ۱۳۱۹ افتتاح شده بود در فقط دو برنامه داشت. بخش اول از ساعت ۱۲ تا ۱۳:۳۰ و بخش دوم از ساعت ۱۸ تا ۲۲:۳۰. در بخش اول و دوم هر روز چهار گفتار خوانده می‌شد که هر گفتار به مدت پنج دقیقه بود. سپس چند صفحه موسیقی بخشی می‌شد.

رادیویس از پیروزی انقلاب بسیار چشم‌گیر بوده است. به گونه‌ای که در پایان سال ۱۳۶۶ تعداد شبکه‌های فعال رادیویس از انقلاب بسیار چشم‌گیر بوده است. به گونه‌ای که در پایان سال ۱۳۶۶ تعداد شبکه‌های فعال رادیویس در معاونت صدا به هفت شبکه افزایش یافت و هم اکنون ۱۷ شبکه رادیویس در کشور موجود است.





## مثبت در منفی = مثبت!

محمدحسینی

«لَا تَسْتَوِي الْخَسَنَةُ وَلَا الْأَسْفَلُ فَأَدْفَعْ أَهْلَهُ بِأَهْلِهِ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ» و نیکو با بدی یکسان نیست! ابدی را به بهترین شیوه (و که خیر و نیکو است) دفع کن! نگاه مهربان خواهد شد.<sup>۱</sup>

قاعدۀ و تکنیک به کار رفته در زندگی مشترک برخی از خانواده‌های است که منفی را باید با منفی پاسخ داد؛ این معما که اگر همسر شان با آنها رفتار ناشایستی انجام دهد، به سرعت با رفتاری نادرست به او پاسخ می‌دهند. پس قول معروف «موشک جواب موشک!» نتیجه چنین رویکردی در روز و زوج به یک فرایند تازی از زنجیر رفتارهای ترسناک است که هر چه جلوتر می‌رود اوضاع آبروی تر و ناراحت کننده‌تر می‌شود؛ تا جایی که دیگر زندگی سرشار از منفی می‌شود.

در زندگی دینی قاعدۀ حاکم به گونه‌ای دیگر است؛ تکنیک اسلامی و مورد مطالعه دین، فرهنگ «مثبت در منفی» است که نتیجه آن می‌شود مثبت؛ البته به شرط صبر و برداری و همت در انجام مثبت‌آری. کار سخت است اما نتیجه بسیار شیرین است.

پایخ توین با برخوردی مترجمانه، پاسخ تندی بازمی‌پاسد؛ بی‌توجهی با بی‌توجهی مهربانانه، به همه و همه از مصادیق پاسخ بدی با نیکو است. راهکارهای کلیدی‌های ورود به تکنیک «مثبت در منفی» هستند؛ البته برای خانواده‌هایی هم که مشکلاتی بین آنها نیست؛ این روش می‌توان زمینه اولیه تفاهم برای رفع و حل مشکلات احتمالی در آینده را به دست آورد.

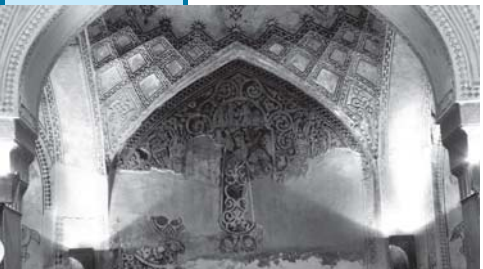
● رفتارهای سنجیده‌ساده و مستور و تلاش اندک را که بهره‌ای نمی‌توانند جز رونق‌های روزانه در بیانیته، فهرست کنید. توجّه داشته باشید که این رفتارها باید دید چشم‌تان هم مثبت باشند. تا در این موارد آسان‌تر شروع کنید؛ هر روز یک تا دو رفتار.

● در مقابل رفتار منفی همسران، یک کار مثبت



## میراث ما

نگاهی کنده‌بیراث‌فرهنگی در ایران  
علی قان‌بیلی



زمان حال لحظه‌ای است میان گذشته و آینده. موقعیت زمانی ما ایرانیان مسلمان نیز گذشته‌ای تاریخی دارد و چشم‌اندازهای برای آینده، گذشته‌های پر فراز و نشیب با تلخی‌ها و شیرینی‌های مختص به خود؛ روزگار آن کهن در ایران باستان، ورود دین مبین اسلام، دور‌دورهای مختلف جامعه‌ی فرهنگی، اجتماعی، امروزی، ما ستم‌برانجامه‌ای داریم که گذشته‌های ما، بودند. آثار فرهنگ و میراث هنری بر جامانده‌ها از هنر و تاریخ ما، به فراخور وضعیت فرهنگی و تمدنی بر فرهنگ عمومی یا فرهنگی مادی ما می‌ثرت‌آورد.

زبان فارسی بی‌شک و امان‌زبانم‌آری چون سده‌ی مولوی، حافظ، فردوسی و دیگر استوانه‌های فرهنگی این کشور است. زبان فارسی گنجی بر پیاست که بسیاری از کشورها در حسرت تملک بخشی از آن هستند. همچنین دیگر آثاری که نشان از هوش و ذکاوت و دانایی مردم این سرزمین در جوران قبل و بعد از اسلام دارند، نمایان‌های فرهنگی اند که هر کدام نشانگر سبک زندگی و نوع نگاه آن مردمان در دوره زندگی خود هستند.

میراث فرهنگی، چه مادی و چه معنوی پایه‌های اصلی هویت یک جامعه را تشکیل می‌دهد که حفظ نگهداری و ارزش نهادن به آنان ارزش نهادن به ریشه‌اصولی هویت جامعه است. موزه‌ها و ساختمان‌های باستانی و قدیمی از باز مورد توجه بشر بوده‌اند. برای ملیت‌های مختلف ارزش ویژه‌ای داشته‌اند. ایران عزیز از تمدن‌های کهن کره زمین و کنجگاهی با ارزش از تاریخ زندگی انسان بر کره‌ای خاکی است.

در نگاهی اجمالی به مجموعه آثار فرهنگی باقی مانده از گذشته‌گان در تمدن‌های گوناگون بشری، دین، سهم به‌سزا و شوگرگری دارد؛ البته اینها و تم مذهبی قدیمی طولانی و به‌درازی تاریخ زندگی بشر بر که خاکی دارند و کتاب‌مکتوب زینت بخش موزه‌ها از کتب مذهبی و دست‌نوشته‌های مربوط به کتب مقدس و تعالیم دینی است. حفظ نگهداری از هر کدام این آثار و واجبات تبلیغ و ترویج معنای دینی محسوب می‌شود. از سوی دیگر بسیاری از بقاع

میراث فرهنگی در ایران

با توجه به قدمت و گستره وسیعی که این آثار فرهنگی در ایران دارند و در مقایسه با دیگر کشورهای جهان در کشور عزیزمان ایران اهمیت میراث فرهنگی چنان‌که باید مورد توجه قرار نگرفته است، چه بسا فراوانی این مفاخر و آثار باشکوه معنوی و مادی یکی از عوامل این غفلت باشد. در برخی کشورها جزئی‌ترین لوازم شخصی یک هنرمند یا نویسندۀ روزشکار که اختفاری برای آن کشور به ارمان آورده در موزه‌ها نگهداری می‌شود.

منتر که وزیر نگاه‌های ائمه اطهار و امامزادگان <sup>علیهم‌السلام</sup> نیز در شمار میراث فرهنگی قرار می‌گیرند که ارزش مادی نیز بر بعد معنوی آن اماکن می‌افزاید؛ بنابراین حفظ و نگهداری آنها همتی خودمان می‌طلبد.

در ایستگاه سوره عنکبوت آمده: «قل سیروا فی الارض فانظروا کیف بدل الخلق ثم الله ینشی النشأه الاخران الله علی کل شیء قدیر؛ ای رسول ما به مردم بگو که در زمین سرینت کنند ببینند چاکچونه خلق ایجاد کرد پس نشأه‌اخرت را به وجود آورد که همانا خالوند بر چیزی نواست.» در این ایه و نظار دیگران به مؤمنین امر شده‌است که در آثار گذشته‌گان وقت کنند و در عاقبت آنان عبرت بگیرند توجه به آثار باقی مانده از تمدن‌ها و جوامع گذشته که استحکام و قدرت داشته‌اند؛ اکنون غیر از مقدری بنا و ابراز چیزی از آن‌ها باقی نمانده‌است؛ اهل نظر درس آموز عبرت‌انگیز است.

با توجه به قدمت و گستره وسیعی که این آثار فرهنگی در ایران دارند و در مقایسه با دیگر کشورهای جهان در کشور عزیزمان ایران اهمیت میراث فرهنگی چنان‌که باید مورد توجه قرار نگرفته است؛ چه بسا فراوانی این مفاخر و آثار باشکوه معنوی و مادی یکی از عوامل این غفلت باشد؛ در برخی کشورها جزئی‌ترین لوازم شخصی یک هنرمند یا نویسندۀ روزشکار که اختفاری برای آن کشور به ارمان آورده در موزه‌ها نگهداری می‌شود؛ ولی متأسفانه در برخی موارد دیده شده این میزان توجه در کشور ما لحاظ نمی‌شود که

همت و متوسل‌ان و عموم هموطنان عزیز ما می‌طلبد. میراث فرهنگی امروزه بیش از پیش نیازمند توجه به زمانه‌هاست. فرهنگ است که با نگاه‌های جامع به معضلات فرهنگی موجود از این جنبه‌گران به استفاده لازم صورت گیرد؛ این کار باعث غنای بیش از پیش فرهنگ داخلی و همچنین موجب شناخت بیشتر مردم جهان از فرهنگ چند هزار ساله ایرانی می‌شود؛ فرهنگی که همواره به شهادت آثار موجود تاریخی بر صورت صلح و دوستی زیست کرده اقوام گوناگون را در خود جای داده و در برهه‌های مختلف تاریخی برای کره‌ی مظلومان بوده‌است. فرهنگی که با حضور دین مبین اسلام به اوج شکوفایی خود رسید و در عرصه‌های مختلف علم، دانش، ادب، هنر و فرهنگ‌های رفیع کرد؛ آگاهی و توجه به این مسئله هم برای مردمان این سرزمین به ویژه نسل‌های جدید و آینده‌و هم برای دیگر مردمان جهان از امری است؛ چرا که ما همگی بلند در مقابل خود داریم که همان سعادت جویان بشر است و برای رسیدن به این آرمان باید از گذشته درس بگیریم.

پیکر تاریخی سلطان محمود گورن در استان سیستان و بلوچستان، ۱۳۹۶

## معرفی شاعر اشعار حکیمانه

کندی بر زندگی و اشعار علامه شیخ محمدحسین غروی قاضی حمید شهیدی



اشاره:  
صفا المغان شاعر و ان بار به فقهه و ارسته، عارف و اهل علم و عربی یوزک افغای بهاصور، حضرت آیت الله شیخ محمدحسین غروی اصفهانی (کمپانی) را تخصص داده ام. شاعری بزرگ و وزیر دست که آواز شعر او جهان اسلام و تشیع را فرا گرفته است و شاعر و آیات ناب و در محافل مدح و منتهی الله است. زبان های عربی فارسی و نقل مجالس است.

**تولد و کودکی**  
در دوم محرم الحرام ۱۲۶۶ هجری قمری در خانواده قاضی اصیل در کاشمین به عرصه وجود خاست. خاندان پدر و اسدالجناب و پازر کاتبان مؤمن و متدین بودند. جد پدری تجمی و «نجخوان» به اصطلاح مهاجرت در این بود و ازین جهت حاج شیخ محمدحسین، اصنافی است. پدر آیت الله اصفهانی، نام پدر و خوشنامی به نام حاج محمدحسین بود که چون کمپانی راهان کاشمین به بغداد راه یافتگی کرد به «کمپانی» معروف بود. از این رو آیت الله محمدحسین اصفهانی به «کمپانی» نیز مشهور گردیده و دیوان او نیز با همین نام مشهور شده است. آن مرحوم از باره ن کلام کمپانی در معرفی خود چندان ارضی نبود. وقتی حاج شیخ محمدحسین برای تحصیلات به نجف رفت به «غروی» هم مشهور شد.

### تولد کندی در نجف

ایشان در جوانی اثری توهمند و متکمن پرورش برداشتند. پدرش بنابر گزارش که بهمداهای تجار کاشمین شدیدی را به تحصیل علوم دینی تشویق

کرد. او نیز با هوش و استعدادش که از وی نایمانی ساخته بود پای در مسیر مقدس تحصیل معارف الهی گذارذ پدرش حاج محمدحسین، میراث هنگفتی برایش به ارث گذاشته بود و وی نیز این ارث فراوان را برای تحصیل خود دیگر طالب، سخاوتمندانه صرف کرد. از همان کودکی به ادبیات و شعر عرب و ادبیات و شعر فارسی علاقه بسیار داشت. در کودکی و نوجوانی خط می نوشت و در بین دوستان و همگان خود به خط خوش و جمیل مشهور شد. تحصیلات مقدماتی و سطح را در کاشمین به اتمام رساند و در بیست و سالگی (۱۲۸۶ هجری قمری) به نجف مهاجرت کرد.

در نجف در درس آیت الله آخوند خراسانی حاضر شد و سیزده سال تمام از ستارگان درخشان مکتب علمی اصفهانی (کمپانی) که کتاب «گفایه الاصول» به تحریر و تلاش و زحمات آیت الله غروی اصفهانی، چنین قوی و مستحکم درآمده است. فقه را در محضر علامه محقق سید محمد اصفهانی آموخت. اشعار دیگر وی آیت الله حاج آقا رضا همدانی و آیت الله فتح احمد شیرازی (نامتاس) بودند. دو دوست سلیس و رفیق شفیق او در همه این دوران جامع مرحوم آیت الله حسین جواد آقاقلی میرزا آیت الله آیت الله حاج شیخ محمدنابین بودند.

### استاد قیپهان و مریمی عارفان

در رحلت آخوند خراسانی در سال ۱۳۲۶ هجری قمری درس و بحث خود را رسماً آغاز کرد و چندین بار دوره های علم و فقه را تدریس کرد. وی در این باره گفته است: «تمام علم و توانی که آخرین دوره اموال او پانزده سال طول کشید. در کنار تدریس وی از تربیت اخلاقی و عرفانی شاگردانش کوتاهی نمی کرد. به همین دلیل مکتب درس و بحث او سرشار از فضایی برجسته شد که هر کدام ستارگان سپهر علم و اندیشه شدند: بزراگانی چون آیت عظام حضرت آقایان پورجوهری، حجت کومر، سیدهای میلانی، سیدالقیاس سیدی سید عبدالله اعلی سبزواری، علامه سید محمدحسین طباطبائی و آیت الله بهجت، کتاب علمی و عرفانی خود را اتمدوسون وی می دادند. علامه طباطبائی وی را قویه پارسا، حکیم خاندانستان، مدیر آستان

پژوهش، سالک و مرزبان ملک معرفتی می کند. آیت الله شیخ محمدحسرا مطلق با حسرت و افسوس بسیار در رحلت استانش، وی را چنین می ستاید:  
«در فلسفه حکیمی عرفان مشرب بود، در اخلاقی مخزن اسرار بود، در تخلیه و تخلیه و سیر سلوک به مقام مشهور رسیده بود، فقه و اصول امام و حجت بود، در ادبیات فارسی و عربی استاد بود. پادروز کارنگر، تامادر، دگر نظیر او در ایندیاورد.

پژوهش، سالک و مرزبان ملک معرفتی می کند. آیت الله شیخ محمدحسرا مطلق با حسرت و افسوس بسیار در رحلت استانش، وی را چنین می ستاید:  
«در فلسفه حکیمی عرفان مشرب بود، در اخلاقی مخزن اسرار بود، در تخلیه و تخلیه و سیر سلوک به مقام مشهور رسیده بود، فقه و اصول امام و حجت بود، در ادبیات فارسی و عربی استاد بود. پادروز کارنگر، تامادر، دگر نظیر او در ایندیاورد.

محققی گرم و معاشرتی دور را از تکلف داشت. در عین حال که حشمت زهد و قادر علم همچون هاله های آشکوهند وجود عجزش را احاطه کرده بود، با این همه حسن معاشرت و لطف مشرب او هموار هیبن او مردم برقرار بود. او حتی برای کودکان هم فروتن بود و تواضع خود را تلاش او برای عبادت هر چه گفته شود کم، کم منظم و او در عربی قوی و مستحکم آتشاه شده و مسلماً از بدایع اثاب عری است (دیوان فارسی او مشحون از بدایع علمت و غزل های عرفانی است و میروز شعر او انبانی ایران در برابر خود میپهرت می رود».

### شرب و زود هنگام

سرانجام تندیس علم و معرفت و عرفان و آیت سلوک و کندی و تواضع و نمونه و لطیف و صوفی و روان رسا، در روز دوشنبه پنجشنبه ای الحجه ۱۳۶۱ هجری قمری به هنگام سیدهد و در سن ۶۵ سالگی در غروب زود هنگام به بار قرار کرد. در روز جوار تاباک حضرت موفی محمدن آرم کرد؛ فرستاد: «الله علیه و اسکنه فی جانه».

### اشیوان مفقود

دیوان شعری و ترجمان روشن آیت انوار و کوهزاری گران معصومین، انجمن استاد است. بوستان سراسر معطر، سرشار از نکات حکمی، عرفانی و اخلاقی و تجلی درخشان معصومین، متر و عترت است. در کنار این محتوای عمیق و آسمانی آریه های خود منظمی از ارمات العلیق، انوار جناس، تشبیهی تلخیص تقصیم، و... فراوان به چشم می آید که اگر

در سبک عراقی و سبک خراسانی به رشته نظم درآمده است. غروی اصفهانی خود را در این اشعار «مفتقر» معرفی می کند و معاشرش را به او از این اشعار اصلاحات و تربیت حکمی، فلسفی، عرفانی و مستمط، مستزاد، ترجیح بند، ترکیب بند، قلمه، رباعی، دوبیتی، سبدهای گل و ربیجان منثوی را تقدیم دوستداران ادب و عرفان می سازد. برخی از اشعار از اینگونه در مجالس و محافل مذهبی و مدح و عقبت اهل بیت (علیهم السلام) و نیز محافل علماء و مراجع و اهل علم طراز و در رایج است. به تناسب ماه رجب گشت و گذاری در این بوستان می کنیم:

### صبح سعادت میدید (به مناسبت عید)

صبح سعادت میدید، باد صبحی بخیر صومعه بر یاد رفت نام و بیفنا دیر یار عیبت است و نیست نام و نشانی از غیر دم میدزد از مسخ عذر خواه از غیر خواجه عالم نهان داغ رسالت به سر عرصه گیتی گرفت بر قدمش زیب و فرو روز عایت سبزه میدانی فیضی وجود پای به نهایت رسید قفس زول و صمود یا که به نهایت رسید خدای دل وجود سز و لایبت رسید به منتهای شهود خواجه عالم نهان داغ رسالت به سر عرصه گیتی گرفت بر قدمش زیب و فرو سکه شانشینی به نام خاتم زدند رایت ماندند به سر عرصه طریقت زدند بانگ رسول الهی در همه عالم زدند به گوش آریه ساری، ساز دلداز زدند خواجه عالم نهان داغ رسالت به سر عرصه گیتی گرفت بر قدمش زیب و فرو

### دردولات امیر المومنین

گوهری شد از درون کیمیه بیرون از صف کرد بیات الهی را آن شرف بیست الفرف کسری معجز پهلار خشن را در بیت الحرام کسری تازی تازی آن کرد کمتر از خرف کیمه شد از مقدم اولیاد عقاب قدم شامشباران طرقت در کنارش صف به صف سینه معصومین را در چاک چاک آگ آشنید از آفتش موسی ندای لاتخاف

کیمه راشد همسری را به تربت خاک غری میداند، کیمه بود و منتهی اندر نجف آسمان زد بانگ ششاهی در محیط کن فکان زهره ساز نعمه تری کند ز چنگ و دف هسر دو کیتی را به شادای کرد قفسوس برین نغمه روح الامین با یک جهان شوق و شمع گوش جان بگشاید و بشنود از یک درگار لافتی الا علی لافتی الامین

### زندانیان عشق چو شب راحر کند

در سخاوت حضرت موسی بن جعفر  
زندانیان عشق چو شب راحر کند  
از سوز شمع و انگ روانش خیر کند  
مانند غنچه سر به گریبان در آوردند  
شور نوای لیل برونیده سر به گریبان

### دلبر اگر بنوازی به نگاهش مارا

از اسنان سوزان از اسنان زمان  
دلبر اگر بنوازی به نگاهش مارا  
خوشتر است از بهی صفت صاحب مارا  
به من سر و پا و چشمه چشمی بنما  
که محال است جز این گوشه بیانی مارا  
پدر دل تیرام ای چشمه خوشبختی تاب  
نمود بدلت از این روز سیمای مارا  
از بود پختن از دل ما مخرج محبت کشند  
نمود پختن از دل ما مخرج سیمای مارا  
گرچه پیش که خاطر طامی دوریم  
هم مگر یاد کنه لطف تو کاغی مارا  
ما به معشوق که بخواه است کن سر ما دل  
عباس است از نبرد دوستی به کاغی مارا  
نه دل آشفته و نه دروغه بیست از ما مت  
نه جز آن خاطر جموع، جو غم تنب  
مفتقر را به هم معمره به خشن توند  
بدای بی خرابات تو رامی مارا

### بی نوشتی

آیندوای بخت، از غری میگویند: «بودی، من زمین سید و نوری، با سنان با سنان، معصومین، کیمیه بودی»  
۱. شرح زندگانی غروی اصفهانی، ترجمه دیوان سیمایی به قلم محمدحسین آشتیانی، انتشارات آفاق کاشمین  
۲. کلمات مرثیه و دیوان علامه شیخ محمدحسین اصفهانی، ترجمه محمدحسین آشتیانی، انتشارات آفاق کاشمین  
۳. کلمات مرثیه و دیوان علامه شیخ محمدحسین اصفهانی، ترجمه محمدحسین آشتیانی، انتشارات آفاق کاشمین  
۴. کلمات مرثیه و دیوان علامه شیخ محمدحسین اصفهانی، ترجمه محمدحسین آشتیانی، انتشارات آفاق کاشمین  
۵. کلمات مرثیه و دیوان علامه شیخ محمدحسین اصفهانی، ترجمه محمدحسین آشتیانی، انتشارات آفاق کاشمین

### برای اطلاع بیشتر به منابع زیر مراجعه کنید:

۱. دیوان مرحوم حاج شیخ محمدحسین غروی اصفهانی، ترجمه محمدحسین آشتیانی، انتشارات آفاق کاشمین  
۲. کلمات مرثیه و دیوان علامه شیخ محمدحسین اصفهانی، ترجمه محمدحسین آشتیانی، انتشارات آفاق کاشمین  
۳. کلمات مرثیه و دیوان علامه شیخ محمدحسین اصفهانی، ترجمه محمدحسین آشتیانی، انتشارات آفاق کاشمین  
۴. کلمات مرثیه و دیوان علامه شیخ محمدحسین اصفهانی، ترجمه محمدحسین آشتیانی، انتشارات آفاق کاشمین  
۵. کلمات مرثیه و دیوان علامه شیخ محمدحسین اصفهانی، ترجمه محمدحسین آشتیانی، انتشارات آفاق کاشمین





پناهگاهی  
برای  
مردمان  
مردمان  
مردمان  
مردمان  
مردمان

۷۰



مردمان  
مردمان  
مردمان  
مردمان  
مردمان

## فتدانی با یک جبهه فتد

تألیف بر سینمایی به جبهه فتد  
زهرا ابتدیاری

موفقیت فیلم‌های او اتفاق نبوده است. ساخته بلند سینمایی وی «به همین سادگی» بود. میر کریمی در «به همین سادگی» هم خط سیر کارگردانی مذهبی یادشده فرهنگ و اخلاق را دنبال کرد تا حدود قابل قبولی موفق بود. البته نباید از میر کریمی انتظاری در حد آثار گذاری یک روحانی مکتب و مغرب رفته را داشت؛ اما او در بازه زمانی و دفعه‌های خود «به همین سادگی» را موفقیت‌آمیز نمود. در «به جبهه فتد» همکاری نام‌های بزرگ در مراحل مختلف چون تولید آونس، طراحی پوستر، بازی و فیلمبرداری باز هم اتفاق خوشایند است که به راحتی قابل چشم‌پوشی نیست.

قرار است پسند (پسندیده) دختر کوچک یک خانواده بزرگی با پسری به نام کیوان از خانواده متمولی در همسایگی - که حالا مقیم امریکاست - ازدواج غیبی کند و به امریکا برود. در این میان دای خانواده که مخالف این ازدواج است و می‌خواهد پسند با قاسم برادرزاده همسرش که حالا در خدمت سربازی است ازدواج کند، در نهایت تسلیم می‌شود. پسند هم گامی

باز به همین سادگی است. این فیلم بلند سینمایی ایران تیزرهای تلویزیونی این فیلم را همه‌جا بود و آونس فیلم نیز توسط رخشانی مسئول ساخته شده است. پوستر تجاری به جبهه فتد اثر عباس کارسنی است. این فیلم نماینده سعی ایران برای بخش بهترین فیلم خارجی زبان در مراسم اسکار هشتاد و پنجم، پودولی ینابه دلایلی مستوفان فرهنگ ایران در آن سال از شرکت در مراسم اسکار آکادمی اسکار صرف نظر کردند. به جبهه فتد اولین فیلم ایرانی سوپر ۱۶ میلی متری تولید شده در ایران است.

میر کریمی در این فیلم تجربه‌های موفق از فیلمسازی خود به نمایش گذاشت. وی با «زیر ماه» توجه همگان را به خود جلب کرد و شهادت موفق ترین فیلم ژانر سینمایی باشد که پس از گذشت سال‌ها نظیری برای خود ندیده است. خیلی دور خیلی نزدیک - میر کریمی هم لوح فیلم‌های قبلی او را دنبال کرد که نشان داد

زمانی که قاسم را دیو تعمیر کرد و خوشاخن را پریز زده برق قطع بود. نیمه شب که همه در خواب هستند برقی وصل می‌شود. سننبری خبز چاچراغ اتاقی ها را خاموش کند که آوی ترانه ای رامی شنود رزش امی گردودوه اتاق دای می رسد که از دیو ترانه «گو کجایی» کورس سرهنگ راده بخش می‌شود داستان خاتمه می‌یابد.

سبازی از گمانی که به تماشای دهه شصتاند تا خود اگاه به یاد خاطرات خوش دهه شصت و اوایل دهه هفتاد شمسی افتادند که در آن فیلم‌ها هویتی را داشتند و با تماشای آنها احساس بسیار نزدیکی به محیط داستان ایجاد می‌شد. در «به جبهه فتد» میر کریمی افراد خانواده و قایل را گرد هم آورد و به آنها روح خانواده سنتی ایرانی دمید، که نتیجه اش بسیار لذت بخش از آب در آمده است.

در تمامی ساخته‌های سینمایی میر کریمی همواره می‌توان دست یک قصه گوئی زیر دست رادر می‌دانست فیلم دید که تماشاگر برای دین ادامه آن ترغیب می‌نماید اما اصلی ترین تفاوت «به جبهه فتد» با دیگر ساخته‌های میر کریمی در همین ساختار فیلمنامه پیدا می‌کند. در «به جبهه فتد» میر کریمی به جای تعریف یک قصه واحد و پرداخت آن تصمیم گرفته است تا یک محیط پر بازیگر را پدید آورد و از لایه لای صحبت

شخصیت‌های فیلم داستان را تعریف کند. شاید این نوع نگاه میر کریمی برگرفته از اخراجی‌ها باشد که در عین شلوغی و پرهیاهو بودن داستان، بازیگر، شخصیت و لوکیشن داستان به طور کامل مرور شده و پیام فیلم منتقل شده است.

این شیوه روایت داستان که پیش از این در کارهای میر کریمی بی‌سابقه بوده باعث شده تا حواس تماشاگر شش دانگ به اتفاقات فیلم باشد و هیچ شخصیتی را به حال خود رها نکند. در «به جبهه فتد» همه بازیگران فیلم که کم شمار هم نبینند حرف‌های مهمی برای گفتن دارند.

شاید بتوان «به جبهه فتد» را جبهه دیگری نیز محصور به فیلم داستان آن اینکه این فیلم از معدود فیلم‌های ایرانی است که جامعه سنتی ایران را در مواجهه با جامعه مدرن، در مانده عقب افتاده نشان نمی‌دهد. در «به جبهه فتد» جامعه سنتی ایران به دور از مدرنیته، زندگی خوب و خوشی در کنار یکدیگر دارند و سنتی بودنشان کار داستان نمی‌دهد!

شاید بتوان «به جبهه فتد» را از جنبه دیگری نیز منحصراً در داستان آن اینکه این فیلم از معدود فیلم‌های ایرانی است که جامعه سنتی ایران را در مواجهه با جامعه مدرن، در مانده و عقب افتاده نشان نمی‌دهد. در «به جبهه فتد» جامعه سنتی ایران به دور از مدرنیته، زندگی خوب و خوشی در کنار یکدیگر دارند و سنتی بودنشان، کار دست‌نمانی آنها

شماره  
شماره  
شماره  
شماره  
شماره



در پایان نقادین فیلم توسط راسی اسکپه، یکی از منتقدان خارجی عرصه فیلم را که در مجله واریتی در سال ۲۰۱۲ به چاپ رسیده است ذکر می‌کنند: «رزا میر کریمی بسیار دیگر همچون خیلی دور خیلی نزدیک، که در آن نمی‌تواند دل کوپر و بافت کوپر گونه زده این بار به تمامیت دل در گرو بافت بی‌ظنیر دیو بزرگ ایران است و شسته و بشسته دیگر از پرده هفت رنگ هنر سنتی ژنو- کالچرال (جغرافیایی - فرهنگی) ایرانی را به مخاطب می‌نمایاند. شباهت عجیب و تم‌تکراری و کلیشهای «این فیلم به فیلم «مثل در آستانه ازدواج» کاملاً واضح است. به راستی جای این فیلم در فستیوال‌های جهانی خالی است.»



## فرم نظر سنجی

ماهنامه مسجد شماره ۱۷۲

نام و نام خانوادگی : \_\_\_\_\_  
 آدرس منزل : \_\_\_\_\_  
 پست الکترونیکی : \_\_\_\_\_  
 مشخصات محل خدمت (مسجد) : \_\_\_\_\_  
 نام مسجد تحت مدیریت : \_\_\_\_\_  
 آدرس پستی : \_\_\_\_\_  
 تلفن تماس : \_\_\_\_\_  
 در صورتی که مسجد دارای وب سایت و یا پایگاه اطلاع رسانی مجازی است آدرس پایگاه را قید نمایید.

تهران صندوق پستی ۱۹۷۷/۱۳۸۵

## پست جواب قبول

هزینه پستی بر اساس قرارداد شماره ۱۹۷/۱۳۸۵ پرداخت شده است  
 لطفا پس از تکمیل فرم آن را به داخل صندوق پست بپسندارید

خواننده محترم!  
 اهتمام شما در تکمیل این فرم و ارسال نظرات خود، قطعاً نشان راه ما در طریق ارتقای همه‌جانبه نشریه خواهد بود.  
 برای ارسال فرم، تنها آن را از نشریه جدا کرده، بدون پاکت پستی و الصاق تمپر، در صندوق پست بپسندارید.

تحصیلات حوزوی : \_\_\_\_\_  
 تلفن تماس (همراه) : \_\_\_\_\_



## هوای فاصله سرد است

علی صادقی سرشت



دعوا نمک زندگی است؛ اما آسان از زندگی های شورورا زندگی هایی که یاد سرد فاصله‌های عاطفی در آن وزیدن گرفته است و زوجین و فرزندان در این سرما از جهت مهر و محبت دچار یخ زدگی و کرختی شده‌اند؛ زندگی شور، زندگی ای است که در آن اضطراب و اختلاف جایگزین آرامش شده است؛ همان آرامشی که از ابتدا هدف ازواج و تشکیل خانواده بوده است؛ «و از نشانه‌های خانواده این است که از خود شما همسرانی آفرید تا در کنار آنان به آرامش برسید و میان شما دوستی و مهر افکند. همانا در آن نشانه‌هایی است برای گروهی که اندیشه کنند» آری، بهترین حالت برای زندگی زناشویی آن است که زن و شوهر بیشترین توافق، تفاهم و

صمیمیت را باهم داشته باشند. با این حال، حتی زن و شوهرهایی که بسیار به هم علاقه‌مندند، گاه بر سر مسائلی باهم اختلاف پیدای کنند. در اوایل تشکیل زندگی مشترک، وقوع نزاع‌ها ممکن است زن و شوهر را بسیار نگران کند. آنان با پذیرفتن این اصل که اختلاف هم جزو وقایع و حقایق زندگی مشترک است، می‌توانند بدون ناراحتی در کنار هم باشند و نگذارند که این لحظات سخت، در زندگی مشترک آنان آثار بدی باقی بگذارد و روحیه و فکر آنان را به هم بریزد. البته این بدان معنا نیست که در زندگی مشترک، زن و شوهر حتما باید باهم نزاع کنند. همان گونه که گفتیم بهترین حالت آن است که زن و شوهر هیچ گاه باهم اختلاف پیدا نکنند و بیشترین هماهنگی را در تصمیم‌ها داشته باشند. گاه برخی از نزاع‌های بین زن و شوهر آنها را چنان تکان داده که یکدیگر را بهتر شناخته‌اند و از آن پس همچون دو دوست صمیمی و عاشق زندگی خود را به خوشی ادامه داده‌اند. البته این مشروط به آن است که با این اختلاف‌ها به درستی روبه‌رو

شوند و هم‌زمن و هم‌شوهر آماده‌پند گرفتن باشند. کتاب «هوای فاصله سرد است» اثر از شمسند جناب آقای دکتر مجتبی حیدری است که به خانواده‌ها در رفع هوای سرد اختلافات کمک خواهد کرد. در این کتاب به دلایل بروز سوء تفاهم‌ها اشاره و سپس روش جایگزین کردن حسن تفاهم به جای سوء تفاهم بررسی شده است. همچنین به روش‌های جلوگیری از بحث و مجادله، راهکارهای گفت‌وگو درباره اختلافات، راهکارهایی بر خورد با اختلافات، علل و زبان‌های قهر کردن و همچنین پرسش و پاسخ‌هایی در رابطه با اختلافات خانوادگی، از جمله موارد دیگری است که در این کتاب به آنها پرداخته شده است.

این اثر از محصولات جدید مؤسسه امام خمینی رحمه‌الله است که در اسفند ماه سال ۱۳۹۲ به چاپ رسیده

بی‌نوشته:

۱۳۹۰، ۲۱



### سندخ علمی مطالب:

معتبر:	عالی	خیلی خوب	خوب	متوسط	ضعیف
رواق:	عالی	خیلی خوب	خوب	متوسط	ضعیف
محراب:	عالی	خیلی خوب	خوب	متوسط	ضعیف
شبیستان:	عالی	خیلی خوب	خوب	متوسط	ضعیف

### سندخ کاربردی مطالب:

معتبر:	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم
رواق:	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم
محراب:	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم
شبیستان:	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم

### حجم مطالب در هر سرویس:

معتبر:	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم
رواق:	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم
محراب:	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم
شبیستان:	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم

### تنوع موضوعات و عناوین در هر سرویس:

معتبر:	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم
رواق:	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم
محراب:	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم
شبیستان:	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم

پرداختن به چه موضوعاتی را در شماره بعد پیشنهاد می‌کند

آموزشی	مهارتی	تربیتی	فرهنگی	سیاسی	اجتماعی
--------	--------	--------	--------	-------	---------

بیکبری کدام مطلب از سرویس های چهارگانه نشریه را در شماره بعدی لازم می‌دانید:

آموزشی    مهارتی    تربیتی    فرهنگی    سیاسی    اجتماعی

### سیک نوشتاری و ویرایش مطالب:

عالی	خیلی خوب	خوب	متوسط	ضعیف
------	----------	-----	-------	------

### صفحه‌آرایی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

عالی	خیلی خوب	خوب	متوسط	ضعیف
------	----------	-----	-------	------

مطراحی روی جلد تا چه حد در رساندن پیام مجله به مخاطب مؤثر بوده‌اند؟

خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم
-----------	------	-------	----

### مسابقه پیامکی (یا جایزه)

بهترین مقاله:

بهترین طرح صفحه:

بهترین تیتر:

### گپ‌های همکاری (صفحه سوم جلد)

در صورت تمایل به همکاری با نشریه دروس و شماره تلفن و توضیحی مختصر درباره موضوعات، مطالب، حجم و ...